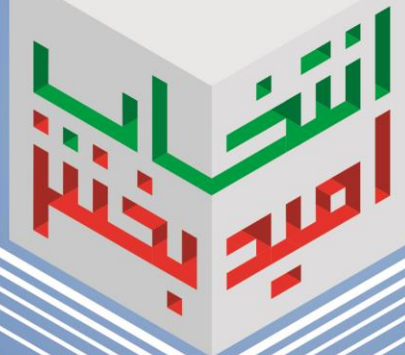


السلامة والرفاهية



شماره پنجم - سال ۱۴۰۲



ویژه نامه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزه علمیه



انتخاب امیدبخش

ویرنه نامه انتخابات

مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری

اسفند ۱۴۰۲

ویرنه نامه پنجم _ زمستان ۱۴۰۲

انتخاب امیدبخش

ضمیمه ماهنامه مبلغان - مرکز پژوهش‌های تبلیغ

ویژه‌نامه پنجم: انتخاب امیدبخش

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

ضمیمه ماهنامه مبلغان (ویژه‌نامه پنجم)

هیئت تحریریه: علیرضا پناهیان، سید محمد حسین راجی، محمود مقدمی،

رضا زند وکیلی، مصطفی آزادیان، نصرالله درویشی،

علیرضا زنگنه‌نوی، محمدرضا نیکوکلام

صفحه‌آرایی: محمد صادقی

چاپ: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان





فهرست مطالب

از نگاه دیدبان ۶

سخن نخست ۸

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

مبلغان؛ تعیین مصداق یا تبیین شاخص مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین مهدی طائب. ۱۴

«با دلیل پای صندوق می‌آییم!»! ۲۰

مبلغان و راهبرد مشارکت مردم در انتخابات ۳۷

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

قانون جدید انتخابات ۵۰

مصاحبه با دکتر طحان نظیف (زید عزه) ۵۰

وظایف و اخلاق انتخاباتی مردم ۵۹

سوژه‌های معارفی انتخابات ۷۷

سوژه‌های سخن (شاخصه‌های نماینده اصلح)! ۹۰

ارزش‌های اسلامی گمشده در انتخابات ۹۵

بخش سوم: شبهات انتخاباتی

شبهات انتخاباتی ۱۰۷

بخش چهارم: احکام انتخاباتی

بخش چهارم: احکام انتخاباتی ۱۳۱



«لازم است علمای جمیع بلاد، از مرکز تا دورترین استان‌ها و شهرستان‌ها، برای رسیدن به هدف اسلامی تشریک‌مساعی نمایند و برای انتخاب مجلس خبرگان، همه مجتمعاً در انتخاب کاندیدا مشترك باشند و هریک یا هر محل کاندیدای جداگانه نداشته باشند که در این تفرق، خوف شکست و مخاطره عقب راندن اسلام و احکام مترقی آن است. امروز، چنانچه ملاحظه می‌نمایید، بعضی از گروه‌هایی که با هم اتحاد نداشته‌اند، در این امر متحد شده و کاندیدای مشترك تعیین نمودند. من بیم آن دارم که شما از حق خود متفرق شوید و خدای نخواستہ سستی در انقلاب پدید آید. لازم است در این امر حیاتی، برای مصالح اسلام از مقاصد دیگر دست برداشته و همهٔ علما و قشرهای علاقه‌مند به اسلام، خصوصاً جوانان پرشور اسلامی، در تعیین خبرگان، متحد شوند».



«اهمیت انتخابات خبرگان - که شاید هیچ‌کدام از انتخابات‌های کشور به این درجه از اهمیت و حساسیت نباشد- در این است که با این انتخابات، مردم افراد خبره‌مورد اعتماد خودشان را انتخاب می‌کنند تا این‌ها آماده‌به‌کار باشند، برای لحظه‌حساس فقدان رهبری در کشور. این مجموعه‌مورد اعتماد ملت، باید بنشینند و با بصیرت کامل، رهبری را که قادر بر ادای تکالیف رهبری می‌دانند، انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند. اگر چنین جمعی در آن هنگام؛ یعنی هنگامی که کشور به تعیین رهبراحتیاج پیدا کرده است یا به خاطر این‌که رهبرقبلی از دنیا رفته است و یا خدای نخواستہ از صلاحیت‌ها افتاده است - که باید رهبردیگری را انتخاب کنند - حضور نداشته باشد و آماده‌به‌کار نباشد، آن‌چنان‌گرهی در دستگاه مدیریت کشور به وجود خواهد آمد که با هیچ سرانگشتی این‌گره بازشدنی نیست.»

بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، مورخ: ۱۳۸۵/۸/۲



سخن نخست

حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار با مبلّغان ضمن اشاره به اهداف بلند دین خدا فرمودند: «دین خدا با این هدف‌ها و امثال این هدف‌ها برای مردم، جز با تبلیغ تحقّق پیدا نمی‌کند؛ پس تبلیغ شد مرتبه اوّل، درجه اوّل؛ لذا شما در قرآن می‌بینید روی مسئله تبلیغ تکیه شده.»^۱

از نظر رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام «این زمینه بسیار مهم [تبلیغ] که بدون شک امروز یکی از برجسته‌ترین نقش‌ها را در جامعه و زندگی ما دارد و باید داشته باشد» نباید در رتبه سایر وظایف روحانیون قرار بگیرد؛ بلکه «مسئولان و دست‌اندرکاران امر تبلیغ در همه جا - به خصوص در حوزه‌های علمیّه - به این سنّت پایدار جامعه شیعی، توجه

۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون؛ مورخ: ۱۳۷۴/۱۰/۲۷.

ویژه‌ای کنند.»^۱ توجه کنند «که جامعه تبلیغی ما باید به تبلیغ، به صورت یک کار اصلی و حقیقی و لازمه قطعی علم دین نگاه کند. جامعه علمی دینی - یعنی روحانیت - اولین وظیفه اش تبلیغ است.»^۲ ضمناً باید توجه داشت که از نظر ایشان «اساس کار تبلیغ، بر پیش بردن مخاطب است.»^۳ پس باید روش‌ها و محتوای تبلیغی با هدف پیش بردن مخاطبان طراحی گردد. از نظر معظم‌له علیه السلام در مسئله تبلیغ چند امر مهم وجود دارد.

اولاً باید دقت کرد که «تبلیغ یک فن است و به تعلیم و فراگیری احتیاج دارد. همچنین نیاز دارد که نو به نو و روز به روز، ضرورت‌ها و لوازم آن به مبلغین ارائه شود.»^۴ پس وظیفه نهادهای تبلیغ است که مهارت‌های تبلیغ، روش‌های بیان و روش‌های انتقال مفاهیم و اثرگذار را به طلاب و مبلغان جوان آموزش دهند و از سوی دیگر ایشان تأکید دارند صرف آموزش روش، کافی نیست و باید دست مبلغ را پُرکرد. می‌فرمایند: «نیازهای روز به روز تبلیغ و مبلغ، باید در اختیار آن‌ها قرار گیرد.»^۵ و البته برای انجام این کار باید «جمعی از فضلا و بزرگان و علما و افراد برجسته و صاحب نظر بنشینند و موضوعات مهم را تعیین و تدوین کنند.»^۶ هرچند تدوین کتاب امر لازم و ماندگاری است، ولی حضرت آقا علیه السلام معتقدند: «نیاز دیگر، نشریه برای تبلیغ است. این نشریه باید به وسیله افراد صاحب نظر و از روی احساس مسئولیت و معرفت و دانش - نه به عنوان از سر باز کردن - منتشر شود.»^۷ نکته مهم دیگر این است که «در

۱. همان.
 ۲. همان.
 ۳. همان.
 ۴. همان.
 ۵. همان.
 ۶. همان.
 ۷. همان.

یک نگاه کلی، مبلّغ دین با قشرهای مختلفی مواجه است و فقط با طبقه علمی محض رو به رو نیست؛ بلکه با افرادی که تا حدود زیادی از معرفت و علم و دانش و تجربه برخوردار هستند نیز مواجه می‌شود. این مطلب قابل توجهی است که اساس و ملاک تصمیم‌گیری می‌شود.^۱ امام حکیم و عزیزمان علیه السلام با اشراف کاملی که به حوزه و نیازها و امکانات آن دارند، معتقدند بهترین راه برای رسیدن به مقصد کنار گذاشتن اختلافات و همدلی مسئولان است از این جهت می‌فرمایند «البته، شاید هر فردی از افراد، قادر بر اقدام نباشد؛ اما وقتی مجموعه و همه آحاد بخواهند، می‌شود اقدام کرد و ممکن نیست انجام نگیرد»^۲.

در راستای منویات رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای علیه السلام مبنی بر تأمین محتوا و روش برای مبلّغان، چهار مرکز محتوایی حوزوی یعنی «مرکز پژوهش‌های تبلیغ حوزه»، «گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، «اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی» و «مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه» در اقدامی هماهنگ تلاش کردیم ویژه‌نامه‌ای برای انتخابات پیش رو با عنوان «انتخاب امیدبخش» تهیه نماییم و امیدواریم این ویژه‌نامه که هم اینک شماره دوم آن تولید و منتشر می‌شود بتواند مطابق نظر حضرت آقا دست مبلّغان محترم را در سراسر کشور پر کند.

شایان ذکر است مطالب این ویژه‌نامه‌ها به هیچ عنوان نگاه جانبدارانه به نامزدهای هیچ کدام از احزاب، گروه‌ها و جناح‌های کشور ندارد و صرفاً به دنبال مشارکت حداکثری و در ادامه تعیین و تبیین معیارهای انتخاب اصلح از نگاه امامین انقلاب خواهد بود و به هیچ عنوان برای شاخصه‌ها و معیارهای اصلح تعیین مصداق نخواهد

۱. همان.

۲. همان.

کرد.

مخاطب ما در این ویژه‌نامه، مبلغان هجرت، روحانیون مستقر، مبلغان امین، مبلغان گروه‌های جهادی و... هستند. بنابراین تلاش کردیم آن را از نظر حجم مختصر و در قالب علمی - ترویجی ارائه نماییم تا هر مبلغی با توجه به اقتضائات منطقه و سطح مخاطبان خاص خودش مطالب را فرآوری و متناسب‌سازی نماید.

ویژه‌نامه انتخاب امیدبخش دارای چهار بخش است:

بخش اول: روش‌های تبلیغ انتخاباتی است که در آن مصاحبه باجناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی طائب را داریم که به برخی بایدها و نبایدهای تبلیغ انتخاباتی می‌پردازند و نیز مقاله‌ای از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین راجی که با معرفی برخی شاخصه‌های نامزد اصلح، سبک حضور مؤثر مبلغان جهت بالا بردن حضور مردم پای صندوق رأی را در انتخابات روشن می‌نماید در انتها این بخش مقاله‌ای از دفتر تبلیغات اسلامی را درج کرده‌ایم که راهبردهای مشارکت مردم در انتخابات را به مبلغان تبیین می‌نماید.

بخش دوم: محتوای تبلیغ در انتخابات: در این بخش پنج متن داریم ابتدا در مصاحبه با دکتر طحان نظیف در جریان کم‌وکیف قانون جدید انتخابات قرار می‌گیریم. تبیین وظایف و اخلاق انتخاباتی مردم، سوژه‌های معارفی انتخابات بخش‌های دیگر این بخش هستند و در ادامه شاخصه‌های نماینده اصلح را به عنوان سوژه‌های سخنرانی بحث خواهیم نمود و در انتها با مقاله «ارزش‌های اسلامی گمشده در انتخابات» نوشته جناب حجت‌الاسلام والمسلمین اسکندری ارزش‌های انتخابات را مورد بحث قرار داده‌ایم.

بخش سوم: پاسخ به سؤالات و شبهات انتخاباتی است که در آن به سؤالات و شبهات انتخاباتی پرداخته‌ایم.

بخش چهارم: احکام انتخاباتی

هدف ما آن است که مبلّغان گرامی با استفاده از روش‌های مطلوب و متناسب با فضای انتخابات و ارائه محتوای غنی، مخاطبان خود را برای حضور گسترده در پای صندوق‌های رأی تشویق کنند.

ما در ویژه‌نامه **انتخاب امیدبخش** به دنبال آن هستیم که ذهن و زبان مخاطب را با خود همراه کنیم و دل و دست او را برای حضور در پای صندوق‌های رأی و انداختن برگه رأی در صندوق‌های انتخاباتی فعال سازیم. می‌خواهیم دغدغه‌ها و دل‌شوره‌های مردم را در حد توان برطرف کنیم و سوالاتشان را پاسخ دهیم و آن‌ها را برای همراهی با جریان مقدس و معقول جمهوری اسلامی همراه کنیم. می‌خواهیم دست دشمنان را از این نظام کوتاه کنیم و مانند سربازان حاج قاسم سلیمانی و همراه با او در رکاب ولی زمان خود، از جمهوری اسلامی و این مملکت، یعنی از این حرم دفاع کنیم که به حق سردار دل‌ها فرمود: «جمهوری اسلامی حرم است...» و دفاع از آن بر همه ما واجب است. ما مبلّغان افتخار می‌کنیم که در کنار دیگر دلسوزان ایران، خود را مدافع حرم بنامیم و با تمام توان، با روش‌ها و محتواهای تبلیغی متفاوت از این حرم دفاع کنیم و با عنایت شهدا و سردار شهیدان، مثل همیشه انتخابات پرشوری برگزار کنیم.

کارگروه تخصصی راهبری محتوای تبلیغی
(همکاری مراکز تبلیغی)



۱

بخش اول:

شیوه‌های تبلیغ
مبلّغان در انتخابات



مبلغان؛ تعیین مصداق یا تبیین شاخص مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

اشاره

در حالی که در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری قرار داریم، بی‌تردید حضور روحانیت به‌عنوان مبلغین مدافع انقلاب اسلامی، در تبیین آرمان‌ها و تقویت مشارکت بیشتر مردم در پای صندوق‌های رأی، مؤثر خواهد بود. برای آشنایی با رسالت‌های تبلیغی مبلغان در این عرصه، به دیدار حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی طائب رفتیم تا از بیانات ایشان بهره‌مند شویم: ابتدای این جلسه، اگر اجازه بفرمایید، سؤالاتی را مطرح نمایم:

س: آیا ما حق داریم از افراد و نامزدها تعریف کنیم؟ به عبارتی دیگر، نماینده‌ای را معرفی کنیم یا این که باید شاخصه‌ها ارائه شود؟

در سال ۹۲ که یک تشکیلات انقلابی محضر حضرت آقا علیه السلام رسیدند، اولین توصیه‌ای که

ایشان فرمودند این بود که شما در جریان‌ها و - به تعبیر بنده- مصداق‌ها، ورود پیدا نکنید؛ جریان‌ها می‌آیند و می‌روند، شما باید ماندگار بمانید. این موضوع مربوط می‌شد به دورانی که جبهه اصلاحات رأی آورد. حساسیت آن دوران را می‌دانید که چقدر بود. ایشان از ورود به جریان‌ها و مصادیق منع کردند و طبیعتاً بیانات ایشان همه از روی منطق و حکمت است.

در انتخابات مجلس، از حیث ضربه‌پذیری مبلغ، قضیه حساس‌تر می‌شود؛ چون در جریان انتخاب رئیس‌جمهور، یک فرد مطرح و تقریباً جریان عمومی کشور است؛ اما در انتخابات مجلس، خیلی از مناطق ما قومی - قبیله‌ای می‌شوند. بنابراین، اگر مبلغ از شخص خاصی حمایت کند و قومیتی هم باشد، قوم شکست‌خورده به علت تعصبات قبیله‌ای، مبلغ و چه‌بسا مبلغان را بعد از شکست، نمی‌پذیرند؛ چون قرار است تبلیغات ما ماندگار و پایدار باشد و در جریان مجلس، در عین حال که اسلامی است؛ چون بعضاً کاندیدای ما به آن درجه خلوص نرسیده‌اند که مخلصاً لله بیایند و ما هم مخلصاً لله رأی بدهیم، نوعاً شائبه مادی در آن وجود دارد؛ ولی مبلغ حق ندارد از شائبه مادی دفاع کند؛ بلکه کار مبلغ دینی مثل نماز است؛ نباید یک سرسوزن غیر خدا در آن راه یابد؛ و الا باطل می‌شود و اثری نخواهد داشت.

بله، یک جایی شما شخصی را پیدا می‌کنید که یقین دارید صددرصد لله، فی‌الله و بالله وارد عرصه انتخابات شده است؛ بروید از او حمایت کنید! تازه اگر چنین انسانی باشد، خودش می‌گوید که از من حمایت نکنید.

حضرت امام علیه السلام می‌فرمود که سر پُست و مقام برای رضای خدا هم با یکدیگر رقابت نکنید! این در حقیقت نفی موضوع می‌کند به بیان نفی حکم؛ یعنی نمی‌شود سر پست و مقام به خاطر خدا با رقیبت درگیر شوی؛ چون گاهی بحث ایمان و کفر است؛ آنجا دیگر رقابت نیست؛ مبارزه و ستیز است؛ اما اینجا هر دو فرد مثلاً اصول‌گرا هستند: «هذا يقول أنا و هذا يقول أنا» اینجا انسان کجا می‌تواند خدا را پیدا کند؟ بنابراین، مبلغان عزیز دقت داشته باشند که در انتخابات مجلس، سراغ فرد نروند.

باید توجه داشت که گاهی جریانی اتفاق می‌افتد و در انتخابات نزاع، نزاع فرد با فرد نیست؛

بلکه نزاع آن‌ها، نزاع جبهه با جبهه می‌شود. به عبارتی دیگر، ما یقین می‌کنیم که اگر فلان جبهه و جریان مستولی شود و قدرت پیدا کند، آمریکایی هستند؛ در اینجا تبلیغ برای مبلغ خیلی حساس است؛ یعنی من به‌عنوان مبلغ از جریان مقابل این‌ها به نحوی تبلیغ کنم که مردم متوجه شوند من افراد خاص این جریان را مدنظر نداشته و با افراد کاری ندارم؛ اما این جریان نسبت به جریان مقابل اولویت دارد.

البته تبلیغ این‌چنینی، زیرکی می‌خواهد تا مخاطب متوجه شود که ما از فرد حمایت نمی‌کنیم، پس لازم است بیان اولویت‌ها باشد، نه دفاع مطلق و بیان حقانیت مطلق از جریان. این جور نباشد که فکر کنند فلان جریان حق مطلق است. البته تا آنجا که می‌شود.

س: معمولاً مبلغان سعی می‌کنند به‌جای معرفی افراد، شاخصه‌ها را بیان کنند. در این رابطه چه نکاتی را لازم می‌دانید؟

نکته‌ای که در رابطه با شاخصه‌ها شاید کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، این است که ما شاخصه‌ها را به‌خوبی تبیین می‌کنیم؛ اما طرف مقابل می‌آید و عنصر خودش را صاحب و دارای آن شاخصه معرفی می‌کند. مثلاً در سال ۹۲ گفتیم از فرد حمایت نکنیم و فقط شاخصه‌ها بیان شود. وقتی شاخصه‌ها مطرح شد، طرف مقابل آمد، گفت: همه این شاخصه‌ها را من دارم.

مبلغ علاوه بر بیان شاخصه‌ها، باید مردم را نیز آگاه کند که: مراقب باشید افراد را با این شاخصه‌ها تحمیل نکنند و در انطباق و تطبیق شاخصه‌ها با مصادیق حساس باشید! این‌گونه نیست که طرف مقابل بگوید من این شاخصه‌ها را قبول ندارم یا من مدل دیگری هستم؛ بلکه باید خودش را با شاخصه‌ها هماهنگ کند.

در انتخابات گذشته مجلس، یکی از شاخصه‌ها را شرکت در جبهه معرفی کرده بودند که لیست‌های مختلف افراد جانباز و جبهه‌ای را معرفی کردند، به‌گونه‌ای که در فهرست‌های برخی جریان‌ها، حدود ۶۰ درصد کاندیداها جانباز بودند و بین آن‌ها برادر شهید نیز بود. بنابراین باید

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

به مبلغان تأکید کنیم که در معرفی افراد ورود نکنید؛ اما این موضوع برای مردم تبیین شود که در این شاخصه‌ها، برخی به دنبال آن هستند که خودشان را مطابق همین شاخص‌ها معرفی کنند. باید دید تیزبین مبلغان، این افراد را رصد نماید تا افرادی از این شاخصه‌ها سوءاستفاده نکنند. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمود: فرزندانم نیز نمی‌فهمند من به چه کسی رأی می‌دهم. ملاک را بگوئید تا عملکرد منفی و مثبت نماینده دامن‌گیر شما نشود؛ مردم نگویند این کسی که شما گفتید، چرا کوتاهی می‌کند و چرا...؟

س: ظاهراً امام علیه السلام در اوایل انقلاب از مبلغان خواسته بودند که نمایندهٔ اصلح را معرفی و به مصادیق ورود پیدا کنند؟

شاید در آن اوایل انقلاب اقتضا این بود یا به‌ضرورت امام فرموده بودند و احتمالاً دستور، مقطعی بود.

س: برخی تعیین مصداق نمی‌کنند؛ اما با تبیین شاخصه‌ها معلوم می‌شود شخص خاصی مدنظر است. آیا اشکالی دارد؟

اگرچه امروزه شاخصه‌ها در افراد مختلفی وجود دارد. مثلاً چند نفر از کاندیداها خانوادهٔ ایثارگران‌اند، حال اگر مردم به شخصی پی بردند، مانعی ندارد و به نوع جلسه‌ای بستگی دارد که مبلغ را دعوت می‌کنند؛ گاهی جلسهٔ پرسش و پاسخ سیاسی است؛ گاهی منبر. اگر منبر از «قال النبی، قال الباقر و قال الصادق» خالی باشد و در پایانش روضه و مرثیه نباشد، مورد پذیرش مخاطب واقع نمی‌شود و هیچ‌کسی این مطالب را بیرون نمی‌برد؛ اما درون مباحث منبر، نتیجه باید آگاهی‌بخش باشد. برای مثال دربارهٔ این‌که مردم مشارکت بیش‌تری داشته باشند، ماجرای جنگ احزاب مطرح شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب را جمع کرد تا مشورت بگیرد؛ چون در جنگ احد اصحاب مشورت دادند و حضرت نیز به مشورت آنان عمل کردند؛ گرچه منجر به شکست اسلام شد. دیگر در جنگ احزاب کسی مشورت نداد، گفتند: یا رسول‌الله! ما مشورت نمی‌دهیم؛ اما سلمان رضی الله عنه مشورت داد و

مشورتش هم مورد قبول پیامبر ﷺ واقع شد. نتیجه این‌که پیامبر ﷺ اهل مشورت است. اگر کسی مشورت نداد، پیامبر ﷺ کاری با آن‌ها ندارد؛ اما وقتی سلمان ﷺ مشورت می‌دهد، پیامبر ﷺ می‌پذیرد؛ چون سلمان ﷺ فرد صالحی بود، حضرت از مشورت با او دریغ نکردند.

مبلّغ به مردم بگوید: ما امروزه مجلس شورای اسلامی داریم که در حقیقت مشاورین رهبر انقلاب ﷺ هستند. شما سلمان‌ها را به مجلس بفرستید!

یا مثال بعد، کسانی که به کربلا آمدند، مشاورین حضرت سیدالشهدا ﷺ در کارها هستند. حضرت در مسیر راه آن‌قدر تبیین کردند تا کسانی که اهل دنیا هستند، به کربلا نیایند. حضرت از سختی راه می‌گفتند تا کسانی که باقی می‌مانند، این‌گونه همراهی کنند و مسیر دنیا را تغییر دهند. مبلّغ به مردم بگوید: کسانی را به مجلس بفرستید که اهل دنیا نباشند، به فکر جیب خودشان نباشند. این‌گونه بیان کردن مطالب، اگر هم به درد انتخابات مخاطب نخورد، لااقل به درد دین آن‌ها خواهد خورد.

البته مبلغان توجه داشته باشند که در هر منطقه نوعی آسیب وجود دارد که نباید اتفاق بیفتد. مبلّغ باید ابتدا آن آسیب را شناسایی کند، سپس روایات و آیاتش را بررسی و مطرح کند، بعد در رابطه با آن آسیب صحبت نماید، مخصوصاً در این انتخابات که مناسبت‌های مختلفی را پیش‌رو داریم؛ فاطمیه، اعتکاف ماه رجب، دههٔ بصیرت و... که می‌توانند از این فرصت‌ها استفاده کنند.

برخی معتقدند که منبر را سیاسی نکنید و مباحث انتخاباتی مطرح نشود. اگرچه مبلغان ما غالباً این تفکر را ندارند؛ اما راجع به این موضوع مطالبی بفرمایید؟

بنده فکر می‌کنم با این جریانات روز، مثل مسئلهٔ غزه، برخی دیدگاه‌ها تغییر کرده است و کسانی که از آن‌ها چندان توقعی نبود نیز اظهارنظر کردند. گفت: آن‌قدر مُرده بُو می‌داد که صدای مرده‌شور هم درآمد. ما هرچه جلوتر برویم، این قضیه بیش‌تر فهم می‌شود که اگر خوابیدی، دشمن نمی‌خوابد، حتی کمی کوتاه نمی‌آید. دشمن می‌شود داعش که نمی‌گذارد

برای اهل بیت علیهم‌السلام یک مجلس کوچک هم برگزار کنید؛ همه را جمع می‌کند. اگر جبهه و نظام را تبلیغ نکنیم و در منبر سخن نگوییم، این بار با ۵۰ سال قبل فرق دارد: **﴿وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً، يَرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَآسِقُونَ﴾**^۱ «اگر بر شما دست یابند، درباره شما نه خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه تعهدی را. شما را با زبان خود راضی می‌کنند و حال آن که دل‌هایشان امتناع می‌ورزد و بیش‌ترشان منحرف‌اند».

برای کسی که این‌گونه می‌گوید، در لفافه باید گفت: راه بازگشتی برای ما نیست؛ جاده یک‌طرفه است. باید برویم تا ان‌شالله امام زمان علیه‌السلام بیاید. البته من این تعبیر از آیه را برای یهود به کار بردم که اگر ضربه بخورد، دیگر هیچ جایی تحویل‌شان نمی‌گیرد و نمی‌تواند به هیچ وجه خودش را جمع کند و هیچ جا این‌ها را قبول نمی‌کند.



با دلیل پای صندوق می آییم!

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسین راجی^۱

در ذیل به معرفی برخی از شاخصه‌های نامزد اصلح، برای نشان دادن سبک صحیح حضور در انتخابات، جهت بالا بردن حضور مردم پای صندوق‌های رأی اشاره می‌گردد.

۱. تقوا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخص مسئول، ترس از خدا؛ یعنی همان تقواست. اگر شخصی تخصص داشته باشد؛ اما تقوا نداشته باشد، مناسب مسئولیت نخواهد بود. اهمیت تقوا در کلام حضرت علی ع خطاب به «زیاد بن ابیه» آمده است: «وَأَيُّ أَقْسِمٍ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَنْ بَلَّغْنِي أَنَّكَ حُنْتُ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةَ تَدْعَاكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، نَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ؛^۲ به خدا قسم! اگر به من اطلاع دهند که در اموال عمومی خیانت کرده‌ای؛ چه کم و چه زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شوی و در هزینه عیال

۱. برگرفته از کتاب: «سنگ محک»، نوشته حجت الاسلام راجی.

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۰.

درمانده و خوار و سرگردان مانی».

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «اگر در نظامی مسئولان نظام بانقوا باشند، فساد در آن نظام راه پیدا نمی‌کند».^۱

تقوا؛ یعنی اگر کار پنهان شخص آشکار شد، از خدا و مردم خجالت نکشد. آیت‌الله مجتهدی تهرانی علیه السلام می‌فرمود: «تقوا؛ یعنی اگر یک هفته مخفیانه از کارهای ما فیلم گرفتند و گفتند که اعمال هفته گذشته‌ات در تلویزیون پخش شده، ناراحت نشویم».^۲

راه‌های کسب تقوا

اگر انسان بخواهد به تقوا برسد، فقط یک راه دارد و آن «خودسازی» است. قبل از آن که انسان به مسئولیتی برسد، باید هر شب اعمال خود را محاسبه کند تا اگر به مسئولیتی رسید، خدمت را فراموش نکند و صدالبته، بعد از مسئولیت نیز استمرار در محاسبه اعمال، واجب است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا، وَزِنُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَوَزنُوا؛^۳ به اعمال خود رسیدگی کنید، قبل از آن که به اعمال شما رسیدگی کنند و اعمال خود را وزن کنید، پیش از آن که برایتان وزن کنند.»؛ یعنی ما باید کارهای هر روز خود را حساب کنیم و بینم امروز در چه اموری کم‌کاری کرده‌ایم تا فردا دیگر در آنجا کم نگذاریم.

مهر شکستنی شهرت

پس از رحلت امام خمینی، مرجعیت آیت‌الله بهاء‌الدینی علیه السلام مطرح شد و بعضی به این ایشان مراجعه و درخواست رساله کردند؛ اما آن پیر وارسته فرمودند: «دیگران هستند.»

۱. بیانات رهبری علیه السلام در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، مورخ: ۲۶ شهریور ۱۳۷۶.

۲. خبرگزاری میزان، کد خبر: ۳۶۳۸۸۰.

۳. شرح مصباح الشریعة، ترجمه: عبدالرزاق گیلانی، ص ۵۱۳.

هنگامی که آیت‌الله گلپایگانی رحلت کردند، باز مرجعیت ایشان مطرح شد و برخی با اصرار بیشتر و پافشاری افزون‌تر خدمت ایشان رسیدند و با صحبت‌های خود تمام راه‌های عذر و بهانه را بستند؛ اما ایشان در جواب فرمودند: «حرف شما قبول؛ اما فقط یک راه دارد؛ این‌که حضرت صاحب‌الامر بفرمایند، در این صورت قبول خواهم کرد؛ زیرا بنده مشکلاتی دارم که وقتی حضرت امر فرمود، این موارد را هم حل خواهند کرد و بعد از آن را خودشان تضمین می‌کنند.» یک سال بعد از این سخنان بود که آیت‌الله اراکی به ملکوت اعلی پیوست. پس از این حادثه نیز طوری رفتار کردند که نامشان مطرح نشود.

در سال ۱۳۷۲ش برخی از فضلالی حوزه، مبلغ قابل توجهی خدمت ایشان آوردند و درخواست کردند که اجازه دهند دفتر شهریه‌ای به نام‌شان تأسیس شود و به‌عنوان عیدی، مبلغی به طلاب تقدیم گردد. ایشان فرمودند: «لازم نیست. نام بنده موضوعیت ندارد.» در پی امتناع ایشان، گفته شد: پس لااقل اجازه دهید به طلاب مدارس شهریه‌ای بدهیم. آقا فرمودند: «بالاخر از این‌ها فکر کنید. گیرم نام بنده بر سرزبان‌ها افتاد. وقتی پیش خدا دستم خالی است، آن شهرت برای من چه سودی دارد؟ شما سعی کنید این پول را به مصرف واقعی برسانید و یک گرفتار بیچاره‌ای را نجات دهید. آن که باید ببیند، می‌بیند.»

شهرت‌گریزی ایشان بدان حد بود که در اوایل انقلاب؛ چون نام ایشان به‌خاطر رابطه با امام بر سرزبان‌ها افتاده و مراجعات بیش از گذشته شده بود، فرزندشان برای سهولت کارها مهتری به نام ایشان تهیه کرد. ایشان وقتی مهر را مشاهده کردند، فوراً آن را شکستند تا مبادا زمینه شهرت ایشان بیشتر فراهم شود.^۱

۱. مجله میلغان، فرودین و اردیبهشت ۱۳۹۴، شماره ۱۸۹.

۲. شجاعت

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛^۱ «از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند.»؛ یعنی شجاعت دارند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ وَلِسَانٍ قَثُولٍ وَجَنَانٍ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ صَبْرًا»؛ رهبر نیازمند سه چیز است: قلب متفکر، زبان گویا و دل پرجرات و قاطع (در برابر اجرای حق).

مسئولی که شجاعت ندارد، چگونه می‌تواند از حقوق ملتش دفاع کند؟ نمی‌تواند حرف حق بزند؛ زیرا می‌ترسد روزنامه‌ها علیه او چیزی بنویسند یا برخی افراد چیزی بگویند. گاهی در صحبت‌های مسئولین شنیده می‌شود که می‌گویند: اگر ما فلان جمله حق را بگوییم، فردا ما را زندانی می‌کنند. آقای مسئول! شما حق را بگویید؛ چه به زندان بیفتید، چه نیفتید. شما نماینده مردم شده‌اید که حرف حق را بزنید.

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید: «امروز من و شما به این شجاعت احتیاج داریم؛ ملت ایران به آن احتیاج دارد. هر کسی که کارگزار این حکومت است، بیش‌تر احتیاج دارد. هر کسی دستش به چیزی از این بیت‌المال مسلمان‌ها می‌رسد، بیش‌تر به این شجاعت احتیاج دارد. هرکس که مردم به او بیش‌تر اطمینان دارند، بیش‌تر به آن احتیاج دارد. امروز آحاد مردم ملت ایران در مجموع هم به این شجاعت احتیاج دارند».^۲

ناوهای آمریکایی

حضرت امام علیه السلام نمونه بارز شجاعت بود. مسئولان نظام می‌گویند: ما با امام جلسه داشتیم. بحث در مورد این بود که بعضی از ناوهای آمریکایی وارد محدوده خلیج فارس شده‌اند.

۱. مانده / ۵۴.

۲. بیانات رهبری علیه السلام در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۰ بهمن ۱۳۷۴.

موضوع این بود که چه کنیم؟ هر کسی نظری داد. عموماً می‌گفتند که به آمریکایی‌ها کاری نداشته باشید؛ ما داریم با عراق می‌جنگیم، پس آمریکا را مستقیماً وارد جنگ نکنیم. صحبت‌ها که تمام شد، امام از جا بلند شدند. ما گفتیم: نظر شما چیست؟ فرمودند: من اگر جای شما بودم، اولین ناوشان که وارد شد، آن را می‌زدم»^۱.

سپاهیان و بسیجیان این امر را در دستور کار قرار دادند و حماسه‌ای بزرگ آفریدند. شهادت «نادر مهدوی» و شجاعت او و یارانش که هیمنه پوشالی آمریکا را از بین برد، مربوط به همین واقعه است.

اولین مسلمانی که افسار بردهانش بستند، میثم تمار بود.

میثم در مسجد علیه عبیدالله ملعون صحبت می‌کرد. ابن زیاد ایشان را دستگیر کرد. میثم کیفیت شهادت خود را از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیده بود و خود را برای مرگ سعادت‌مند آماده می‌کرد. روزی حضرت دست میثم را گرفت و درخت خرمایی را که میثم بالای آن به دار آویخته شد، به او نشان داد. میثم همواره کنار آن درخت می‌رفت و در سایه آن به عبادت می‌پرداخت.

وقتی عبیدالله او را دستگیر کرد، گفت: امیرمؤمنان علیه السلام به من خبر داده است که انسانی ستمگر و فرومایه و پسر کنیزی بدکاره مرا دستگیر می‌کند و به دار می‌آویزد و زبانم را می‌برد و من اولین مسلمانی هستم که افسار بر دهانش می‌بندند تا سخن حق نگوید. عبیدالله گفت: برای این که بدانی علی کذاب است، من تو را بر درخت می‌بندم؛ اما زیانت را نمی‌برم.

میثم تمار که با دست‌ها و پاهای بریده بالای درخت آویزان بود، فرصت را غنیمت شمرد و درنهایت عشق و ارادت خود را به مولا و مقتدای خویش و خشم و کینه خود را به دشمنان اهل بیت به نمایش گذاشت. او با همان حالت شروع به سخنرانی کرد. مردم زیادی گرد او جمع

۱. برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، غلامعلی رجایی، ج ۴، ص ۲۱۰.

شدند و به سخنان او گوش دادند. وقتی این خبر به دارالاماره رسید، ابن زیاد دستور داد افساری بر دهان او بزنند. میثم با همان حال به افشاگری‌های خود علیه دستگاه ظالم بنی‌امیه ادامه داد، تا این‌که به دستور ابن زیاد زبانش را قطع کردند و با این حرکت، حقانیت و درستی گفتار امیر مؤمنان علیه السلام به اثبات رسید.^۱

ابراهیم در آتش داعش

شهید مدافع حرم «مهدی صابری» فرمانده گروهان خطشکن حضرت علی اکبر علیه السلام یکی از شجاع‌ترین و دلیرترین فرماندهان میدانی تیپ فاطمیون بود. در یکی از عملیات‌ها در شهر حلب، در حالی‌که دشمن تکفیری با موشک‌های بسیار پیشرفته «کورت و تاو» نسل « (اهدایی اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها به جبهه النصره و ارتش آزاد) ادوات زرهی را به آتش می‌کشید و به همین علت هیچ تانک و نفربری جرأت مانور قدرت در آن عملیات را نداشت، به آقامهدی اطلاع می‌دهند که عده‌ای از رزمندگان فاطمیون زخمی شده‌اند و به دلیل آتش سنگین دشمن و از جمله استفاده از موشک‌های هدایت‌شونده تاو، امکان جابه‌جایی مجروحان وجود ندارد.

این فرمانده شجاع، بدون تردید و مصلحت‌اندیشی‌های دنیوی به سراغ یک نفربر رفت و با علم به این‌که ممکن است مورد اصابت موشک قرار بگیرد و زنده‌زنده در آتش بسوزد، ابراهیم‌وار وارد آتش میدان جنگ شد و تک‌وتنها به سراغ مجروحان رفت و همه آن‌ها را یکی‌یکی سوار نفربر کرد و به سلامت به عقب آورد.^۲

غالباً کسانی که تز روشن‌فکری دارند، ترسوترین افرادند و با کوچک‌ترین تشری خود را می‌بازند و معمولاً به خاطر ترس، کشور را می‌فروشند. در طول تاریخ، این‌ها بارها کشور را

۱. رجال کشی، ص ۸۷، با اندکی تصرف.

۲. خبرگزاری دفاع مقدس، کدخبر: ۸۴۸۳۸، تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۵.

به‌خاطر همین ترس فروخته‌اند و فقط ادعای شجاعت دارند. بسیاری از سلاطین و انسان‌های به‌ظاهر قدرتمند نیز در ترس عجیبی به سر می‌بردند. آن‌ها به دلیل عدم ترس از خدا، از همه چیز وا همه داشتند.

در مورد خصایص مظفرالدین‌شاه قاجار مطالب فراوانی گفته و نوشته شده است. یکی از بارزترین ویژگی‌های این شاه قاجار، ترسو بودن وی است که بسیاری از نزدیکانش در مورد این موضوع اتفاق نظر دارند. ذکر خاطره‌ای از نزدیکان سلطان بد نیست تا مشخص شود سلطان قدر قدرت و مالک الرقاب الرعایا چقدر زبون و ترسو بوده است.

پادشاه قدر قدرت ترسو

«اعلم الدوله ثقفی» پزشک مخصوص مظفرالدین‌شاه، در خاطرات خود می‌نویسد: «مظفرالدین‌شاه از همه چیز و همه‌کس می‌ترسید؛ از رعد و برق و صداهای ناگهانی می‌ترسید، از آدم‌های ناشناسی که برای اولین بار پیشش می‌آمدند، می‌ترسید... حتی از تجسم وقایعی که هنوز صورت نگرفته بود، می‌ترسید. در هر موضوعی که زمینه وحشت برایش فراهم می‌شد، کنترل اعصاب خود را از دست می‌داد و صبر و قرارش به‌کلی از کف می‌رفت. در این‌گونه موارد نوعی تشنج اعصاب عارضش می‌شد که برای تسکین آن، محتاج به معالجه و استعمال دوا بودیم».^۱

مقایسه دو رهبر در جنگ

«ژنرال حسین کامل مجید»، وزیر صنعت و صنایع نظامی رژیم بعث و داماد صدام معدوم، پس از فرار به اردن، در زمستان سال ۱۳۷۴ش طی مصاحبه‌ای مفصل با نشریه «السفیر»، چاپ بیروت، گفت: «در عملیات شوش - دزفول (فتح‌المبین) هنگامی که نیروهای

۱. روزنامه رسالت، ش ۷۳۱۹، مورخ: ۲ مرداد ۱۳۹۰، ص ۱۷.

ایران در منطقه سپاه چهارم عراق پیش‌روی کردند، واحدهای پشتیبانی این سپاه رزمی نیز از بین رفت و چیزی نمانده بود که صدام و همراهان او که من هم جزء آنها بودم، به اسارت نیروهای ایرانی درآیند. در آن لحظات، رنگ از چهره صدام پرید و بسیار نگران بود. صدام به ما نگاه کرد و گفت: از شما می‌خواهم در صورتی که اسیر شدیم، من و خودتان را بکشید...»^۱.

اما در مقابل، امام خمینی علیه السلام در نهایت شجاعت و صلابت بود. حجت‌الاسلام رحیمیان که سال‌ها محضر امام علیه السلام را درک کرده بود، در خاطرات خود می‌نویسد: «مکرر اتفاق افتاد که در حین تشریف به خدمت‌شان در همان جای همیشگی، صدای ضدهوایی یا انفجار زمین را می‌لرزاند. یک‌بار ساعت حدود ۸:۱۰ صبح بود که موج انفجار ناشی از اصابت موشک به نزدیک‌ترین نقطه به جماران، چنان همه‌جا را تکان داد که در اتاق به‌شدت باز شد و به پشت این جانب خورد که نزدیک در نشسته بودم. در آن حال، من تمام توجهم به امام بود؛ ولی هیچ‌گونه تغییر و واکنشی در قیافه امام ندیدم.

بعد هم با توجه به این‌که با دستگاه مخصوصی به‌طور مداوم قلب حضرت امام علیه السلام تحت کنترل بود و کم‌ترین تغییر در تپش قلب مبارک‌شان روی صفحه نمایش‌گر منعکس و ثبت می‌شد، از یکی از پزشکان مراقب تحقیق کردم، معلوم شد که این حوادث و صداهای مهیب که برای یک لحظه هم که شده قلب همه را تکان می‌داد، در مورد حضرت امام که مصداق بارز «الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تَحْزَنُهُ الْعَوَاصِفُ»^۲ بودند، نه فقط در ظاهر چهره پربلابت‌شان کم‌ترین تغییری ایجاد نمی‌کرد؛ بلکه حتی در دستگاه‌های عصبی و قلب آکنده از ایمان و توکل‌شان نیز هیچ‌گونه لرزشی به وجود نمی‌آورد؛ چراکه او به حقیقت «وَقُلْ لَنْ يَصِيْبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا»^۳ واصل شده و ضمیر آرام و قلب مطمئن او بار سفر آخرت را بر بسته بود و لحظه مرگ خود را آغاز حیات راستین خویش می‌دانست و چون فقط از خدا می‌ترسید و تنها اراده او

۱. روزنامه کیهان، ش ۱۹۲۳۲، مورخ: ۲۶ آبان ۱۳۸۷، ص ۹ (فرهنگ مقاومت).

۲. شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۱۸۱.

۳. توبه / ۵۱.

را حاکم بر هستی یافته بود، دیگر در وجودش جایی برای ترس جز از او یافت نمی‌شد.^۱ امام چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، همواره در نهایت صلابت و شجاعت بودند.

۳. فداکاری و ایثار

از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت و بهترین کرامت اخلاقی و بالاترین نیکی‌ها برای یک انسان، خصوصاً فرد مسئول، ایثار و فداکاری است و تنها انسان‌های بزرگ به این قله شامخ صعود می‌کنند. ایثار به مفهوم عطا کردن و دیگری را بر خود ترجیح دادن است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾؛^۲ «سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.» اگر انسان ایثارگر تنها یک انگشت داشته باشد، همان را خواهد بخشید. فرد مسئول باید این‌گونه باشد.

مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌فرمایند: «امروز شما نگاه کنید به سطح زندگی بشریت در دنیا؛ رؤسای کشورها، مدیران امور سیاست‌ملت‌ها را نگاه کنید. کدام‌شان حاضرند از منافع شخصی خودشان صرف‌نظر کنند و بگذرند، آنجایی که این منفعت برای‌شان دم دست است و می‌توانند از آن بهره بگیرند؟ کدام‌شان حاضرند جان خودشان را در راه مصلحت ملت‌شان و کشورشان قربانی کنند و فدا کنند؟»^۳

مسئول باید از جیب و گلوی خود و خانواده‌اش بزند تا به مردم رسیدگی کند: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛^۴ «و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند.» مؤمن این‌گونه است.

۱. در سایه آفتاب، محمدحسین رحیمیان، ص ۱۰۸.

۲. مانده / ۵۵.

۳. بیانات رهبری علیه‌السلام در روز عید غدیر در دیدار جمعی از مردم، مورخ: ۲۷ آذر ۱۳۸۷.

۴. حشر / ۹.

چه اشکالی دارد فرد مسئول برای خود، خانواده و حزبش هیچ درآمدی کسب نکند؟ مگر در زمان جنگ تحمیلی فرماندهان وسایل مورد نیاز منزل خود را نمی‌فروختند که به جبهه کمک کنند؟ چه می‌شود که آقای وزیر از درآمد شخصی خودش برای مردم خرج کند؟ چرا وزیر دولت که از اول انقلاب در پست‌های دولتی، از قبیل مدیر، مدیرکل یا وزیر بوده و اول انقلاب هم سرمایه‌ای نداشته است، الآن دارایی هزارمیلیاردی به دست آورده؟ صرف‌نظر از مشروع یا نامشروع بودن این‌ها، چه می‌شود مسئولان از دارایی‌های شخصی، صرف مردم مستضعف کنند؟

قهرمان

یکی از افراد ایثارگر، شهید املاکی، جانشین فرمانده لشکر گیلان بود که مقام معظم رهبری علیه‌السلام درباره این شهید فرمودند: «شهید املاکی شما، هنگامی که در میدان جنگ شیمیایی زدند و خودش هم آنجا در معرض شیمیایی بود، بسیجی بغل دستش ماسک نداشت. شهید املاکی ماسک خودش را برداشت، بست به‌صورت بسیجی همراهش. قهرمان یعنی این»^۱.

امید در آتش

بیست و پنج نفر از دیگر انسان‌های ایثارگر شهدای آتش‌نشان بودند که برای نجات مردم خود را فدا کردند. اردیبهشت ۱۳۹۲ شهید امید عباسی، یکی از شهدای آتش‌نشان، زمانی که برای اطفای حریق در طبقه دهم یک ساختمان مسکونی مشغول بود، با دختر بچه‌ای ۹ ساله روبه‌رو شد که قصد داشت از ترس آتش، خود را از طبقه دهم ساختمان به بیرون پرتاب کند. این آتش‌نشان فداکار با مشاهده این صحنه به سمت او رفت و پس از قراردادن ماسک

۱. بیانات رهبری علیه‌السلام در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت، مورخ: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۰.

اکسیژنش روی صورت دختر بچه، او را برای انتقال به محل امن به همکاری تحویل داد؛ ولی خود دچار دودزدگی شدید شد. در اثر این حادثه وی دچار مرگ مغزی شد و به شهادت رسید.^۱

۴. لحظه‌شناسی و موقعیت‌شناسی

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «العالم بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوِائِسُ»^۲ هر که نسبت به زمان خود دانا باشد، گرفتار امور شبهه‌انگیز و گمراه‌کننده نمی‌شود. اگر افراد به لحظه‌ها و زمان‌های خویش آگاهی پیدا کنند، مشکلات نمی‌تواند آن‌ها را از پا در بیاورد و دشمن نمی‌تواند آنان را فریب دهد. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید: «عنصر سوم، عمل به‌هنگام و به‌اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند».^۳

این‌که کجا باید جنگید، کجا باید صلح کرد، کی وقت سکوت است و چه زمانی هنگام فریاد، چه وقت باید کار کرد و کی استراحت، زمان پیش‌روی یا عقب‌نشینی چه موقع است، در چه شرایطی باید شدت عمل نشان داد و چه زمانی هنگام نرمش و انعطاف است و... همه به زمان‌شناسی و حضور مناسب در زمان مربوط می‌شود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفَرَارُ فِي وَقْتِهِ ظَفَرٌ؛ فَرَارٌ بَهِنْغَامٍ، خَوْدَشْ پِیْرُوْزِیْ اَسْت.»^۴ این‌که انسان تشخیص بدهد چه موقع باید فرار کند، لحظه‌شناسی است. در طول تاریخ، هرگاه موقعیت‌شناس نبودیم، ضربه خوردیم و بزرگ‌ترین پیروزی‌های تاریخ به‌دلیل موقعیت‌شناسی بوده است.

۱. خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، کد خبر ۹۹۰۲۲۹۱۹۲۳۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۷.

۳. بیانات رهبری علیه السلام در دیدار بسیجیان استان قم، مورخ: ۲ آبان ۱۳۸۹.

۴. عوالی اللئالی، ابن‌ابی‌جمهور، ۱/۱۵۲، ص ۲۹۰.

مقام معظم رهبری علیه السلام در سخنرانی‌های مختلف به نمونه‌هایی از لحظه‌شناسی و لحظه‌شناسی مسلمانان اشاره می‌فرمایند که در ادامه برخی از آنان را نقل می‌کنیم:

وقت‌شناسی در کلام رهبری علیه السلام

۱. توابین: «کسانی در کوفه دل‌هایشان پر از ایمان به امام حسین علیه السلام بود؛ به اهل بیت محبت هم داشتند؛ اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند... لحظه را نشناختند، عاشورا را نشناختند، در زمان آن کار را انجام ندادند».^۱

«عده توابین چند برابر عده شهدای کربلاست. شهدای کربلا همه در یک روز کشته شدند، توابین نیز همه در یک روز کشته شدند؛ اما اثری که توابین در تاریخ گذاشتند، یک هزارم اثری که شهدای کربلا گذاشتند، نیست. به خاطر این که در وقت خود نیامدند؛ کار را در لحظه خود انجام ندادند؛ دیر تصمیم گرفتند و دیر تشخیص دادند».^۲

۲. ۲۸ مرداد: «اگر آن روزی که آمریکایی‌ها در این کشور کودتا راه انداختند - آمریکا و انگلیس توأمان در سال ۱۳۳۲ ش - حساسیتِ موقع درک می‌شد؛ اقدام مناسب انجام می‌گرفت، یقیناً سال‌ها خسارت‌هایی که عاید شد برای کشور، پیش نمی‌آمد. هوشیارانه حوادث را باید رصد کرد».^۳

نامه انتقادی به رضاخان

روزی برخی از حوزویان به حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه اصرار کردند تا نامه‌ای به رضاشاه پیرامون اوضاع روز، کشف حجاب و... بنویسد. آن‌گاه وی را تهدید می‌کنند که در صورت امتناع ایشان، آنان خود به نام آن مرجع بزرگ نامه‌ای تند به رضاخان می‌فرستند.

۱. بیانات رهبری علیه السلام در دیار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مورخ: ۲۹ دی ۱۳۸۸.

۲. بیانات رهبری علیه السلام در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، مورخ: ۲۰ خرداد ۱۳۷۵.

۳. بیانات رهبری علیه السلام در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، مورخ: ۲۸ بهمن ۱۳۸۷.

مرحوم حائری که با تیزهوشی اوضاع سیاسی آن دوران را خطرناک می‌یافت و هرگونه حمله سیاسی به رضاشاه را باعث کینه‌توزی و تهاجم تند و گستاخانه رضاخان و در نهایت، نابودی حوزه نوپای قم می‌پنداشت، ابتدا مخالفت کرده، با ناراحتی تهدید به تکذیب می‌کنند؛ ولی پس از اصرار اطرافیان، بالاخره ناچار به نوشتن نامه‌ای می‌شوند که در آن نسبت به روند ضدیت حکومت رضاخانی با فقه جعفری اعتراض کرده بودند.

پس از ارسال نامه، رضاخان پیامی برای حاج شیخ می‌فرستد که در آن به ایشان اعتراض می‌کند؛ اما در پایان نامه وعده پاسخ مثبتی می‌دهد. چندی بعد ناگاه نیروهای نظامی به مدرسه فیضیه و سایر مدارس حوزوی می‌ریزند و آن‌ها را در اختیار می‌گیرند و پس از برداشتن عمامه از سر طلاب و روحانیون، برخی از آنان را دستگیر کرده، به شدت رفت‌وآمد آنان را محدود می‌کنند. بدین ترتیب، ایشان علی‌رغم موقعیت‌شناسی دقیق خود از اوضاع کشور و تنها به این دلیل که دیگران درک درستی از شرایط نداشتند، مجبور شدند برخلاف میل و نظر خود اقدامی انجام دهند که در نهایت به ضرر حوزه شد.^۱

یکی دیگر از علمای زمان‌شناس، میرزای شیرازی رحمته‌الله بود که فتوای به‌موقع تحریم تنباکو را داد. خیلی‌ها با این فتوا مخالفت کردند؛ ولی ایشان کار خودشان را کردند. مسئولان و نمایندگان باید بدانند حرفی که در مجلس می‌زنند، با صحبتی که در سازمان ملل مقابل دشمن می‌کنند، باید متفاوت باشد. صحبت‌هایی که در لبنان و آمریکا می‌شود باید با هم فرق داشته باشد. صحبت‌هایی که سخنران با دانشجویان و اساتید می‌کند، باید با سخنرانی برای روستاییان فرق داشته باشد؛ یعنی انسان باید موقعیت را درست تشخیص بدهد تا بتواند بهترین کار را انتخاب کند.

۱. معرفت یافتگان؛ پژوهشکده تزکیه اخلاقی امام علی علیه‌السلام، ص ۳۶.

۵. بلندهمت و پُراوده

قطعاً یکی از کمالات، داشتن همت بلند در کارهاست. اگر همت فرد مسئول پایین باشد و بگوید «نمی‌توانیم» کارها به هم می‌خورد. همت یک مسئول باید زیاد باشد و شعار «ما می‌توانیم» را اصل کار خود قرار دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»^۱ ارزش انسان به اندازه همتش است. و در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «وَأَلَيْسَ يُخْرَجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةِ مَا أَلَزَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَالْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ...»^۲ والی حقیقت تکلیف خود را در آنچه خدا بر او لازم کرده، ادا نموده و از عهده آن برنخواهد آمد، مگر با همت و یاری جستن از خدا».

رهبری معظم علیه السلام می‌فرماید: «تلاش مضاعف شما امروز باید آن عقب‌افتادگی‌های طولانی‌مدت را جبران کند».^۳ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خَيْرُ الْأَهْمَمِ أَعْلَاهَا»^۴ بهترین همت‌ها، بلندترین آن‌ها است.» ما باید چنان عمل کنیم که بین نمازگزاران برجسته‌ترین آنان، بین روزه‌داران برجسته‌ترین روزه‌داران و بین جنگجویان برجسته‌ترین رزمندگان باشیم. معارف دینی این همت را به ما می‌آموزد که راه باز است و به مقام بلند رسیدن منحصر به افراد خاصی نیست.

«ملا صالح مازندرانی علیه السلام» می‌گوید: «من در پیشگاه خداوند بر طلاب حجت هستم؛ زیرا احدی از من فقیرتر نبود، به طوری که زمانی قدرت تهیه چراغ برای مطالعه نداشتم. در حافظه و استعداد کسی فراموش کارتر از من نبود؛ هر زمانی که از منزل خارج می‌شدم، در موقع برگشتن، خانه‌ام را گم می‌کردم و اسامی فرزندانم را فراموش می‌کردم. در ۳۰ سالگی شروع به تعلیم حروف تهجی نمودم؛ ولی با پشتکار

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۲. همان، نامه ۵۳.

۳. بیانات رهبری علیه السلام در پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس، مورخ: ۱ مرداد ۱۳۹۰.

۴. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، ص ۴۴۸.

و همت زیاد خداوند بر من منت نهاد و تحصیل علم نمودم»^۱.

سکاکي و علم آموزي

سکاکي آهنگر بود. روزي رنج بسيار صندوقچه‌اي کوچک و ظريف از آهن ساخت و آن را به رسم تحفه برای سلطان وقت برد. سلطان و اطرافيان به دقت به صندوقچه نگاه کرده و او را تحسین کردند. منتظر نتیجه بود که دانشمندی وارد شد و همه او را تعظیم کردند و دوزانو پیش روی وی نشستند. سکاکي تحت تأثیر قرار گرفت و پرسید: او کیست؟ گفتند: یکی از علماست. از کار خود متأسف شد و پی تحصیل علم شتافت. سی سال از عمرش گذشته بود که به مدرسه رفت و به مدرس گفت: «می‌خواهم تحصیل علم کنم.»

مدرس گفت: «با این سن و سال فکر نمی‌کنم به جایی برسی. بیهوده عمرت را تلف مکن.» ولی سکاکي با اصرار مشغول تحصیل شد؛ اما به قدری حافظه و استعدادش ضعیف بود که وقتی استاد به او گفت این مسئله فقهی را حفظ کن؛ [جمله‌ای عربی به او آموخت که به فارسی می‌شود:] استاد گفت: پوست سگ با دباغی پاک می‌شود». وی بارها آن را خواند و فردا نزد استاد چنین گفت: «سگ گفت: پوست استاد با دباغی پاک می‌شود.»

استاد و شاگردان همه خندیدند و او را به باد مسخره گرفتند. تا ده سال تحصیل علم نتیجه‌ای برایش نداشت. دوزی دل تنگ شد و رو به کوه و صحرا نهاد. به جایی رسید که قطره‌های آب از بلندی روی تخته‌سنگی می‌چکیدند و بر اثر ریزش مداوم خود، سوراخی در دل سنگ پدید آورده بودند. مدتی بادقت نگاه کرد. سپس با خود گفت: «دل تو از این سنگ سخت‌تر نیست. اگر استقامت داشته باشی سرانجام موفق خواهی شد.»

این را گفت و به مدرسه بازگشت و از چهل سالگی با جدیت، حوصله و صبر مشغول تحصیل شد تا به جایی رسید که دانشمندان عصر وی در علوم عربی و فنون ادبی با دیده

۱. فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، ص ۳۳۲.

اعجاب به او می‌نگریستند.^۱

هشت سال دفاع مقدس، اوج بروز همت‌های بلند بود. با «هیچ» هرکاری می‌کردند؛ مانند شهید تهرانی مقدم که با همت بالای خود، به داشته‌ها اکتفا نمی‌کرد. خود این شهید بزرگوار می‌گفت: «فقط انسان‌های ضعیف به اندازه امکانات‌شان کار می‌کنند.» مقام معظم رهبری علیه‌السلام لقب «مدیر بلندهمت» را برای این شهید بزرگوار به کار برده، فرمودند: «شهید تهرانی مقدم سراپا اخلاص بود. من بیست و پنج - شش سال است ایشان را از نزدیک می‌شناسم. همت خیلی بلندی داشت؛ افق‌های خیلی بلندی را می‌دید. یکی از خصوصیات برجسته ایشان، مدیریت بود. یک مدیر طبیعی بود. درس مدیریت هم نخوانده بود؛ اما واقعاً یک مدیر بود».^۲

طراحی نقشه موشکی در حرم امام رضا علیه‌السلام

شهید طهرانی مقدم برای دوستش تعریف کرده بود: «رفته بودیم روسیه یک موشک فوق پیشرفته‌ای را از روس‌ها تحویل بگیریم. به افسر روسی گفتم: فناوری ساخت این موشک را هم در اختیارمان بگذارید. به من خندید و گفت: این امکان ندارد. این تکنولوژی فقط در اختیار روسیه است؛ ولی به او گفتم: ما بالاخره این [موشک] را می‌سازیم. باز هم خندید. وقتی برگشتیم ایران، هرچه در توان داشتیم، گذاشتیم؛ اما به در بسته خوردیم.

دست به دامن امام رضا علیه‌السلام شدم. برای پیدا کردن راهی، سه روز در حرم به حضرت متوسل شدم تا این‌که روز سوم در حرم طرحی در ذهنم جرقه زد. سریع آن را در دفتر نقاشی دخترم کشیدم. وقتی برگشتم، آن را عملیاتی کردیم؛ شد موشکی بهتر از موشک‌های روسی».^۳

اگر مسئولان ما نیز همین‌طور باشند و واقعاً به جوان ایرانی، مغز ایرانی و زن و مرد ایرانی اعتماد داشته باشند، خودمان می‌توانیم همه چیز بسازیم. ما که توانستیم موشک درست کنیم و فناوری سوخت ۲۰ درصد را به دست آوریم، آیا نمی‌توانیم چیزهای دیگری بسازیم؟! البته که

۱. ر.ک: یکصد موضوع ۵۰۰ داستان، سیدعلی اکبر صداقت.

۲. بیانات رهبری علیه‌السلام در دیدار خانواده شهید تهرانی مقدم، مورخ: ۱ آذر ۱۳۹۰.

۳. ماهنامه فرهنگی همشهری، ش ۱۰، ص ۱۵ (با اندکی تصرف و تلخیص).

انتخاب امیدبخش (ویژه‌نامه انتخابات)



می‌توانیم؛ به شرط آن که مسئولان همت خود را بالا ببرند.



مبلغان و راهبرد مشارکت مردم در انتخابات

گروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

اشاره

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری به صورت همزمان در روز جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار خواهند شد. به همین مناسبت شایسته است مبلغان گرامی با اقتدا به رهبر معظم انقلاب علیه السلام در فرصت‌های مختلف تبلیغی، به این رویداد مهم سیاسی بپردازند و مردم غیور و متدین ایران اسلامی را به شرکت هرچه با شکوه‌تر در انتخابات دعوت و ترغیب کنند. دشمنان ما از مدت‌ها قبل و به صورت گسترده به بحث انتخابات آخر سال پرداخته‌اند و می‌کوشند با ترفندهای مختلف، انگیزه مشارکت گسترده مردم در انتخابات را کم‌رنگ کنند.

به همین جهت، بایسته است عالمان و مبلغان ارجمند در مناظر و سخنرانی‌های خود؛ چه در مجالس عمومی، در حضور آحاد مختلف مردم و چه در مجالس تخصصی، به مسئله انتخابات ورود کنند و با بیان شرایط حساس کنونی، به تبیین اهمیت و راهبرد حضور پرشور و گسترده مردم در انتخابات بپردازند.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار ماه مبارک رمضان با مسئولان نظام درباره انتخابات آخر سال ۱۴۰۲ش فرمودند:

«این انتخابات خیلی مهم است. انتخابات می‌تواند مظهر قوت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می‌دهد. هرچه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیش‌تر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوت کشور، همین انتخابات است...^۱ مسئولانی که مرتبط هستند، از همین حالا - البته می‌دانم که دنبال کرده‌اند - راهبرد مشارکت را، راهبرد امنیت انتخابات را، راهبرد سلامت انتخابات را، راهبرد رقابت انتخابات را مشخص کنند؛ انتخابات خوب، سالم، با مشارکت بالا ان‌شاءالله در آخر سال داشته باشیم».^۲

این نوشتار به راهبرد مشارکت مردم در انتخابات پرداخته است:

اهمیت مشارکت در انتخابات از منظر قرآن کریم

الف) تعاون در نیکی

از منظر قرآنی، آنچه حلقه مؤمنانه و متدینانه صالحین را از فاسقین متمایز می‌کند، تعاون بر نیکی و برّ و نیز عدم تعاون بر اثم و هم‌یاری با دشمنان است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۳؛ «و در انجام نیکی‌ها و دوری از ناپاکی‌ها یکدیگر را یاری دهید و هرگز در گناه و ستم به هم یاری نرسانید و از خداوند پروا کنید که همانا سخت‌کیفر است».

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52389>.

۲. همان.

۳. مائده / ۲.

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

ناگفته پیداست که حضور در انتخابات به معنای تقویت نظام برخاسته از خون هزاران شهید و تعاون بر تقوا و برّ است و عدم حضور در انتخابات، به معنای پاسخ دادن به خواست دشمنان نظام جمهوری اسلامی و مصداق تعاون بر اثم و هم‌سو شدن با دشمنان. بنابراین، قطعاً کسانی که دل در گرو نظام جمهوری اسلامی دارند و به قرآن متعبدند، حاضر نمی‌شوند از حضور در انتخابات سر باز بزنند.

ب) مصداق عمل صالح

لازمه باور مؤمنانه، رفتار و عمل مؤمنانه است و داشتن عمل و رفتار مؤمنانه، حضور جدی و شایسته در انجام اعمال صالح؛ چراکه این پیام و درس قرآنی است: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾؛^۱ «پس هرکس که دیدار پروردگارش (در قیامت و پروردگارش شریک نسازد)».

بدون شک یکی از رفتارهای شایسته مؤمنانه که مصداقی از تعاون در برّ و نیکی نیز به شمار می‌رود، حضور در انتخابات است. این کار موجب تقویت نظام جمهوری اسلامی و یأس مستکبرین جهان و در رأس آن‌ها آمریکا خواهد شد. با تأمل در آیه مبارکه، به آسانی می‌توان به این نتیجه رسید که حضور در انتخابات، به معنای پیوستن به حلقه مؤمنانه و تعاون و هم‌پاری بر تقوا و برّ است و شرکت نکردن در این امر نیز، به معنای تعاون بر اثم و راضی شدن به ستم مستکبرین.

ج) مبارزه با سلطه دشمنان

از الفبای فرهنگ و باور قرآنی، این است که کفار تحت هیچ عنوانی حق ندارند بر مؤمنین

۱. کهف/ ۱۱۰.

استیلا پیدا کنند و آنان را تحت سلطه قرار دهند. قرآن کریم به‌عنوان یک ضابطه و اصل می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛^۱ «و خداوند هرگز برای کافران راه تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ التَّهَائِمِ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ»؛^۲ از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید که مسئول هستید، حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات؛ و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید.» شرکت نکردن در انتخابات و حضور نیافتن پای صندوق رأی و شانه خالی کردن از این تکلیف، قطعاً به معنای زمینه‌سازی سلطه کفار و مستکبرین بر مؤمنین خواهد بود.^۳

طبق نظر امام خمینی رحمته الله علیه اگر عدم شرکت در انتخابات، موجبات صدمه به اسلام را فراهم نماید و مصالح اجتماعی را در خطر بیندازد، همه مسؤل هستند و باید در برابر خداوند جوابگو باشند. از این رو هشدار می‌دهند: «و اگر خدای نخواستہ بر اسلام یا کشور اسلامی، از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهارِ توانا مسؤل خواهیم بود و نسل‌های آینده که ممکن است از کناره‌گیری‌های کنونی مورد هزارگونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند، پس یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی دادن است».^۴

۲. مشارکت موجب تقویت نظام و ناکامی دشمنان

امام خمینی رحمته الله علیه حضور حداکثری در انتخابات را تکلیف عقلی و شرعی دانسته، آن را موجب حفظ جمهوریت نظام معرفی کرده‌اند. مقام معظم رهبری رحمته الله علیه نیز، ضمن تکلیف

۱. نساء / ۱۴۱.

۲. ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، خ ۱۶۶.

۳. ر.ک: حضور در انتخابات از نگاه قرآن، میرتقی قادری، فصلنامه ره توشه، بهار ۱۴۰۰، ش ۵ (ویژه نامه انتخابات)، ص ۵۵.

۴. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۳۶.

خواندن لزوم حداکثری، اقتدار ملی، عزت‌مندی، وفاق ملی، استقلال، تحکیم نظام، آبروی اسلام، آبروی ملت و تقویت نظام جمهوری اسلامی را به‌عنوان عوامل و آثار لزوم حضور حداکثری در پای صندوق‌های رأی یاد می‌کنند:

«درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات، آبروی ملی ماست. انتخابات، یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست. انتخابات، وسیله‌ای برای عزت ملی است... حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های آن را مستحکم می‌نماید، آبروی ملت ایران را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه‌زدن و توسعه (برنامه‌اش) و فساد و فتنه منصرف می‌کند. این یک مسئله بسیار مهم است، پس مسئله اول، شرکت در انتخابات است»^۱.

بنابراین: «مسئله مهم درباره‌ی انتخابات، حضور حداکثری است؛ هرچه جمعیت بیشتری در انتخابات شرکت کند، استحکام نظام و اعتبار کشور بالاتر خواهد رفت... بنده این عقیده را [در مورد حضور حداکثری] از قبل هم داشته‌ام و همیشه هم رویش اصرار کرده‌ام»^۲.

۳. مشارکت و حفظ جمهوریت نظام

امام خمینی علیه السلام در شکل‌گیری و استمرار نظام اسلامی، بر دو مؤلفه «اسلامیت» و «جمهوریت» نظام سخت پافشاری می‌فرمود: «ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی؛ یعنی محتوای آن فرم قوانین الهی است»^۳.

«جمهوریت» یعنی شرکت همه‌ی مردم در انتخابات. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید: «در این کشور و در این نظام، اسلام با جمهوریت همراه است. جمهوریت ما از اسلام گرفته شده و

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6642>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36283>.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۹۸.

اسلام ما اجازه نمی‌دهد در این کشور مردم‌سالاری نباشد. ما نخواستیم جمهوریت را از کسی یاد بگیریم؛ اسلام این را به ما تعلیم داد و املا کرد. این ملت، متمسک به اسلام و معتقد به جمهوریت است.^۱ حفظ جمهوریت نظام، تنها با مشارکت حداکثر مردم امکان‌پذیر است.

۴. مشارکت و استقلال کشور

امام خمینی علیه السلام علت بدبختی ملت ایران در رژیم ستم‌شاهی را دخالت قدرت‌های بزرگ می‌دانست: «ما اجازه نخواهیم داد که دولت‌های ابرقدرت در مقدرات مملکت ما دخالت کنند. گذشت آن زمان که این‌ها بدون چون و چرا در این امور دخالت می‌کردند».^۲ رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز می‌فرماید: «انقلاب اسلامی با ایستادگی در مقابل نظام سلطه، توانست به ملت ایران هویت و آرمان بدهد».^۳

اما حفظ این حاکمیت و استقلال، نیاز به پاسداری دارد؛ یکی از توانایی‌ها و راه‌های حفظ استقلال، حضور حداکثری در انتخابات است. به عبارت دیگر، شرکت‌کنندگان در انتخابات، با توجه کامل به این موضوع مهم در عرصه فعالیت‌های انتخاباتی، می‌توانند از تمامیت ارضی کشور حراست کنند و استقلال آن از بیگانگان را حفظ نمایند. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «مثل زمان رژیم سابق نیست. در رژیم سابق شما نمی‌توانستید و قدرت نداشتید. امروز قدرت دارید برای این‌که حفظ کنید حیثیت اسلام را و حفظ کنید مصالح کشور را و حفظ کنید استقلال خودتان را و حفظ کنید آزادی خودتان را...».^۴

رهبر معظم انقلاب علیه السلام می‌فرماید: «همه کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده کشور اهمیت می‌دهند و دل‌شان برای منافع ملی می‌سوزد، باید در

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37282>.

۲. صحیفه امام علیه السلام، ج ۶، ص ۳۰۹.

3. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=36758>.

۴. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۲.

انتخابات شرکت کنند»^۱.

۵. مشارکت و انسجام ملی

یکی از مسائل مهمی که در آموزه‌های دینی بدان اهمیت داده شده، اتحاد و هم‌بستگی است. چنانچه در قرآن از اتحاد به‌عنوان نعمت یاد^۲ کرده و بدان تأکید فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۳؛ «و همگی به ریسمان الهی چنگ زیند و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید.» منظور از عدم تفرق در این آیه، اجتماع مسلمانان است، به‌گونه‌ای که فواید این اجتماع نصیب آنان گردد؛ چراکه در غیر این صورت، موجب زوال قدرت آنان و شکست‌شان خواهد شد: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۴؛ «و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.»

بی‌تردید یکی از ابزار مهم ایجاد هم‌بستگی و انسجام ملی، انتخابات حداکثری است؛ چراکه زمینه‌ی ففاق و وحدت ملی را فراهم می‌نماید؛ چنانچه مردم با هم‌بستگی انقلاب را به‌وجود آوردند. بر این اساس، ایجاد و استمرار آن نیز منوط به حضور حداکثری مردم در انتخابات است. مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌فرمایند: «انتخابات، یکی از میدان‌های مهم هم‌بستگی است... مهم این است که مردم در این میدان گزینش، هم‌بستگی خود را نشان دهند. ملت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌ای نداشت. انقلاب اسلامی است که این فرصت را در اختیار ملت ایران گذاشته است»^۵.

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1174>.

۲. آل‌عمران / ۱۰۳ (ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۷).

۳. همان.

۴. انفال / ۴۶.

5. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3291>.

۶. مشارکت و عزت مندی ملت

یکی از شاخصه‌های مهم جامعه دینی، عزت مندی و عزت افزایی است. این عزت مندی در سایه خداواری و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛^۱ «عزت از آن خدا و پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند.» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَقَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛^۲ خداوند اختیار کل کارها را به مؤمن داده؛ اما این اختیار را به او نداده است که خود را ذلیل کند. مگر نشنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است؟».

یکی از عوامل مهم شکل‌گیری و استمرار عزت مندی در سطح داخل و خارج کشور، حضور همه‌جانبه مردم در عرصه انتخابات و مشارکت سیاسی است؛ زیرا جامعه‌ای عزت مند است که از پشتوانه و سرمایه اجتماعی بیش‌تری برخوردار باشد و همه مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته باشند.

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید: «این‌که بنده اصرار می‌کنم همه در انتخابات شرکت کنند، برای این است که انتخابات وقتی همگانی شد و وقتی همه شرکت کردند، کشور عزت پیدا می‌کند، نظام جمهوری اسلامی عزت پیدا می‌کند.»^۳ و در جایی دیگر می‌فرماید: «امروز در دنیا، عزت و عظمت ملت ایران - که دشمن هم به آن اقرار می‌کند - به برکت همین انقلاب و این حضور مردمی است و ملت ایران، این را از دست نخواهند داد.»^۴ «آحاد ملت عظیم‌الشان ایران اسلامی، به‌خوبی آگاه هستند که حضور آنان با این روحیه ایمانی در صحنه‌های اساسی

۱. مناقفون / ۸ (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۶۳۳۰).

۲. وسائل الشیعة، ص ۱۷۶.

3. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36266>.

4. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8629>.

و حیاتی کشور، اسلام، انقلاب، عزت، شرف و آبروی ملت ما را در دنیا حفظ کرده است.»^۱ و «ملت هوشیار ایران، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمن، فعال و پرشور و شعور، همراه با درک و آگاهی کامل، در پای صندوق‌های رأی حضور خواهد یافت؛ چراکه انتخابات آبروی ملی، وسیله‌ای برای افزایش عزت ملی و از جمله شاخص‌های رشد ملی است.»^۲

۷. مشارکت و امنیت

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در خصوص ارتباط میان انتخابات و امنیت ملی می‌فرماید: «مردم عزیز ما باید بدانند که حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف، تعیین‌کننده است. تعیین‌کننده چه؟ تعیین‌کننده امنیت ملی. اگر مردم در صحنه حضور داشته باشند، کشور در امنیت باقی خواهد ماند. این که شما می‌بینید دشمن‌های پُرو، وقیح و گردن‌کلفت در مقابل جمهوری اسلامی از هر عمل سختی اجتناب می‌کنند، به خاطر حضور مردم است؛ می‌ترسند.»^۳

و می‌فرماید: «حضور در انتخابات، یکی از مستحکم‌ترین وسیله‌هایی است که این ملت می‌تواند آن را مثل یک زره پولادین در مقابل خود و در مقابل حمله دشمنان و سوءتیت و بددلی مستکبران و دخالت‌کنندگان نگاه دارد.»^۴ بنابراین: «آنچه بیش از توان دفاعی و قدرت دیپلماسی، زمینه‌ساز اقتدار کشور است، خود مردم و هوشیاری و پرانگیزه و سرپا بودن آن‌هاست و مظهر این حضور و اقتدار، از همه مهم‌تر در انتخابات است.»^۵

«برگزاری پرشور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق‌های رأی، تضمین‌کننده امنیت کشور خواهد بود؛ زیرا دشمنان از پشتوانه مردمی نظام، بیش از امکانات تسلیحاتی آن

1. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=598>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=6628>.

3. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36266>.

4. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36253>.

5. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47566>.

هراس دارند...^۱ ملت عزیز ما، در همه نقاط کشور، این را بدانند که حضور گسترده آن‌ها در پای صندوق رأی، در آینده کشور تأثیر دارد؛ در امنیت؛ در استقلال».^۲

۸. مشارکت و مردم سالاری دینی

رهبر معظم انقلاب علیه السلام همواره بر اهمیت رأی و نظر مردم پافشاری داشته، می‌فرماید: «هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند... بدون آرای مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی سر پا نمی‌شود و نمی‌ماند...^۳ مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی، یک اندیشه نو و یک تجربه نو برای بشریت بود که به وسیله نظام جمهوری اسلامی و امام بزرگوار عرضه شد».^۴

استمرار و نهادینه‌سازی مردم سالاری نیازمند راهکار است که از مهم‌ترین این راهکارها، حضور مردم در انتخابات می‌باشد؛ زیرا مردم رکن مهم نظام هستند و در شکل‌گیری و استقرار جمهوری اسلامی و استمرار آن، نقش بسیار مؤثری دارند. از این رو امام خمینی علیه السلام همواره بر نقش اثرگذار و تاریخ‌ساز مردم در نظام اسلامی تأکید داشته، در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خویش، آنان را به حضور فعال، قوی و هوشیارانه در انتخابات‌های مختلف و شناخت توطئه‌ها دعوت کرده‌اند، تا مردم سالاری دینی نظام خدشه‌ناپذیر بماند.^۵ بر این اساس، امروزه جمهوری اسلامی از معدود کشورهایی است که بیش‌ترین انتخابات را

۱. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47566>.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=22233>.

۳. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2955>.

۴. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=36570>

۵. صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۴۲۱ - ۴۲۲.

دارند و این، همان استمرار مردم‌سالاری دینی است که با حضور حداکثری نمود پیدا می‌کند.

مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌فرماید: «انتخابات، مظهر اراده ملی است؛ نماد مردم‌سالاری اسلامی است. ما که مسئله مردم‌سالاری اسلامی را در مقابل دموکراسی لیبرال غربی مطرح کردیم، مظهر مردم‌سالاری اسلامی، همین حضور مردم در انتخابات است...^۱ انتخابات جلوه بسیار زیبا و جذاب مشارکت عمومی است...^۲ که دنیا حسرت آن را می‌برند... خیلی از آن‌ها حسرت این آزادی و این مردم‌سالاری را که در این‌جا هست، می‌برند».^۳

ایشان در سالروز ولادت حضرت زهرا علیها‌السلام، در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۴۰۲ درباره اهمیت حضور مردم در انتخابات فرمودند:

«ما انتخابات در پیش داریم...^۴ یک عده‌ای نمی‌خواهند این انتخابات آن‌چنان که شایسته این ملت است، انجام بگیرد؛ تلاش می‌کنند مردم را مأیوس کنند، مردم را بی‌اعتماد کنند، وانمود کنند که انتخابات فایده‌ای ندارد، تأثیری ندارد. در مقابل این‌ها جهاد تبیین باید سینه سپر کند. در مقابل این‌ها باید حقیقت را بیان کند. کسانی هستند که [می‌خواهند] حضور مردم در اداره کشور - که ثابت‌کننده تحقق مردم‌سالاری دینی در کشور است - ضعیف بشود، تا حرف امام بزرگوار دروغ دربیاید؛ هدف‌شان این است که وعده الهی را مخالف واقع نشان بدهند. این حرکت، خصمانه است. در مقابل این حرکت خصمانه

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22233>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3278>.

3. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36570>

۴. انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری که در تاریخ یازدهم اسفندماه سال جاری برگزار می‌شود.

باید تلاش کرد. هر کس با انتخابات مخالفت کند، با جمهوری اسلامی مخالفت کرده، با اسلام مخالفت کرده. انتخابات یک وظیفه است. این یکی از کارهاست. امروز احساس وظیفه نسبت به انتخابات، یکی از کارهای نقدِ جامعهٔ مجاهد در جهاد تبیین است»^۱.

1 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5482>.



۲

بخش دوم:
در انتخابات چه
بگـوییم؟



قانون جدید انتخابات

مصاحبه با دکتر طحان نظیف (زید عزه)

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

اشاره

یازدهم اسفندماه سال جاری، انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری برگزار می‌شود که هر دو انتخابات بسیار مهم هستند و چون در انتخابات این دوره موضوعاتی مثل: اصلاح قانون انتخابات، پیش ثبت‌نام و... مطرح شده است، برای کسب آگاهی بیشتر، سؤالاتی را از عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان پرسیده‌ایم که به شرح زیر است:

از این‌که فرصت ارزشمند خود را برای پاسخ‌گویی به سؤالات ویژه‌نامه «انتخاب امیدبخش» اختصاص داده‌اید، سپاس‌گزاریم.

۱. با توجه به شیوه جدید ثبت‌نام در انتخابات مجلس، فرق پیش ثبت‌نام با ثبت‌نام در چیست؟ روش ثبت‌نام جدید چه مزیتی بر روش‌های قبلی دارد؟

ج: بسم‌الله الرحمن الرحیم. به نظرم اگر کمی از قبل‌تر شروع کنیم، شاید به برخی از

سؤالات بتوانیم پاسخ‌های مناسب‌تری بدهیم. بحث اصلاح قانون انتخابات، بحث دیروز و امروز نیست؛ بلکه بحثی است که سال‌ها مطرح بوده و در واقع می‌توانم بگویم که همه متصدیان انتخابات، همیشه این موضوع را مطرح کرده‌اند؛ زیرا ما در فرآیند انتخابات با نقصان‌ها، خلأها و نیاز به به‌روزرسانی‌هایی مواجه هستیم که باید در موارد قانونی صورت بگیرد. بنابراین، این موضوع یک موضوع تقریباً مورد دفاع بوده؛ هم در میان مجریان، هم در میان ناظر و هم در میان هر دستگاهی که به نحوی در انتخابات دخالتی دارد.

شاید نقطه عطف ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات سال ۹۵ بود؛ یعنی حدود بیش از شش سال قبل؛ ۲۴ مهرماه سال ۹۵ که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام سیاست‌های کلی انتخابات را ابلاغ فرمودند. این سیاست‌ها هم آسیب‌شناسی نظام انتخاباتی ماست؛ یعنی تمام موضوعاتی را که در انتخابات درگیر آن هستیم، در بر می‌گیرد و هم آسیب‌هایی که از دستگاه‌های مختلف با آن مواجه بوده‌اند را با ارائه راه‌کارهای آن، در دل خود دارد.

با توجه به شأن سیاست‌های کلی که کلیات موضوع را بیان می‌کند، راه‌کارهایی را به نحو کلی در این سیاست‌ها شاهدیم که این‌ها را باید به زبان قانون و مقررات تجربه کنیم تا مبنای کار دستگاه‌ها و نیز مجری و ناظر قرار بگیرد. همچنین در مقطعی که سیاست‌های کلی در حال تدوین بود؛ چون سیاست‌های کلی نظام را مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌کند و به رهبری پیشنهاد می‌دهد و معظم له می‌تواند با یک تغییری یا همان را ابلاغ کنند، در دستگاه‌های مختلفی که متناظر به موضوع انتخابات در جلسات کارشناسی در مجمع حضور پیدا کردند و نکات را گفتند و آسیب‌هایی را که با آن مواجه بودند، بیان کردند؛ حاصل این شد که سیاست‌های کلی انتخابات در ۲۴ مهرماه سال ۹۵ توسط رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام ابلاغ شد.

ضمن تقدیر از زحماتی که در این سال‌ها کشیده شده؛ چه در ادوار مختلف مجلس و چه در دولت‌هایی که آمدند و رفتند، باید عرض کنم که ما در این سال‌ها نسبت به این سیاست‌ها شاهد خروجی محسوس عینی و ملموسی نبودیم، به جز یکی دو اقدام مشخص. مثلاً قانون

شفافیت منابع مالی کاندیداهای انتخابات مجلس که آن هم عملاً به زمان انتخابات نزدیک بود، فرصت اجرا پیدا نکرد یا بحث شاخص‌های مربوط به نظم سیاسی - مذهبی مدیران که مربوط به انتخاب ریاست جمهوری بود. غیر از این مقدار مشخص، اقدام خاصی را شاهد نبودیم که در مورد سیاست‌ها اتفاق بیفتد تا این‌که اصلاحیه‌ای که اخیراً توسط مجلس به سرانجام رسید؛ این را هم عرض بکنم، نکته‌اش این بود که باز هم سال گذشته، حدوداً خردادماه سال ۱۴۰۱ که هر سال در سالگرد مجلس نمایندگان محترم خدمت رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام می‌رسند، رهبری علیه‌السلام این موضوع را متذکر شدند که سیاست‌های کلی انتخابات سال‌هاست ابلاغ شده و باید به ثمر برسد.

عرضم این است که مطالبه‌ای عمومی را که سال‌ها از آن گذشته بود، شاهد بودیم؛ دستگاه‌ها پیگیری داشتند که این کار انجام بشود. از طرفی ابلاغ سیاست‌های کلی را گفتیم و از طرف دیگر پیگیری مجدد رهبری علیه‌السلام را داشتیم تا این موضوع در ماه‌های اخیر به ثمر نشست و شاهد اصلاح قانون انتخابات بودیم. البته نه این‌که تمام موارد سیاست‌های کلی انتخابات، در قانون تجلی پیدا کرده باشد؛ بلکه برخی از موارد همچنان نیاز به اصلاح قانون دارند و در برهه‌های آینده باید نسبت به آن‌ها تمهید بشود؛ اما این کار ضروری بود؛ ولی این‌که بگوییم صددرصد سیاست‌ها را پوشش داده باشد، نه، ورود چندانی ندارد؛ گرچه به نظرم کار قابل تقدیر و رو به جلویی بود که من در ادامه خدمت شما عرض می‌کنم که این قانون با قانون قبلی چه تفاوت‌هایی دارد و این اصلاحیه چه اقداماتی را پیش‌بینی کرده است؟!

یکی از موارد اصلاح قانون انتخابات، بحث پیش‌بینی فرآیندی به نام پیش‌ثبت نام بود که برای اولین بار در قانون جدید پیش‌بینی شده بود. مثلاً در قانون انتخابات، بند ده، اگر اشتباه نکنم، دو راه در سیاست‌های انتخابات بود، عبارت شناسایی اولیه، توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت‌نام به شیوه‌های قانون متناسب در انتخابات که این کار در بررسی صلاحیت‌ها تا حدی انجام می‌شد؛ ولی آن طوری که در سیاست‌های کلی انتخابات آمده، آن است که شناسایی اولیه در مرحله ثبت‌نام انجام می‌شد، به مرحله قبل منتقل بشود.

مبنای این موضوع شاید در سیاست‌های کلی انتخابات بود و در اصلاحیه قانون نیز پیش‌بینی شد و به نظرم آثار مفیدی هم دارد؛ اما استعلاماتی از خود فرد را در دستگاه تخصصی آن در مرحله پیش ثبت‌نام انجام می‌دهیم، مثلاً در مرحله پیش ثبت‌نام مدرک تحصیلی بارگذاری می‌شود و خود افراد نیز هستند. دستگاه تخصصی آن؛ یعنی وزارت علوم، مثلاً در مورد دانشگاه یا حوزه‌های علمیه استعلام می‌گیرد یا فرض کنید یک سری محکومیت‌ها را در قانون داریم که در این مرحله نسبت به آن‌ها منع وجود دارد که افراد بتوانند ثبت‌نام انجام بدهند و قبلاً این موارد در مرحله ثبت‌نام انجام می‌شد، بعد طرف با رد صلاحیت مواجه می‌شد؛ یعنی اگر کسی مشکل مدرک داشت، چه آثاری را در برداشت؛ چون می‌گفتند رد صلاحیت شده! این در حالی بود که مثلاً خود این شخص فکر می‌کرد که مدرک حقوق معتبر است یا مدرک معادلی، این‌ها همگی از طریق سامانه به مرحله پیش ثبت‌نام منتقل شد. کسی هم مطلع نمی‌شود؛ خود او هست و سامانه و دستگاه تخصصی خودش و اگر اعتراضی دارد، به خود آن دستگاه می‌رود در آن بازه از طریق سامانه پاسخش را دریافت می‌کند.

یا مثلاً راجع به تابعیت ایرانی بودن که وزارت خارجه یا ثبت‌احوال متولی امر هستند و مواردی از این دست. بنابراین، موارد کاملاً عینی، ملموس و مشخصی هستند. مثلاً بحث نظام‌وظیفه که باید از نیروی انتظامی استعلام صورت بگیرد. پس این پیش ثبت‌نام این فایده را دارد که خود افراد هستند و دستگاه تخصصی؛ اگر افراد اعتراضی هم دارند، خود آن دستگاه بررسی می‌کند و اگر در این موارد چندگانه پاسخ مثبت دریافت کند؛ یعنی با اشکالی مواجه نشود، مدارک عینی او بعد از صحت‌سنجی که نسبت به مدارک گذشته خود پیدا می‌کند؛ می‌تواند ثبت‌نام کند؛ یعنی کسانی که مدارک عینی‌شان را بارگذاری کرده و استعلام شده و از دستگاه‌ها پاسخ مثبت دریافت کنند و در نهایت برای آن‌ها کد پیگیری صادر شده، با آن وضعیت ثبت‌نام خود را انجام می‌دهند.

این کار به نظر موضوع خوب و در راستای احقاق حقوق مردم و در راستای حقوق داوطلبان است. افرادی که ممکن است نسبت به بعضی مدارک‌شان نکاتی وجود داشته باشد و اساساً

خود آن‌ها نیز اطلاع نداشته باشند، بدون این‌که هزینه‌ای به آن‌ها تحمیل بشود، با هزینه‌های رد صلاحیت مواجه شوند، می‌آیند مدارک خود را بازگذاری می‌کنند و پاسخ استعلام خود را دریافت می‌نمایند و حتی اگر نکته‌ای یا اعتراضی دارند، دستگاه تخصصی امر موضوع را بررسی می‌کند و در پاسخ اصلاح صورت می‌دهند یا احیاناً می‌گویند که با این دلایل اعتراض شما پذیرفته نیست. ما این موضوع را در راستای حقوق مردم و داوطلبان ارزیابی می‌کنیم و به نظر برخی از هزینه‌های زاید را برطرف می‌کند.

۲. فرق قانون جدید انتخابات مجلس شورای اسلامی با قانون قدیم در چیست؟ ویژگی‌ها و نقاط قوت قانون جدید بر قانون قدیم را در چه می‌دانید؟

ج: یکی از موارد، همین پیش ثبت‌نام بود. ویژگی دیگر، افزایش مهلت رسیدگی است؛ چون ما در کشوری هستیم که افراد آزادانه ثبت‌نام می‌کنند تا در رقابت‌های انتخاباتی شرکت کنند. عموماً روند ثبت‌نام‌ها در انتخابات مجلس، روندی افزایشی بوده؛ مثلاً در این دوره حدود ۲۵ هزار داوطلب و متقاضی داشتیم؛ و در دور گذشته ۱۶ هزار مورد بود و قبل از آن، حدود ۱۲ هزار داوطلب. این روند افزایشی که البته خوب است یا بد، وارد این موضوع نمی‌شویم؛ قابل بررسی است که در کشورهای دیگر واقعاً موضوع به این شدت و وضعیت هست یا نه؟! در یک مقطعی این موضوع برای خودم مهم شد، در حد جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایت‌ها بررسی کردم، ندیدم کشوری که به این اندازه تعداد ثبت‌نامی داشته باشد. مثلاً در ازای هر کرسی، تعداد زیادی ثبت‌نامی داشتیم، حتی کشورهایی که مدعی دموکراسی هستند، این اعداد و ارقام را نداشتند. اصلاً نمی‌خواهم وارد این موضوع بشوم که این موضوع خوب است یا بد؛ اما وقتی ما با این تعداد ثبت‌نام مواجه هستیم، طبیعتاً مهلت‌های رسیدگی نیز باید متناسب با این تعداد باشد.

استحضار دارید که چند مرحله است؛ هیئت‌های اجرایی، نظارتی، شورای نگهبان به‌عنوان مرجع تجدیدنظر نهایی و... نسبت به آن ۱۶ هزار نفر که بار آخر ثبت‌نام کرده بودند، شاید

حدود ۲۰ روز بود؛ یعنی در زمان اندکی این تعداد افرادی که در این عرصه قدم گذاشتند، استعلام باید صورت می‌گرفت. اگر نکاتی نسبت به آن‌ها وجود داشته باشد، ما باید با آن‌ها در میان بگذاریم و پاسخ‌های آن‌ها را دریافت کنیم. اگر اسناد و مدارکی بخواهند برای ما ارسال کنند و... نمی‌گوییم این کارها انجام نمی‌شده؛ انجام شده؛ ولی در تنگنای زمانی. طبیعتاً این مهلت داده‌شده باید مقداری منطقی‌تر باشد.

پس یکی از ویژگی‌های این قانون آن است که زمان‌ها مقداری توسعه داده و مهلت‌های رسیدگی مقداری افزایش یافته است که ما این موضوع را در راستای حقوق داوطلبان، اتاق کارها و براساس حقوق مردم ارزیابی می‌کنیم.

نکته دیگر این است که ما در ادوار گذشته موضوعاتی مثل تبلیغات و تخلفات را داشتیم که نیاز به به‌روزرسانی‌هایی داشت. ما انتظار داریم در دوره‌های اخیری که انتخابات برگزار شده؛ چه ریاست جمهوری و چه مجلس، تبلیغات، بیش‌تر از فضای حقیقی و فیزیکی به فضای مجازی منتقل شده است؛ به دلایل مختلف که خودش قابل بررسی است؛ مثل هزینه کم‌تر، اثرگذاری بیش‌تر و... در صحنه عمل می‌دیدیم تبلیغات و احکامی در خصوص تخلفاتی که در فضای مجازی صورت می‌گیرد، قانونی نداشتیم. قانونی که هست، برای ۲۰ سال قبل است. آن مقطع اصلاً چنین موضوعی وجود نداشته که بخواهد نسبت به آن تبلیغ صورت بگیرد و در سال‌های اخیر که با اعتراضاتی مواجه بودیم، اصلاً حکمی در قانون در خصوص این موارد نداریم که بخواهیم پیگیری داشته باشیم.

در این قانون گام‌هایی برای این موضوع (به‌روزرسانی تبلیغات در فضای مجازی) پیش‌بینی شده و موارد متعددی هست که می‌توانم بگویم در قانون پیش‌بینی شده یا برای اولین بار در انتخابات پیش‌رو، بحث شفافیت منابع مالی کاندیداها را داریم که آن هم موضوع مهم و قابل توجهی است. من سعی کردم اهم مواردی که در این اصلاحیه به آن توجه شده است، اشاره کنم و البته تأکید می‌کنم که آنچه در سیاست‌های کلی انتخابات آمده، فراتر از این اصلاحیه است و می‌شود به نقش‌آفرینی احزاب، بحث شرایط کاندیداها، نظام انتخاباتی و الگوی انتخاباتی فکر

کرد که در این اصلاحیه آمد؛ ولی مجدد حذف شد. مدل تناسبی این‌ها مواردی است که می‌شود در اصلاح قانون انتخابات همچنان به آن‌ها فکر کرد.

همیشه تأکیدمان بر این بوده که اگر قرار است قانون انتخابات اصلاح بشود، باید مبتنی بر سیاست‌های کلی انتخابات باشد؛ چون سیری را طی کرده و دستگاه‌های مختلف نظرات خود را بیان کرده‌اند، آسیب‌شناسی شده، ارائه راهکار شده و مبنای کار در اصلاح قانون انتخابات باید این سیاست‌های کلی انتخابات و ابلاغیه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام باشد.

۳. مدتی است که شبکه‌های ضدانقلاب و بیگانه در حال تبلیغ این مسئله هستند که در دوران رهبری امام خامنه‌ای علیه‌السلام و توسط شورای نگهبان، فعالیت احزاب بسیار محدود شده است؟ در خصوص این شبهه چه پاسخی دارید؟

ج: یکی از موضوعاتی که در قانون پیش‌بینی شده، مدل انتخابات تناسبی است که با بحث احزاب ارتباط وسیعی پیدا می‌کند؛ چون زیرساخت انتخابات تناسبی، بحث احزاب است که پیش‌بینی شد؛ ولی در رفت و آمد و به خاطر این‌که هیئت‌ها نظارت بر حسن سیاست کلی نظام داشتند، عملاً از مصوبه حذف شده است؛ ولی این نکته را می‌خواهم تأکید کنم که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در بند ۹ سیاست‌های کلی انتخابات، راجع به بحث احزاب مشخصاً نکات و احکامی را ذکر فرموده‌اند. مثلاً تعیین چارچوب و قواعد لازم برای فعالیت قانونمند و مسئولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی؛ یعنی برای احزاب و تشکل‌های سیاسی نقشی جدی قائل شده‌اند.

در بحث احزاب در انتخابات با یک شبهه مواجه هستیم؛ یعنی احزاب و جناح‌ها شب انتخابات فهرستی ارائه می‌دهند که بعداً هم پاسخ‌گو نیستند. مواردی به‌عنوان برنامه ارائه دادیم تا معلوم شود اشخاصی که معرفی کردند، چقدر در این برنامه‌ها مؤثر بوده‌اند! بگویند برنامه‌هایی که وعده داده بودیم، چقدر توانستیم عملیاتی کنیم یا اگر نشده، به چه دلیل بوده است. چون معمولاً با احزابی مواجه هستیم که بعداً پاسخ‌گو نیستند. در حالی که براساس

سیاست‌های کلی انتخابات، باید اختیارات لازم را به احزاب بدهیم و برای آن‌ها حقوقی قائل باشیم و بعد، از آن‌ها مسئولیت و پاسخ‌گویی بخواهیم. بنابراین، قانون ورود چندانی در موضوع سیاست‌ها نکرده است؛ ولی سیاست‌های کلی انتخابات متعرض این موضوع شده و مشخصاً در بنده ۹ مسئولیت‌ها، نقش‌ها و جایگاهی جدی را برای احزاب و تشکل‌های سیاسی قائل شده است.

۴. طلاب و روحانیون چه کمکی جهت بهتر برگزار شدن انتخابات می‌توانند انجام دهند؟

ج: طبیعتاً طلاب و روحانیون بین مردم هستند و مرجعیتی دارند و با آن‌ها ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی برقرار می‌کنند؛ ولی برخی از موضوعات نقاط قوت نظام هستند که با توجه به تبیینی که نسبت به آن‌ها بعضاً کم‌تر صورت می‌گیرد، احیاناً رفتارهایی را شاهد هستیم که نقاط قوت نظام به نقاط ضعف تبدیل می‌شود. این حداقل اطلاعات لازم نسبت به آن موضوعات وجود ندارد. روی همین موضوع اصلاح قانون که در سؤالات شما بود و ما این اصلاحیه را حقوق مردم و داوطلبان تلقی می‌کنیم، برخی‌ها این موضوع را در رسانه‌ها به نحوی تشریح و تبیین کرده‌اند که بگویند مشارکت را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

یا موضوعاتی که وقتی جزئیات آن را بیان کنید، مشخص می‌شود و شاید شما خودتان هم بتوانید قضاوتی داشته باشید که الان اصلاح قانون انتخابات حرکت روبه‌جلو تلقی می‌شود یا خیر؟ یا مثلاً در راستای حقوق مردم هست یا خیر؟ به نظرم این‌ها با تشریح و تبیین موضوعات حاصل می‌شود و طبیعتاً بزرگوارانی مثل طلاب و روحانیون که با مردم ارتباط تنگاتنگی دارند، می‌توانند این موارد را به نحو احسن برای مردم تشریح کنند تا مردم بدانند که نظام سیاسی مقدس جمهوری اسلامی ایران، در راستای حقوق مردم گام برمی‌دارد و این موضوع برای آن‌ها مهم است.

گاهی در جمع دانشجویی یا مردم، می‌پرسند: در بعضی از انتخابات‌ها می‌بینیم که یک نفر در

محلله‌ای ردصلاحیت یا تأیید می‌شود، حاکی از چیست؟ یا حمل بر چه چیزها می‌شود؟ شاید بد تلقی بشود و... من خدمت آن‌ها عرض می‌کنم که همین قوت قانون ماست که چند مرحله را پیش‌بینی کرده‌ایم. مثلاً این مرحله هیئت‌های اجرایی که در فرمانداری‌ها تشکیل می‌شود، مرحله سؤال از معتمدان محله و... آن افراد حقوقی دارند و بعد از آن هیئت نظارت‌های استان هست، بعد شورای نگهبان، به‌عنوان مرجع تجدیدنظر نهایی. این مرحله‌ها به خاطر این است که کار اتقان بیش‌تری پیدا کند؛ چون برای قانون‌گذار حقوق مردم اهمیت داشته و این نباید حمل به تشتت، تغییر هرروزه یا نقص بشود؛ بلکه گاهی مدارکی در مرحله هیئت‌های اجرایی نمی‌رسد، در مرحله استعلامات یا مرحله هیئت‌های نظارت می‌رسد یا اسناد و مدارکی بعداً داده می‌شود یا مثلاً کاندیدا می‌رود حکم برائت خودش را می‌آورد و... بنابراین، حقوق مردم و داوطلبان برای ساختار حاکمیت و مجلس ما که قانون‌گذار است و برای شورای نگهبان که به‌عنوان ناظر انتخابات و مجری آن است، مهم بوده و مراحل مختلفی را قانون پیش‌بینی کرده است.

مسئله دیگر این‌که طبیعتاً روحانیون و طلابی که بین مردم هستند، اطلاعات لازم را باید در این خصوص داشته باشند تا با مردم در میان بگذارند و سؤالات را پاسخ بدهند. به نظر همه ما می‌توانیم در راستای جهات تبیینی - که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام فرمودند - نقش ایفا کنیم و از نقاط قوت نظام حقوقی و سیاسی انقلاب دفاع کنیم.

خیلی ممنون و متشکر



وظایف و اخلاق انتخاباتی مردم

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری

مقدمه

«جمهوریت»، یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده‌ی جمهوری اسلامی است که در جهت عینیت بخشیدن به آن، در ایران عزت‌مند، به‌طور میانگین هر ساله شاهد یک انتخابات مردمی هستیم. افتخارآمیزتر اینکه انتخابات برگزار شده در کشور ما، از نظر رعایت اخلاق و موازین اخلاقی، در مقایسه با بسیاری از کشورهای مشابه، درخشان‌ترین سابقه را برجای گذاشته است؛ اما نباید فراموش کرد که بد اخلاقی‌های انتخاباتی، هرچند اندک، زیبنده‌ی جامعه‌ی اسلامی ارزشی و فضیلت‌گرا و نیز با اهداف بلند نظام اسلامی هم‌سویی ندارد؛ نظامی که همه‌ی ارکان تصمیم‌گیری و مدیریت آن را باید صالحانی تشکیل دهند که قرآن، فراهم‌سازی زمینه‌هایی را در عرصه‌های فردی، اجتماعی و الهی به دست و همت آنان نوید داده است:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱ همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌دهند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست.

بر این اساس باید برای برپایی ارزش‌ها در همه‌ی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (امر به معروف) و مقابله با ضد ارزش‌ها در همه‌ی ابعاد (نهی از منکر) و توجه به نیازهای جامعه (ایتاء زکات) گام برداشت. بدین ترتیب، مهم‌ترین رسالت اخلاقی انتخابات، تحقق کامل این نوید قرآنی است. به همین دلیل، از آغاز تا پایان تبلیغات و از پیروزی یا شکست تا پس از آن، نامزدها و هوادارانشان و پیروشدگان و شکست‌خوردگان در انتخابات، باید اخلاق انتخاباتی و آداب اسلامی را رعایت کنند.

نوشتار پیش رو، اخلاق انتخاباتی و وظایف مردم را تبیین می‌نماید و در دو محور زیر سامان یافته است:

الف) اخلاق انتخاباتی

۱) شرکت در انتخابات

یکی از اصول اخلاق انتخابات، شرکت در آن است. شاید برخی تصور کنند که بعد از گذشت سال‌ها از انقلاب، شرکت در انتخابات مهم نیست یا اگر ما هم شرکت نکنیم، دیگران شرکت می‌کنند و حال اینکه اولین وظیفه‌ی اخلاقی مردم شرکت در انتخابات است؛ زیرا هر انسانی وظیفه دارد در تعیین سرنوشت خود و جامعه‌ی خویش نقش داشته باشد و در بهبود آن بکوشد. یکی از راه‌های ایجاد تغییر،

۱. حج: ۴۱.

شرکت در انتخابات است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛^۱ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت در هر نظامی، علاوه بر جنبه‌های شرعی - که ممکن است - داشته باشد، به‌عنوان یک حق نیز قلمداد می‌شود؛ حقی که صاحب حق باید از آن دفاع و آن را «استیفا» نماید؛ یعنی باید تمام حق خود را مطالبه کند و هر گونه بی‌اعتنایی به آن اقدامی نارواست. پرواضح است که عدم توجه به این موضوع، موجب از بین رفتن حق خواهد شد. به همین دلیل مشارکت در انتخابات، ضرورتی فراتر از تکلیف شرعی است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری علیه السلام فرموده‌اند: «انتخابات، فقط یک پدیده‌ی سیاسی نیست. انتخابات، مظهر حضور مردم و مظهر احقاق حق است... هم حق و هم تکلیف مردم است که بیابند و سرنوشت کشورشان را به دست خود تعیین کنند.»^۲

از همه مهم‌تر اینکه امروزه شرکت در انتخابات از هر زمانی دیگر اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا دشمنان وانمود می‌کنند که انقلاب پایگاه مردمی خود را از دست داده است. بر این اساس این پشتوانه‌ی مردم است که تبلیغات دشمنان را خنثی و اقتدار و عظمت جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد. امام راحل^۳ نیز، شرکت در انتخابات وظیفه‌ی ملی و شرعی می‌داند: «این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است انسانی و وظیفه‌ای است که ما باید به آن عمل بکنیم. همه‌مان باید در انتخابات شرکت کنیم.»^۳

مقام معظم رهبری علیه السلام فرمود: «درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات، آبروی ملی ماست. انتخابات،

۱. رعد: ۱۱.

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2994>

۳. امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۳۱۸.

یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست. انتخابات، وسیله‌ای برای عزت ملی است.»^۱

۲) احترام متقابل و دوری از تهمت

لازمه‌ی انتخابات سالم، ایجاد فضای سالم و اجتناب از تشنج است. این امر محقق نخواهد شد، مگر با رعایت اصل «احترام متقابل» و دوری از «حرمت‌شکنی»، «تهمت» و «افترا». متأسفانه گاهی فضای انتخاباتی ما به گونه‌ای است که طرفداران نامزدها به رقیبان و طرفداران آنها بی‌احترامی و تهمت می‌زنند؛ در حالی که رسول خدا ﷺ فرمود:

«مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ؛^۲ کسی که به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند، یا چیزی درباره‌ی او بگوید که در او نیست، خدای عزوجل بر تلی از آتش نگهش می‌دارد تا از عهده‌ی گفته‌ی خود برآید.»

این زبان است که انسان را به چنین سرنوشتی دچار می‌سازد. حضرت امام ﷺ فرمود:

از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی - انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات و از هر گونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند که برای پیشبرد مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از انگیزه‌های غیراسلامی است.^۳

مقام معظم رهبری ﷺ فرمود: «آنچه در انتخابات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بدون تهمت‌زنی و بدگویی به یکدیگر.»^۴

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6642>

۲. جواد قیومی اصفهانی؛ صحیفه الإمام الرضا ﷺ؛ ص ۴۹.

۳. امام خمینی ﷺ؛ صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۱۳.

4. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>

۳) پرهیز از تفرقه

در هر جامعه‌ای، سلیقه‌های گوناگون وجود دارد. با این حال گروه‌ها باید با وجود اختلاف سلیقه‌ها و تعدد آرا در برابر منافع مشترک خود وحدت کلمه داشته باشند و از تفرقه و اختلافات پرهیزند. هم‌چنین طرفداران نامزدها، باید بکوشند از تجاوز به حقوق دیگر هواداران نامزدها خودداری کنند؛ زیرا اهانت به هر شکل ممکن، وحدت کلمه را از بین می‌برد و زمینه‌ی حق‌کشی و انحراف را پدید می‌آورد. باید فضایی سالم و آرام فراهم کرد تا مردم بتوانند به‌درستی و با فراغ بال، درباره‌ی نامزدها، برنامه‌ها، شعارها و اهداف آنان تصمیم‌گیری کنند. اختلاف، فضایی را ایجاد می‌کند که قوه‌ی عقل از کار می‌افتد و تنها پیروی از هوا و هوس و تعصب‌های خشک و نادانی بر جای می‌ماند. همین امر، ما را به ورطه‌ی نابودی نزدیک می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ؛^۱ اختلاف، نابودکننده‌ی اندیشه است.»

حضرت امام علیه السلام فرمود: من دارم به شما آقایان عرض می‌کنم، همه توجه به این داشته باشید که دنبال اختلاف نروید. فردا ممکن است انتخابات پیش بیاید؛ خب، در موقع انتخابات البته صحبت‌ها خواهد شد. دنبال این نروید که به هوای نفسانی خودتان برای خودتان درست کنید. می‌خواهد یک قضیه‌ای واقع بشود در ایران، دنبال این نباشید که به نفع من باشد. آن یکی بگوید به نفع من باشد. این مبدأ اختلاف است. انبیا و اولیا و کسانی که وارسته از دنیا هستند، این معانی را ندارند.^۲

۴) انتخاب نامزد اصلح

گزینه‌ی انتخاب اصلح، خواست انسان است؛ زیرا انسان همیشه طالب کمال مطلوب

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۵۰۷.

۲. امام خمینی علیه السلام؛ صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۲۲۸.

خویش است و حکم عقل نیز، به گزینش شایسته‌ترین‌هاست. بنابراین بر آحاد افراد لازم است، ضمن بررسی ویژگی‌های افراد، بهترین و شایسته‌ترین ایشان را برای تصدی امور و کارگزاری نظام اسلامی انتخاب کنند؛ زیرا واگذاری مدیریت کلان کشور به چنین افرادی، از اهمیت ویژه برخوردار است. اگر انسان اصلح بر مسند قدرت قرار نگیرد، موجب گمراهی و فساد مردم می‌شود و این امر، بزرگ‌ترین عامل زوال دولت‌ها به حساب می‌آید؛ چنانچه حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَّكَ الْأَفَاضِلُ»^۱ آن‌گاه که لئیمان حاکم گردند، صاحبان فضیلت هلاک می‌گردند.

از این رو لازم است مردم با برخی خصوصیات نامزد اصلح آشنا شوند، تا در انتخاب اصلح مشکل ایجاد نشود. رهبر فرزانه‌ی انقلاب علیه السلام فرمود:

... نکته‌ی بعدی در باب انتخابات، این است که مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست. مسئله‌ی انتخابات، مسئله‌ی سپردن سرنوشت بخش عمده‌ی امکانات کشور به یک نفر و یک مجموعه است؛ سرنوشت مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، روابط خارجی و مسائل گوناگون دیگر... در بین این مجموعه نگاه کنیم و کسی را که اصلح است، انتخاب کنیم. این هم وظیفه‌ی بسیار مهمی است.^۲

ب) ویژگی‌های نامزدها

در جامعه دینی ویژگی‌های متعددی برای مسؤولان عالی کشور لحاظ شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. علی بن محمد لیلی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۱۳۴.

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=3063>

۱. تقواگرایی

تقواگرایی، برای همگان لازم است؛ اما برای نامزدها و مسئولان کلان، از اهمیت ویژه برخوردار است. به دلیل اینکه اینان با جان، مال و آبروی مردم ارتباط دارند و نقش بنیادی در اصلاح و فساد جامعه. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي؛ دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند، امت اصلاح می‌شود و اگر فاسد گردند، امت فاسد می‌گردد.» گفته شد که آن دو گروه کدام‌اند و حضرت پاسخ دادند: «الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ؛^۱ فقیهان و امیران.»

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاةِ الْوَلَاةِ...»^۲ پس کار رعیت سامان نمی‌یابد، مگر به شایستگی و درست‌کاری حکمرانان.»

طبیعی است داوطلبان و مسئولانی می‌توانند به اصلاح جامعه بپردازند که خود تقوامدار باشند؛ از این رو علی عَلَيْهِ السَّلَام مالک اشتر را به رعایت تقوا سفارش نمود: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِثَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ.»^۳

از سوی دیگر تقوا و انگیزه دینی، سبب می‌شود انسان جذب ریاست و قدرت نگردد و تنها برای اجرای احکام الهی و اقامه حق حکومت کند. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بارها دلیل پذیرش حکومت را اقامه حق اعلام کرد. عبدالله بن عباس می‌گوید که در منطقه‌ی ذی‌قار در گذرگاه جنگ بصره، محضر امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام رسیدم. دیدم نعلین خود را وصله می‌زند. در این حال رو به من کرد و گفت: «این نعل چقدر ارزش دارد؟» در پاسخ گفتم: «قیمتی ندارد.» فرمود: «به خدا قسم، این نعل کهنه در نظر من ارزشمندتر از حکومت بر شما است؛ مگر آن‌که بتوانم حقی را برپا دارم، یا جلوی باطلی را بگیرم.»^۴

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۳۵۳.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۴۲۷.

۴. همان، ص ۱۰۳.

بر این اساس باید توجه داشت که مسئله خدمت به مردم و مسؤولیت‌پذیری در نظام اسلامی، به بهانه‌ای برای قدرت‌طلبی و هواپرستی نشود؛ زیرا ریاست‌طلبی با تقواگرایی مسؤولان هم‌سویی ندارد و اگر کسی که صلاحیت کاری را ندارد خود را برای آن کار مطرح کند و آن قدرت را بطلبد، درواقع در جهت هلاکت خویش قدم برداشته است. امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ لِنَفْسِهِ هَلَكَ فَإِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا؛^۱ هر کسی برای خود ریاست بطلبد، هلاک شده است. ریاست جز برای کسانی که صلاحیت آن را دارند، مجاز نیست.» بر همین اساس است که انسان‌های ریاست‌طلب و محب قدرت، مورد لعن اولیای دین قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَّسَ مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ؛^۲ ملعون است کسی که ریاست‌طلبی کند، ملعون است کسی که بر آن همت گمارد و ملعون است کسی که به فکر آن باشد.»

۲. ساده‌زیستی

ساده‌زیستی، نگاه منطقی و خردگرایانه‌ی انسان‌های دانا به زندگی ناپایدار دنیاست که در پرتو آن، آرامش درون و برون حاصل می‌شود و با نوع شناخت انسان و نگرش او به زندگی دنیا مرتبط است؛ از این رو اگر مسؤولان و مدیران حکومتی این امر را رعایت کنند، بهتر می‌توانند به نظام و مردم خدمت کنند که در آموزه‌های دینی، سخت به این امر توجه شده است. سیره و گفتار حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام نیز شاهد بر این ادعاست. از سوی دیگر در نظام جمهوری اسلامی، مردم انتظار دارند مسؤولان آنها ساده‌زیست باشند. امروزه اگر مردم یاد و خاطره‌ی مرحوم رجایی را پاس می‌دارند، بدان جهت است که طعم تلخ فقر را چشیده و برنامه‌های او برای محرومیت‌زدایی بود. مهم‌تر

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۰، ص ۱۵۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۲۹۸.

از همه اینکه ساده‌زیستی مسؤولان آینده‌ی کشور، از دو جهت اهمیت دارد: اول آن‌که آنان پاسداران ارزش‌ها هستند و باید الگو باشند. دوم: ساده‌زیستی آنان موجب می‌شود که مسؤولان با فقر و درد محرومان جامعه بیشتر آشنا شوند و سیاست‌هایی را در رفع مشکلات آنها اتخاذ نمایند. نامزدها و مسؤولانی که طعم فقر را نچشیده‌اند، نمی‌توانند درد فقیران را درک کنند. حضرت علی علیه السلام هم، فلسفه‌ی ساده‌زیستی حاکمان اسلامی را هم‌دردی با فقیران می‌داند: «خداوند بر حاکمان عادل واجب کرده است که زندگانی خویش را در سطح مردم فقیر قرار دهند، تا رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند.»^۱

حضرت امام علیه السلام فرمود:

توجه داشته باشید رئیس‌جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند؛ نه از سرمایه‌داران، زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند.^۲

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز، به خاطر اهمیت امر، همگان به‌ویژه مسؤولان را به ساده‌زیستی و زهدگرایی سفارش کرد:

ما [که هم مسؤول حکومتی هستیم و هم روحانی] باید بیشتر مواظب باشیم؛ دیگران هم باید مواظب باشند، شما هم که دانشجویید، یا استاید، باید مواظب باشید، شما هم که رئیسید، باید مواظب باشید؛ همه باید مواظب باشند که به دام تکلفات و تعینات زندگی نیفتند و در اشرافی‌گری و این‌ها غرق نشوند.^۳

۱. عبد الحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۱، ص ۲۳۷.

۲. امام خمینی علیه السلام؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۲۲.

3. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2071>

۳. استکبارستیزی

یکی از شاخصه‌های مهم انقلاب اسلامی استکبارستیزی است؛ استکبارستیزی به‌گونه‌ای با هویت و ماهیت انقلاب اسلامی درآمیخته است که می‌توان این آرمان را صفت ذات انقلاب و جزو مفاهیم موقوم ماهیت آن قلمداد کرد. یعنی در صورت کنارگذاشتن استکبارستیزی، انقلاب اسلامی بدون تردید دست‌خوش بی‌هویتی خواهد شد. معمار کبیر انقلاب امام خمینی سیاست اصلی انقلاب را حول محور تقابل و منازعه آشتی‌ناپذیر با کانون‌های استکبار جهانی در شرق و غرب و گسست کامل از آنان تعریف می‌نمود: «من بارها گفته‌ام و در این روز بزرگ می‌گویم [تا] قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، مبارزات آشتی‌ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد.»^۱

بی‌تردید یکی از اصول مهم جمهوری اسلامی روابط عزت‌مندانه و حسنه با کشورها است و هر کشوری که از این اصل پیروی کند، ایران اسلامی از آن استقبال می‌کند، اما اگر کشوری مانند آمریکا استقلال و عزت و اقتدار کشور ما را خدشه‌دار نماید و قصد سلطه برکشور ما داشته باشد، ایران مقتدر در برابر این سیاست خصمانه و انگیزه ظالمانه مقابله می‌نماید. براین اساس مبارزه با آمریکا به خاطر خصوصیات این کشور است، چنانکه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام به این صفات اشاره نموده است:

آنچه ما با آن مخالفیم عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ ... ما با هیچ ملتی به عنوان ملت مخالفی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملتی؛ ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزش‌های انسانی و الهی مخالفیم. امروز آمریکا مظهر اینها است؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است...^۲

از سوی دیگر داشتن روحیه استکبارستیزی ریشه در عمق تعالیم اسلامی دارد و تمامی

۱. امام خمینی علیه‌السلام؛ صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۱۴۸.

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1145>

کسانی که خود را پیرو راه قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانند، موظف به ستیز با مستکبران هستند. در برخی کشورها حاکمان برای ادامه قدرت و ریاست خود، حاضرند مصالح و منافع کشور و ملت خود را نابود کنند و با پشتیبانی کافران و مستکبران، بر کشور و مخالفین چیره شوند. اینان تحت سلطه کافران مانند عبد ذلیل زندگی می‌کنند تا حاکمیت ننگین خود را ادامه دهند؛ مانند زمان پهلوی که بردگی آنان در مقابل آمریکا و اروپا کاملاً واضح بود. قرآن هرگونه سلطه‌پذیری مسمانان را نهی می‌نماید: «وَأَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱ خدا تا ابد اجازه نداده است که کافران کم‌ترین تسلطی بر مومنان داشته باشند.»

اما ایران اسلامی با تمام قدرت در برابر روحیه استکباری امریکا ایستاد و این سیاست نتایج مثبتی داشته است: چنانچه رهبر معظم انقلاب (علیه السلام) فرمود: «به کوری چشم آنهایی که می‌خواستند جمهوری اسلامی را از بین ببرند، ما ریشه‌دارتر شدیم، توانایی مان بیشتر شد، قدرتمان بیشتر شد، پیشرفت بیشتری کردیم؛ به کوری چشم دشمن»^۲

بی‌تردید این موفقیت ناشی از روحیه و رویکرد استکبارستیزی رهبر فرزانه انقلاب و پشتوانه مردم از این رویکرد خردمندانانه و هوشمندانه است:

کُلّ ملت ایرانند، جوان‌های ما، مردم انقلابی ما و مردم مؤمن ما هستند که در مقابل زورگویی‌های استکبار ایستاده‌اند. و هر ملتی و هر کشوری که مردمش یکپارچه، یک‌جهت، یکدل، در مقابل دشمن بایستند، دشمن هیچ تعرضی نمی‌تواند به اینها بکند، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند...^۳

استکبارستیزی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های انقلاب اسلامی است که هرگز محدود به زمان خاصی نبوده و نیست و این امر از پشتوانه عقل و شرع برخوردار است، چنانچه رهبر فرزانه فرمود:

...ستیزه‌گری با این استکبار، با این پدیده، عین عقلانیت است. حالا بعضی‌ها می‌گویند «آقا! این

۱. نساء: ۱۴۱.

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=39457>.

3. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=36307>.

خلاف عقلانیت است، خلاف تدبیر است؛ نه، خلاف تدبیر نبود؛ این درست عین عقلانیت بود؛ تسلیم شدن و زیر بار رفتن، ضد عقلانیت بود.^۱... مبارزه‌ی با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه‌ی علمی، و یک حرکت خردمندانه است.^۲ بی‌تردید روحیه سازش کاری برخی مسؤولان، ناشی از غرب‌زدگی و وابستگی قلبی به تمدن غربی و ناشی از تفکر اشرافی‌گری و لیبرالی است که گاهی این علاقه‌مندی‌ها به غرب به اندازه‌ی افزایش می‌یابد که از آرمان‌ها و آموزه‌های دینی و اسلامی فاصله گرفته می‌شود. فاصله‌گیری از آرمان‌های انقلاب اسلامی موجب می‌شود تا برخی مسؤولان این واقعیت را نپذیرند که کشور ما به عنوان یک کشور عزتمند، مستقل، توسعه یافته و پیشرفته است. از این-رو، انتظار می‌رود مسؤولان محترم این سخن امام را که فرمود: «اشخاصی که نه مایل به طرف شرق هستند و نه مایل به طرف غرب، بلکه در صراط مستقیم انسانیت و اسلام هستند، آنها را انتخاب کنید. سرنوشت خودتان را به اشخاص امین بدهید.»^۳ مد نظر قرار داده و به نمودهای رهبرفرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که بارها به کارگزاران نظام سفارش نمود که همیشه روحیه استکبارستیزی را حفظ و عزت‌مندانه جمهوری اسلامی را سکانداری کنید که عزت از آن خدا است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يُعْلَمُونَ»؛ عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لکن منافقان نمی‌دانند.»

۴. مردم‌مداری

حق تعیین سرنوشت و مشارکت در امور سیاسی، یکی از طبیعی‌ترین حقوق افراد است. در انتخابات، مردم حق حاکمیت را که مربوط به همه‌ی آنان است، برای مدتی به افراد منتخب

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1145>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1145>.

۳. امام خمینی علیه السلام؛ صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۳۸۵.

۴. منافقون: ۸ (ر. ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۴، ص ۱۶۳۰).

خود منتقل می‌کنند. دولت و مجلس که این حقوق به آنها انتقال یافته است، به صورت اقتداری مشروع به وضع و اجرای قانون می‌پردازند؛ پس در حقیقت مردم با رأی خود، کسانی را برمی‌گزینند تا به جای آنها مدت معینی تصمیم‌گیری کنند. نکته مهم در این قضیه، این است که لازم است داوطلبان در ارتباط دائم با مردم باشند، تا بتوانند در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، نظر مردم را بدانند و مشکلات آنان را منعکس سازند؛ در غیر این صورت، دولت و نماینده تکلیف خود را به خوبی انجام نداده است.

بر این اساس یکی از ویژگی‌های مهم نامزدها، مردمی بودن آنان است. اگر مسؤولی پایگاه مردمی بودن خود را از دست داد، بی‌تردید در ایفای مسؤولیت خود موفق نیست. پایگاه مردمی در صورتی به وجود می‌آید که مسؤولان خود را تافته‌ی جدابافته تلقی نکنند و از مردم و در میان آنان باشند؛ زیرا اگر مشکلات مردم را از زبان آنان نشوند، چگونه می‌توانند سیاست‌های معقول و منطقی برای رفع مشکلات آنها اتخاذ کنند؟ مسؤولانی که در اتاق‌های دربسته به فعالیت‌های خود بپردازند و از دیدگاه‌ها و خواسته‌های مردم فاصله گرفته و مردم مدت‌ها انتظار بکشند که موفق به دیدار آنان شوند، هیچ‌گاه موفق نخواهند بود. حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «... بخشی از اوقات خود را به حاجت‌مندان اختصاص ده، با آنان در مجمع عمومی بنشین، برای خداوندی که تو را آفریده خضوع کن و سپاهیان و پاسداران را از جمع آنان دور گردان تا آنها بدون پروا و هراس با تو صحبت کنند.»^۱

از همه مهم‌تر اینکه مسؤولان باید با مردم مهربان باشند. حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه، دوست و مهربان باش. مبادا، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی! زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر، همانند تو در آفرینش هستند.»^۲

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۱۴۲.

۲. عبد الحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ص ۴۲۷.

امام راحل علیه السلام فرمود:

در هر صورت من عرضم به آقایان این است که توجه کنید به اینکه هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید. مردم احساس کنند که این‌ها دوست‌های آنها هستند که آمده‌اند. در هر صورت... هر کدام در هر جا که هستید، مردم را همراه خود نگه‌دارید. مردم ما واقعاً خوب‌اند. شاید نظیر ملت ایران در هیچ جا نباشد.^۱

۵. امانت‌داری

حکومت از دیدگاه اسلام، امانت الهی است و فلسفه‌ی وجودی آن برای اجرای قوانین الهی، برقراری عدالت، احقاق حق و... است. حضرت علی علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا تِيْمَانَسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِيَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظَاهِرَ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛^۲ بارخدایا تو آگاهی آنچه از ما صادر شده (جنگ‌ها)، نه برای میل و رغبت در سلطنت بوده و نه برای به‌دست‌آوردن چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که (چون فتنه و فساد در شهرها شیوع یافت و ستم بر مردم وارد شد و حلال و حرام تغییر کرد خواستیم) آثار دین تو را (که تغییر یافته بود) بازگردانیم و در شهرهای تو، اصلاح و آسایش را برقرار نماییم تا بندگان ستم کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضایع مانده جاری گردد.

هم‌چنین آن حضرت در نامه‌ای به عامل آذربایجان می‌نویسد: «وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛^۳ مبدا پنداری حکومتی که به تو سپرده شده، شکاری است که به چنگ افتاده است. خیر، امانتی بر گردنت گذاشته شده است.»

ملاحظه می‌شود بدین ترتیب حاکمان و مدیران جامعه، امانتی سنگین بر دوش دارند که

۱. امام خمینی علیه السلام: صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۱۸۹.

۲. پیشین؛ ص ۱۸۹.

۳. همان؛ ص ۳۶۶.

باید آن را خوب حفظ کرده و به مقصد برسانند. امام صادق علیه السلام از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ»^۱ از ما نیست کسی که به امانت پشت کند.»

۶. صداقت

صداقت، یکی از عناصر ارزشی در اسلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ؛^۲ برای امتحان مردم، نگاه به زیادی نماز و روزی آنها و کثرت حج و نیکی کردن آنها به مردم و سروصدای آنها در عبادات شبانه نکنید، نگاه به راست‌گویی و امانت‌داری-شان کنید.

به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام، صداقت سرلوحه‌ی دعوت همه‌ی پیامبران در مسائل معاشرتی و اخلاقی، راست‌گویی و امانت‌داری بوده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثِ الْأَنْبِيَاءَ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ»^۳ خدای عزوجل هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر با راست‌گویی و برگرداندن امانت به نیکوکار یا بدکار.»

به گفته‌ی سعدی:

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی

صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست^۴

با توجه به نقش سازنده‌ی صداقت در روابط اجتماعی و سیاسی، رعایت آن برای همگان اهمیت دارد؛ اما رعایت آن برای مسئولان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا صادقانه

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۱۳۳.

۲. محمد بن علی ابن بابویه؛ الامالی (للسدوق)؛ ص ۳۰۳.

۳. پیشین؛ ج ۲، ص ۱۰۴.

4. <https://ganjoor.net/saadi/mavaez/ghasides/sh7>

برخورد مسؤلان با مردم و گفتن حقایق و واقعیات به آنان، نقش بنیادی در جلب رضایت و اعتمادسازی دارد. اعتماد مردم به دولت مردان، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی اجتماعی برای آنان است. بر این اساس صداقت در نامزدها و مسؤلان، از بهترین عوامل موفقیت در کار و حافظ آبرو و برآورنده‌ی وجاهت اجتماعی است. چنانچه مسؤل در محیط کار و صحنه‌های اجتماعی از صداقت لازم برخوردار باشد، موفقیت او حتمی است؛ در غیر این صورت حتی اگر فرضاً در ابتدای کار و با اغفال دیگران رسوا نگردد، سرانجام روزی با دریده‌شدن پرده‌ها، دروغ‌گویی‌اش آشکار می‌شود. با توجه به نقش صداقت در شیوه‌ی زمامداری، حضرت علی ؑ به مالک اشتر توصیه می‌کند که با مردم صادقانه برخورد نماید و از وعده و شعارهایی که همراه عمل نیست پرهیز کند؛ چراکه وعده‌های بدون عمل و نشان‌دادن غیرواقع به صورت واقع، موجب خشم خدا و مردم می‌شود. حضرت خطاب به مالک اشتر فرمود:

از منت‌نهادن بر رعیت به جهت احسانی که نموده‌ای یا بیش از حد جلوه‌دادن آنچه کرده‌ای، پرهیز و نیز از دادن وعده‌ای که خُلف می‌کنی، احتراز کن؛ چه منت نهادن، احسان را بی‌ارزش می‌کند و زیاده‌نگری، روشنایی حق را می‌برد و خُلف وعده، موجب خشم خدا و مردم می‌شود.^۱

متأسفانه بعضی نامزدها، برای تقویت مواضع خویش از واقعیتهای اجتماعی و ظرفیت‌های کشوری، تبیین نادرستی می‌کنند و این‌گونه است که هم مسؤلان فعلی را متهم می‌کنند و هم مطالباتی را در مردم ایجاد می‌کنند که وعده‌های توخالی از آب درمی‌آید و دیگران را نیز، به بی‌کفایتی و دروغ متهم می‌کند. قرآن می‌فرماید: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۲ نزد خدا بسیار موجب خشم است، سخنی بگویند که به آن عمل نمی‌کنید.»

امام صادق ؑ می‌فرماید: «وَلَا تَعِدَنَّ أَهْلَكَ وَعْدًا لَيْسَ فِي يَدِكَ وَفَاؤُهُ»^۳ هرگز به برادرت وعده‌ای نده که انجام آن به دست تو نیست.»

۱. عبد الحمید بن هبة‌الله ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۷، ص ۱۱۳.

۲. صف: ۳.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۶۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام نیز می‌فرماید: «کسانی که وارد عرصه‌ی انتخابات می‌شوند، نباید به مردم وعده‌های نادرست و در باغ سبز غیرمنطقی نشان بدهند؛ بلکه باید با سخنان منطقی و منطبق بر واقعیت و توکل بر خدا پیش بروند.»^۱

ج) تحقیق و مشورت درباره‌ی نامزدها

بعد از آشنایی با برخی خصوصیات نامزدها، لازم است مردم تحقیق و مشورت‌های لازم را نیز انجام دهند. فضای انتخابات به‌گونه‌ای است که ممکن است برخی را در انتخاب فرد اصلح دچار مشکل کند. در چنین فضایی، بایسته است که مردم با دقت داوطلبان را بشناسند. لازمه‌ی این امر آن است که مردم هوش‌مندانه و با دقت، ویژگی‌های نامزدها را بررسی کنند؛ از این رو امام راحل علیه السلام می‌فرماید:

شما توجه کنید و کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی، نه شرقی باشد، نه غربی باشد، نه غرب‌زده باشد، نه شرق‌زده باشد، مسلمان باشد، پیرو احکام اسلام را انتخاب کنید.^۲

در این مرحله، انسان با توجه به ویژگی‌هایی که اشاره شد، می‌تواند با مشورت دیگران و با تفکر و تحقیق، نامزد اصلح را از میان نامزدها برگزیند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «رَأَى الرَّجُلَ مِيزَانُ عَقْلِهِ؛^۳ میزان عقل فرد، اندیشه‌ی اوست.»

رهبر معظم انقلاب؟ مد؟ نیز، در جواب سؤالی درباره‌ی انتخاب نامزد اصلح فرمود: در ایام انتخابات جهت شناخت کاندیدای مناسب، می‌بایست نواقص و عیوب و امتیازات آنها را در گذشته و حال تفحص کرد تا فرد لایق را پیدا نمود. آیا صحبت کردن پشت سر کاندیداها برای انتخاب فرد

1. <http://www.bartarinha.ir/fa>.

۲. امام خمینی علیه السلام؛ صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۴۸۵.

۳. علی بن محمد لیشی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۲۷۰.

اصلح، جایز است؟ ملاک چیست؟ در امور مربوط به انتخابات در حد مشاوره، اشکال ندارد.^۱

د) اخلاق انتخاباتی طرفداران نامزدها بعد از انتخابات

طرفداران کاندیداها بعد از انتخابات نیز، وظایف اخلاقی و دینی دارند یکی از مهمترین آنها پذیرش نتایج آرا و پرهیز از تحقیر رقیبان و طرفداران آنها است.

یکی از رفتارهای ناسالم و غیراخلاقی پس از پیروزی در انتخابات، تحقیر احزاب یا نامزدهای دیگر از سوی هواداران رقیب پیروز است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «حَسْبُ ابْنِ آدَمَ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يُحَقِّرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»^۲ در بدی فرزند آدم همین بس که برادر مسلمان خود را کوچک شمارد.»

انتظار می‌رود طرفداران کاندیداها، اخلاق اسلامی را رعایت کنند و بعد از انتخابات، به هواداران طرف مقابل احترام بگذارند و بار دیگر فضای صمیمیت قبل از انتخابات را به جامعه برگردانند؛ زیرا هرگونه بی‌احترامی به هواداران و رقیبان انتخاباتی، جامعه‌ی عقلانی ما را زیر سؤال برده و موجب کینه و کدورت می‌شود.

1. <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=323>.

۲. مسعود بن عیسی ورام بن ابی‌فراس؛ مجموعه‌ی ورام؛ ص ۱۲۲.



سوژه‌های معارفی انتخابات

آیت الله کعبی

اشاره

یکی از عرصه‌های مهم جهاد تبیین و جهاد تبلیغ، تبیین و تبلیغ مسائل مهم روز بر پایه معارف اسلامی و فقه است. از این رو به نظر می‌رسد ائمه محترم جمعه و جماعات و مبلغان گرامی لازم است به سوژه‌هایی از موضوعات انتخابات برای مردم بپردازند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف) ریشه انتخابات در معارف اسلامی

انتخابات در نظام مقدس جمهوری اسلامی، چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی و چه انتخابات شورای شهر و روستا، ریشه در معارف اسلامی، آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، فقه و مسائل شرعی دارد. مبلغان گرامی می‌توانند ابعاد معارفی انتخابات را بیان کنند. در این مجال، از برخی واژگان مرتبط با انتخابات به اجمال بحث می‌شود:

انتخاب

یکی از سوژه‌ها و واژه‌های مرتبط با موضوع انتخابات واژه «انتخاب» است. خدای تبارک و تعالی انسان را موجودی انتخابگر اما مسئول آفریده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۱؛ «ما راه را به او نشان دادیم؛ یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس»؛ «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»^۲؛ «و آیا او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم [تا راه خیر را برگزیند و راه شر را واگذارد؟!]

الف) انتخاب و هویت انسان

انتخاب ریشه در هویت انسانی دارد. انتخاب چه در حوزه زندگی فردی و چه در حوزه زندگی اجتماعی و سیاسی هویت انسان را تشکیل می‌دهد؛ از انتخاب در حوزه زندگی فردی مانند انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل، انتخاب همسر، انتخاب لباس و انتخاب سبک زندگی و... گرفته تا انتخاب در عرصه زندگی عمومی مانند انتخاب شهر و محله زندگی و انتخاب مشارکت کردن یا مشارکت نکردن در انتخابات.

انسان موجودی است انتخابگر. خداوند تبارک و تعالی هم برای رشد و کمال انسان انتخاب را الزامی کرده است تا انسان خوب انتخاب کند و برای اینکه خوب انتخاب کند، به دو مؤلفه دیگر نیاز دارد:

توجه به اهداف آفرینش و خلقت؛

توجه به توانمندی‌هایش.

انتخاب انسان براساس توانمندی‌ها و توجه به اهداف خلقت باید آگاهانه و مسئولانه باشد. آزادی انتخاب بر پایه بندگی خداوند متعال انسان را به کرامت می‌رساند.

۱. انسان/۳.

۲. بلد/۱۰.

بنابراین مبلغان گرامی در راستای همین هويت و انتخابگري، ده‌ها آيه و روايت را مي‌توانند ذکر کنند و اصل جايگاه انتخاب را در زندگي فردي و اجتماعي مردم بيان کنند.

ب) جايگاه انتخاب در نظام سياسي اجتماعي اسلام

ممکن است بعضي فکر کنند که اين صندوق رأی مثل صندوق رأی است که در غرب يا شرق وجود دارد و با گردش ثروت و قدرت، افراد زرنگي سر کار مي‌آيند و بعد ممکن است بد عمل کنند و براي مردم خدمت نکنند و بگويد «من که در انتخابات سابق عملکرد نامناسبشان را ديده‌ام، چرا بايد به اين‌ها رأی بدهم و در انتخابات شرکت کنم؟!»

در اسلام، به‌ويژه مکتب تشيع که مبتنی بر امامت الهی و در عصر ما هم مبتنی بر ولايت فقيه است، انتخابات چه معنایی دارد؟!

ممکن است در ذهن مخاطبان مؤمن ما اصل جايگاه انتخابات را در نظام سياسي اجتماعي بخواهند زير سؤال ببرند. پاسخ مي‌دهيم که انتخابات در نظام جمهوري اسلامي از متن آموزه‌هاي اسلام ناب محمدي ﷺ و از متن مکتب اهل بيت  برخاسته و نظام ما مردم‌سالاري اسلامي است. مردم‌سالاري اسلامي دو مؤلفه دارد: اقامه دين؛ حضور مردم در صحنه.

بنابرين حضور مردم در صحنه و کمک آن‌ها براي اقامه دين و ارزش‌هاي اسلامي يکي از جلوه‌هاي اصلي انتخابات است که مي‌طلبد از اين منظر بر حضور حداکثري تأکيد شود.

ج) صبغه ديني انتخاب

در آيات و روايات اطلاق و عموماتي وجود دارد که به انتخابات صبغه ديني مي‌دهد: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ «يکديگر را بر انجام دادن کارهاي خير و پرهيزکاري ياري کنيد و يکديگر را بر گناه و تجاوز ياري نکنيد و از خدا پروا کنيد که خدا سخت کيفردهنده است.»

يکي از مصداق‌هاي تقوا انتخابات است؛ زيرا با مشارکت در يک امر عمومي، به اجرائي

اسلام کمک می‌کنیم؛ به بسترسازی برای تحقق اهداف اسلام کمک می‌کنیم؛ به ولی فقیه کمک می‌کنیم؛ به مردم و میدان‌داری ارزش‌ها کمک می‌کنیم.

﴿تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ﴾^۱ «کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق و شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

یکی از جلوه‌های توصیه به حق و صبر، انتخاب آگاهانه برای حل مشکلات مردم و خدمت به آنان و تحقق حاکمیت دین اسلام و پیشرفت و عدالت در همه کارهاست.

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^۲ «آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را بر پا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند.»

یکی از صفات مؤمنین مشورت کردن است. در این آیه شریفه «امر» یعنی «امر عمومی، نه امر خصوصی». یکی از جلوه‌های معاصر شورای عمومی این است که مردم از طریق صندوق انتخابات عده‌ای را برمی‌گزینند.

انتخاب، در تاریخ سابقه دارد: در بیعت عقبه دوم ۷۵ نفر با پیامبر ﷺ بیعت کردند که جان و مالشان را فدای اسلام کنند و اسلام را تبلیغ کنند. سپس پیامبر ﷺ فرمودند ۱۲ نفر نقیب از میان خود انتخاب کنند؛ یعنی همان ۷۵ نفر ۱۲ نفر نقیب انتخاب کردند. بعد فرمودند: تحت امر این نقبای دوازده‌گانه به مدینه بروید. خانه به خانه، محله به محله، عشیره به عشیره اسلام را تبلیغ کنید و هرگاه اهل مدینه آماده شدند، آمادگی‌تان را اعلام کنید تا من نیز از مکه به مدینه هجرت کنم. بنابراین هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه بر پایه تشکیلات اسلامی و انتخاب بود.

در ادامه که کارشان جلو رفت، از پیامبر ﷺ خواستند مبلغی بفرستد. حضرت

۱. عصر/۳.

۲. شوری/۳۸.

مصعب بن عمیر را فرستادند و او اولین نماز جمعه را آنجا اقامه کرد.

بیعت

یکی دیگر از سوژه‌های مرتبط با بحث انتخابات موضوع بیعت است. بیعت یک جلوه قدیم دارد و یک جلوه جدید. جلوه قدیمش این است که بیعت‌کننده خدمت امام و رهبر مسلمین می‌آید و صیغه بیعت را می‌خواند؛ اما جلوه جدیدش اعلام وفاداری و پای کار اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام ایستادن از طریق صندوق انتخابات است. گاهی حضور مردم در صحنه از طریق شرکت گسترده و دشمن‌شکن راهپیمایی ۲۲ بهمن است و گاهی با راهپیمایی روز قدس. بنابراین حضور مردم در صحنه‌های مختلف، نوعی رزمایش فقهی حقوقی و اعلام تأیید نظام اسلامی و رهبری و قانون اساسی است.

بنابراین ... حضور در انتخابات تنها بحث اشخاص مطرح نیست؛ بحث نظام اسلامی است. از این رو به فرض اینکه کسی گلایه‌ای هم از کاندیدایی دارد، دلیل نمی‌شود در انتخابات شرکت نکند.

شورا

یکی دیگر از سوژه‌های مرتبط با بحث انتخابات در معارف دینی، موضوع «شورا» است. مشورت گرفتن از مردم ممکن است بعد مشورت نظام با مردم باشد؛ یعنی مردم برای مسائل امنیتی یا مدیریتی به منظور پیشبرد اهداف متعالی نظام، نمایندگان خود را معرفی می‌کنند. نمایندگان هم پس از انتخاب می‌کوشند کارها را پیش ببرند. البته انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس خبرگان ممکن است دلایل دیگری نیز داشته باشد. مثلاً مجلس خبرگان اولین پستوانه مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی و در واقع پشتیبان و حامی ولایت فقیه است؛ مجلسی مشکل از ۸۸ مجتهد عادل، باتقوا، ذی نفوذ و مردمی که لنگرگاه اطمینان مردم‌اند برای سلامت نظام اسلامی و سلامت حرکت نظام با هدایت‌ها، حمایت‌ها و نظارت عالی شخص ولی فقیه.

فلسفه وجود مجلس خبرگان نیز به سیره عقلا و سیره مشرعه‌ای برمی‌گردد که معمولاً از آغاز عصر غیبت کبری تاکنون در تعیین مرجعیت و انتخاب مرجعیت با مراجعه به اهل خبره صورت می‌گرفته است. بنابراین تشخیص مرجع همان سیره عقلایی است که به انتخاب خبرگان و مجلس خبرگان تبدیل شد تا بتواند ولی فقیه را تشخیص دهد. بنابراین کسی که در انتخابات مجلس خبرگان شرکت می‌کند، در واقع در شکل‌گیری و نیز در سلامت نظام اسلامی و همراهی با ولی فقیه مشارکت کرده است.

جهاد

جهاد موضوع دیگری از سوژه‌های مرتبط با بحث انتخابات و دارای چهار مؤلفه است و هر چهار مؤلفه‌اش در انتخابات نیز هست:

مؤلفه اول: تبدیل ضعف به قدرت، و تهدید به فرصت. مردم از طریق صندوق رأی، قدرت تولید می‌کنند و در مقابل دشمنان امنیت می‌آفرینند و تهدیداتشان را به فرصت تبدیل می‌کنند.

مؤلفه دوم: مسائل عمومی و نفی مفاسد عمومی. انتخابات حرکت ملت در جهت تحقق مصالح عالی نظام و مردم و مقابله با مفاسد عمومی یعنی اقتدار ملی، امنیت ملی، انسجام ملی، عزت ملی، کرامت ملی، پیشرفت و عدالت عمومی و... است که همه در سایه انتخاباتی آگاهانه محقق می‌شود.

مؤلفه سوم: مقابله با دشمن، تضعیف، قهر و عصبانیت دشمن. شرکت در انتخابات یک جهاد و مقابله سیاسی با دشمن است؛ زیرا دشمنان اسلام، دشمنان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و دشمنان ایران اسلامی همه همت و تلاش خود را به کار می‌بندند تا مردم را از این نظام جدا سازند و حضور مردم که خود «عمل صالح»ی است، آن‌ها را به شدت عصبانی می‌کند و عصبانیت دشمن در حکم جهاد با اوست: ﴿لَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ

تَبَيُّلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛^۱ «در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد قدم نمی گذارند و از هیچ دشمنی انتقام نمی گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی رسند] مگر آنکه به پاداشِ هریک از آنان عملِ شایسته‌ای در پروندهٔ آنان ثبت می شود؛ چراکه خدا پاداشِ نیکوکاران را تباہ نمی کند.»

یکی از میدان‌هایی که دشمنان به آن امید دارند جنگ ترکیبی است. در این جنگ رسانه‌ای هدف تضعیف روحیهٔ ملت و ایجاد یأس و ناامیدی در مردم است که مردم با شرکت در انتخابات عکس خواستهٔ دشمن عمل خواهند کرد.

مؤلفهٔ چهارم: تحت امر و هدایت‌های امام. انتخابات تأکید حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام است و ایشان ادارهٔ نظام را متکی به انتخابات می دانند.

بنابراین همهٔ مؤلفه‌های جهاد، یعنی تولید قدرت، تولید امنیت، تولید عزت، تولید همبستگی، وحدت در مشارکت حداکثری، و تضعیف دشمن، عمل به اوامر رهبری در انتخابات نیز هست. پس می‌توانیم انتخابات یک جهاد سیاسی است و جهاد سیاسی هم از مصداق‌های جهاد کبیر است.

حق و تکلیف

یکی دیگر از سوژه‌های سخن در باب انتخابات، موضوع حق و تکلیف است. شرکت در انتخابات یک حق است؛ یعنی افراد آزادند و می‌توانند شرکت بکنند یا شرکت نکنند؛ اما اگر اکثر مردم در انتخابات شرکت نکنند و ادارهٔ نظام به دست افراد فرصت طلب و منفعت طلب بیفتد، منابع و منافع عمومی پایمال خواهد شد و پایمال شدن منافع و منافع عمومی خلاف شرع است. بنابراین اکثر مردم باید در انتخابات شرکت کنند تا ادارهٔ نظام دست اقلیت نیفتد. بنابراین علی‌رغم اینکه حق است و افراد آزادند، اما با مشارکت حداکثری است که

۱. توبه/۱۲۰.

این حق در مسیر منافع عمومی شکل می‌گیرد و پیش می‌رود. در برخی کشورها برای اینکه نظام سیاسی دست اقلیت نیفتد، انتخابات را اجباری می‌کنند. حداقل در ۲۲ کشور انتخابات اجباری است: ترکیه، آرژانتین، بلژیک، استرالیا، سوئیس، بولیوی و...^۱ یعنی مردم باید پای صندوق بیایند و اگر نیایند، جریمه می‌شوند و محرومیت‌های اجتماعی در انتظارشان است.

شرکت در انتخابات در کشور ما هم حق است و هم تکلیف؛ یعنی یک حق عمومی است و هیچ‌کسی را نمی‌توان از آن محروم کرد، و هم یک تکلیف عمومی، تکلیف شرعی، وظیفه دینی و وظیفه سیاسی اجتماعی است.

مبنای تکلیف سیاسی اجتماعی نیز حفظ نظام اسلامی و توجه به حقوق عمومی ملت است و هم‌افزایی در تحقق مصالح عمومی و اقتدار و امنیت عمومی و هم‌افزایی در مسیر پیشرفت و عدالت یک تکلیف عمومی است.

در تکلیف عمومی در اصطلاح حقوقی می‌گویند: «امر جامع». امر جامع همان «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ»^۲ است که مصداق آن نماز جمعه، نماز عید فطر و قربان، و غدیر است؛ حج بیت‌الله الحرام است؛ جهاد فی سبیل الله است؛ امر به معروف و نهی از منکر عمومی و اهتمام به امور مسلمین است. شرکت در انتخابات یک امر به معروف عمومی است، و نهی از تحریم انتخابات نهی از یک منکر عمومی است. بنابراین چه از نگاه دینی و معارفی و چه از نظر حقوقی و قانون اساسی (اصل ۶) اداره نظام براساس رأی عمومی است.

حق الناس عمومی

یکی دیگر از سوژه‌های مرتبط با بحث انتخابات موضوع حق الناس است.

۱. خبرگزاری تسنیم؛ ۲۲ کشوری که قانون "رای‌گیری اجباری" دارند!، مورخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۸.
 ۲. نور/۶۲: مؤمنان فقط آنان‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی که بر سر کار مهمی [که طبیعتاً مردم را گرد هم می‌آورد] با پیامبر ﷺ باشند، تا از او اجازه نگیرند [از نزد او] نمی‌روند.

انتخاب کردن یک حق الناس عمومی است که متولیان امر انتخابات، اعم از هیئت‌های اجرایی و نظارتی، باید آن را رعایت کنند و بکوشند انتخابات سالم برگزار شود؛ زیرا سرنوشت همه مردم به این امر گره خورده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام با تأکید بر مسئله «حق الناس» در انتخابات فرمودند: «انتخابات حق الناس است. این حق الناس امر مهمی است. خب در زبان‌ها هم زیاد تکرار می‌شود که فلانی گفته انتخابات حق الناس است و حق الناس است و مدام تکرار می‌شود؛ منتها خب [باید] به عمق این حق الناس برسیم. معنای حق الناس بودن این نیست که فقط آن کسی که پای صندوق نشسته است باید این حق الناس را رعایت کند که مثلاً فرض کنید آرا را عوضی نخواند یا کم‌وزیاد نکند. این یکی از مصادیق رعایت حق الناس است. یک مطلب مطلب حق داوطلب است. یکی از حقوق مردم رعایت حق این داوطلبی است که می‌آید و وارد این میدان می‌شود و نامزد انتخابات می‌شود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید. نقطه مقابلش هم همین جور است: اگر چنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم. اگر چنانچه در این مجلس _ حالا چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی، چه در هر جایی که انتخابات هست _ آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در اینجا نداشته باشد و ما از این اغماض کنیم، صرف نظر کنیم، رعایت نکنیم، دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم باطل کردن حق مردم است، خراب کردن حق مردم است، این هم ضد حق الناس است. یکی از ابعاد دیگر حق الناس بودن حفظ امانت است. آن کسانی که آرا را در اختیار دارند، آن کسانی که آرا را می‌شمرند، آن کسانی که ثبت می‌کنند و گزارش می‌کنند، آن کسانی که جمع می‌بندند و خلاصه آن کسانی که اداره صندوق‌ها به عهده آن‌هاست، باید کمال امانت را رعایت کنند؛ یعنی در این زمینه‌ها اندک تخلفی خیانت‌درامانت است.

یک بُعد دیگر حق الناس بودن پذیرش نتیجه قانونی انتخابات است؛ [یعنی] وقتی که به یک نتیجه‌ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند که این است، پذیرش این نتیجه [حق الناس است]؛ ضد آن کاری که در سال ۸۸ انجام شد. خب در سال ۸۸ یک حرف منکر و مستتگری

را آمدند مطرح کردند که تقلب شده است و باید این انتخابات بر هم بخورد. حالا مردم چقدر شرکت کردند؟ چهل میلیون! چهل میلیون [نفر از] مردم شرکت کردند در یک انتخاباتی و رأی دادند به کاندیداهای مختلف، نامزدهای مختلف. این آقایان به ادعای تقلب [این را گفتند]. البته بنده با این‌ها خیلی مماشات کردم _ حالا کارهای جزئی‌ای که انجام گرفت، طولانی است _ مماشات کردیم، حرف زدیم، گفتیم بیایید بگویید بروند صندوق‌ها را نگاه کنند، هر تعداد صندوقی که شما می‌خواهید. اعتنا نکردند، گوش نکردند. بنا بر این نبود که زیر بار این حرف حق بروند. زیر بار حرف حق نرفتند و برای مملکت خسارت درست کردند. من نمی‌دانم بنا است که این خسارت‌هایی که در سال ۸۸ بر ما وارد شد کی جبران بشود! واقعاً نمی‌دانم! هنوز جبران نشده. این هم یکی، که نتیجه انتخابات را همه پذیرند.

یک مسئله دیگر رعایت حق در سیاهه‌های پیشنهادی است. این سیاهه‌هایی که پیشنهاد می‌کنند، فهرست‌هایی که برای نامزدها می‌دهند، آن کسانی که این فهرست‌ها را می‌دهند، واقعاً رعایت حق را نکنند. مسئله رفیق‌بازی و جناح‌بازی و مانند این چیزها را دخالت ندهند و نگاه کنند ببینند که چه کسی واقعاً شایسته است. آن کسی را که شایسته است بگذارند و به مردم معرفی کنند. این هم یک بخش و یک بُعد از رعایت حق الناس است.

یک بُعد دیگر این است که مردمی که می‌خواهند رأی بدهند، اعتماد کنند به آن مجموعه‌هایی که واقعاً قابل اعتمادند. بعضی‌ها هستند که قابل اعتماد نیستند؛ *«كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ»*^۱. گاهی این جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه‌مندی به انقلاب [باشد] _ اساس کار انقلاب است _ و از روی علاقه‌مندی به انقلاب بیایند یک فهرست پیشنهادی را بدهند. نه، روی مقاصد دیگر _ گاهی اوقات مقاصد فاسد _ پیشنهادهایی می‌دهند. مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرست‌هایی را که پیشنهاد شده است، از کجا پیشنهاد شده، از طرف چه کسی پیشنهاد شده. آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینان‌اند، قابل

۱. انعام/۷۱: مانند کسی که شیاطین عقلش را ربوده‌اند.

اعتمادند انتخاب بکنند.»^۱

استحکام نظام و اعتبار کشور

سوژه سخن بعدی در خصوص انتخابات، موضوع استحکام نظام و اعتبار کشور است. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «هرچه جمعیت بیشتر در انتخابات شرکت کند، استحکام نظام و اعتبار کشور بالاتر خواهد رفت؛ هرچه بیشتر مردم شرکت کنند، اعتبار نظام بالا خواهد رفت؛ چون نظام نظام مردمی است و واقع قضیه این است که متکی به عواطف مردم و احساسات مردم و انتخاب مردم و خواست مردم است.»^۲

مشارکت حداکثری در اعتلا و شکوفایی مادی و معنوی یک کشور مؤثر است و باعث عزت و اقتدار ایران می‌شود.

ایران در تاریخ خودش سه مرحله را پشت سر گذاشته است:

الف) دوران باستان: در این دوران مردم نقشی نداشتند؛

ب) دوره بعد از اسلام تا پیروزی انقلاب: در این دوره ایران استبدادزده و استعمارزده و وابسته بود؛

ج) دوره انقلاب اسلامی: در این دوره مردم صاحب کار شدند.

تنها دوره‌ای که مردم در اداره کشور نقش آفرین بوده‌اند همین دوره است که در قالب انتخابات در صحنه حضور داشته‌اند. به دلیل داشتن روحیه حکمت، معنویت، همبستگی، بیگانه‌ستیزی، استقلال‌خواهی، عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، تمدن‌سازی و... و با وجود رهبری تمدنی در بُعد و تراز امام راحل علیه السلام و بعد از آن مقام معظم رهبری علیه السلام است که ملت ایران برای تحقق بیشتر این روحیه‌های متعالی باید با انتخاباتی قوی به سمت تمدن نوین پیش روی خود

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، مورخ: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.

۲. همان.

حرکت کند.

امام و شهیدا

بعد دیگر انتخابات که مبلغان می‌توانند در آن زمینه کار کنند، بعد مربوط به امام و شهیداست. مروری بر وصایای شهیدا با موضوع انتخابات، بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام و بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی علیه السلام یکی از بهترین منابع برای انتخاب «اصلاح» است. وصیت‌نامه شهیدا حاوی مهم‌ترین درس‌های زندگی برای همه قشرهای جامعه، به‌ویژه جوانان است. انتشار این وصیت‌نامه‌ها در فضای مجازی، مدارس و دانشگاه‌ها سبب ترویج فرهنگ جبهه و دفاع مقدس و ایجاد تحول و بهبود مشکلات در حیطه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی خواهد شد.

شهید ملک‌حسین اسدی نوشته است: «با اخلاص در انتخابات شرکت و از خون شهیدان پاسداری کنید.»

در وصیت‌نامه شهید مهدی جعفری می‌خوانیم: «از مردم غیور و شجاع می‌خواهم که در مسائل سیاسی و انتخابات وارد شوند و نگذارند ولایت فقیه و روحانیت در خط امام مظلوم واقع شوند.»

شهید حسن استرون از مردم درخواست کرده است که «مردم کاری کنند نمایندگان صالح و پاک و از خود مردم باشند». همچنین شهید حسن باقری نوشته است: «بدانید هر رأی که شما به صندوق می‌ریزید، مشت محکمی است که به دهان ضدانقلاب و دشمنان آمریکایی می‌زنید و یک قدم آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی می‌کنید.»

شهید سیدعلی اعتصامی پیغام داده است: «ای امت شهیدپرور، حالت انقلابی و مذهبی خودتان را حفظ کنید و در صحنه انتخابات شرکت فعال داشته باشید و صحنه را ترک نکنید که

این خواستِ دشمن است.^۱

۱. «استدلال شهدا برای مشارکت در انتخابات»، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، کد خبر: 1400030805746.



سوژه‌های سخن (شاخصه‌های نماینده اصلح) !.....

محمدرضا نیکوکلام

یکی از موضوعات خطرناکی که محیط خانواده‌ها و جامعه را دچار لطمه می‌کند و شرایط زندگی در آرامش و صمیمیت را با چالش جدی مواجه می‌سازد و نیز اعتماد افراد را نسبت به یکدیگر سلب می‌کند، عدم صداقت است. چه بسا دلیل تعداد بسیاری از اختلافات خانوادگی و طلاق‌ها در سطح کشور که افراد، خصوصاً بچه‌ها را درگیر مشکلات می‌سازد، همین موضوع است که سالیانه هزینه‌هایی اضافی را بر بیت‌المال تحمیل می‌کند.

گاهی در زمان خواستگاری زوجین حرف‌هایی می‌زنند و وعده‌هایی می‌دهند که پس از چندوقت زندگی مشترک، مشخص می‌شود دروغ گفته‌اند. چنین زندگی‌هایی که بر پایه دروغ بنا می‌شوند، همچون تار عنکبوتی است که قوام و استحکام ندارد. متأسفانه برخی افراد نسبت به کبیره بودن گناه دروغ‌گویی توجهی ندارند و از عاقبت شوم و عذاب‌های دردناک روز رستاخیز ذره‌ای ترس و دلهره به دل راه نمی‌دهند و بیش‌تر درصدد رسیدن به خواسته‌های مادی

خود هستند تا در نظر گرفتن ملاک‌های درست زندگی و بندگی کردن.

باید توجه داشت که راست‌گویی و صداقت فقط یک اصل اسلامی نیست؛ بلکه اصل انسانی نیز هست که در تمام ملل و نحل ثابت و تأیید شده است. در همه جای دنیا و نزد همه مردم، با هر نوع سلیقه و باوری، انسان‌های راست‌گو افراد مورد قبول و با اعتمادتری هستند و اطمینان‌خاطر افراد در تعامل با آنان بیش‌تر است. بنابراین، صداقت یک فن و مهارت بین‌المللی است که آرامش و خوشبختی زندگی فردی و ملی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. اگر بخواهیم این موضوع را کمی مصداقی‌تر و به‌روزتر بررسی کنیم، مثلاً بین همسران، اصل اولیه این است که براساس واقعیت‌ها و صداقت با یکدیگر تعامل کنند؛ چراکه اگر از اعتماد حاصل از صداقت، کاسته شود، زمینه‌ساز بروز گرفتاری‌های مختلفی، همچون: بدبینی، بی‌محبتی، تنش، استرس‌های بیماری‌زا، اضطراب و در نهایت، تنفر از یکدیگر می‌شود.

پدر و مادری که اهل صداقت باشند و به فرزندان خود از لحاظ گفتاری و عملی راست‌گویی را آموزش دهند، خروجی این تربیت صحیح در زندگی فردی و اجتماعی و نیز آینده خود و فرزندان‌شان اثرات مطلوبی خواهد گذاشت. فراموش نکنیم که در کشتزار زندگی، هرچه بکاریم، همان را درو می‌کنیم. فرزندان و همسر ما مانند همان مزرعه‌ای هستند که مسئولیت رشد و پرورش آنان بر عهده ماست. اگر صداقت بکاریم، اعتماد، شفافیت و آرامش درو می‌کنیم و اگر صداقت نباشد، آفت بی‌اعتمادی و نگرانی، زندگی ما را جهنم خواهد کرد.

موضوع راست‌گویی و صداقت را از چند بُعد می‌توان بررسی کرد و گاه این ابعاد در مصداق مشترک هستند. گاهی راست‌گویی در اعتقادات است؛ به این معنا که نباید خلاف اعتقادات صحیح عمل کنیم. شبیه کسانی که در ماجرای غدیرخم با امیرالمؤمنین علیه السلام در محضر خدا و مقابل دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کردند؛ اما حدود ۷۰ روز بعد، همین‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، علم دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام را برافراشتند و طبق عقیده‌ای که صحیح بود، عمل نکردند، در نتیجه امام را خانه‌نشین کردند و همسرش را به شهادت رساندند.

اما در مقابل، قرآن می‌فرماید: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾؛^۱ «بعضی از اهل ایمان بزرگ‌مردانی هستند که به عهد خود با خداوند صادق می‌مانند و بعضی به شهادت رسیده، بعضی انتظار شهادت می‌کشند و هیچ‌گاه تغییر روش نمی‌دهند».

هستند مردمانی، در بین اهل ایمان کز پیش با خداوند، بستند عهد و پیمان

دومین نوع از صداقت، راست‌گویی در گفتار است. کلامی صادق است که مطابق با واقع باشد، وگرنه کذب نام دارد. متأسفانه برخی از مردم، گاه به اسم شوخی یا خالی‌بندی، دروغ می‌گویند و فکر می‌کنند مرتکب گناهی نشده‌اند و این درحالی است که در گنجینه عظیم روایات شیعه چنین نیست. از جمله امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «اتَّقُوا الْكُذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَ الْكَبِيرَ، فِي كُلِّ جِدِّ وَ هَزَلٍ، فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ»؛^۲ از دروغ کوچک و بزرگ، جدی و شوخی بپرهیزید؛ زیرا هرگاه انسان در امور کوچک دروغ بگوید، به گفتن دروغ بزرگ نیز جرأت پیدا می‌کند».

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّىٰ يَتْرُكَ الْكُذِبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّهُ»؛^۳ هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر این‌که دروغ را، چه شوخی و چه جدی، ترک کند». یکی دیگر از مثال‌های دروغ‌گفتاری، زمانی است که انسان وعده انجام کاری را بدهد؛ اما خُلف وعده کند. مانند زمانی که مردم کوفه به‌صورت مکتوب و شفاهی از امام حسین علیه السلام دعوت کردند که به کوفه بیاید؛ اما وقتی که حضرت به خاطر درخواست آنان حرکت کرد، آن‌ها صادقانه عمل نکردند و کوتاهی آنان باعث حادثه کربلا شد.

سومین مصداق صداقت، راست‌گویی در عمل است؛ این‌که رفتار نیز خالی از دروغ باشد. در فقه آمده است که گاهی سخن، دروغ است و گاهی فاعل اهل دروغ و به‌عبارت دیگر،

۱. احزاب/ ۲۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۳۴۰؛ الوافی، ج ۴، ص ۲۷۰.

فعل قول را تصدیق نمی‌کند. آن کاسبی که به اسم جنس خوب، جنسی ضعیف می‌دهد، میوه‌فروشی که روی بارش با زیر بارش فرق می‌کند و... همگی خلاف صداقت رفتار کردن است.

گاهی عدم صداقت زندگی یک یا چند خانواده را به هم می‌زند و گاهی مردم یک کشور را دچار بدبینی و آسیب می‌کند. مثل زمانی که در بدنهٔ جناح‌های رسمی کشور و مسئولین حکومتی، افرادی خلاف واقع رفتار کنند. گاهی برخی از آنان هر سه مورد از عدم صداقت؛ یعنی کذب در اعتقادات، گفتار و رفتار را مرتکب می‌شوند که وای به حال چنین کارگزارانی؛ چراکه مغضوب درگاه پروردگار خواهند بود.

اگر افراد یک جامعه را در نظر بگیریم، مخصوصاً کسانی که در جایگاه بالاتر و کسوت‌های حساس اجتماعی و ملی نقش‌آفرینی می‌کنند، اگر اهل صداقت باشند، گویا بذر گل کاشته و جامعه را گلستان می‌کنند؛ اما اگر بذر دروغ و عدم شفافیت بکارند، جامعه را دچار ناامیدی می‌کنند.

باید هوشیارانه توجه داشته باشیم که در ایام مهم و سرنوشت‌ساز انتخابات، برای پیشرفت و تعالی جامعهٔ دینی و تمدنی ایران، افرادی را که مدعی خدمت به مردم هستند، دقیق ارزیابی و رصد کنیم؛ مبدا کسانی را که وعده‌های خلاف واقع می‌دهند و عملکرد یا اعتقادات کاذبی دارند، انتخاب کنیم. عده‌ای شعار خدمت به مردم را بر زبان می‌آورند؛ اما در عمل دروغ‌گویی بیش نیستند. مثلاً فراتر از توان خود قول می‌دهند یا وعده‌هایی می‌دهند که اصلاً در حیطهٔ اختیارات‌شان نیست.

در پایان به دو نکتهٔ مهم اشاره می‌کنیم که نمایندگان و کاندیداهای محترم باید به آن توجه کنند: اول این‌که سعی شود از همان ابتدایی که پای در عرصهٔ رقابت با افراد دیگر و خدمت به مردم می‌گذارید، تا انتهای فعالیت خود به این آیه عمل کنید و آن را نصب العین خود قرار دهید تا همیشه در مقابل دیدگانتان باشد: ﴿رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ

لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا^۱؛ «و بگو: پروردگارا! مرا در آغاز کارها با صداقت وارد کن و در پایان کارها با صداقت خارج فرما و از جانب خود برای من دلیلی نصرت‌آور قرار ده!» پس هیچ کار فردی و اجتماعی را جز با صدق و راستی آغاز نکنید و هیچ برنامه‌ای را جز به راستی پایان ندهید. اگر کسی این‌گونه معتقد بود و عمل کرد، یقیناً موفق خواهد بود.^۲

دومین نکته این‌که توجه بدانیم اگر اهل صداقت باشیم، خداوند در قیامت در سنجۀ اعمال، میزان راست‌گویی‌ها را ارزیابی می‌کند، چنان‌که می‌فرماید: ﴿لَيْسَ لِلصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۳ «تا از صداقت راست‌گویان سؤال کند و برای کافران عذاب دردناکی آماده ساخته است».

۱. اسراء / ۸۰.

۲. البته یکی از فواید خواندن این آیه آن است که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا دَخَلْتَ مُدْخَلًا تَخَافُهُ فَاقْرَأْ هَذِهِ آيَةَ: رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقِي وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقِي وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا؛ هرگاه وارد جایی شدی که می‌ترسی، این آیه را بخوان و هرگاه کسی را که از او می‌ترسی، دیدی، آیه الکرسی بخوان.» وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۴۷.

۳. احزاب / ۸.



ارزش‌های اسلامی گمشده در انتخابات

مصطفی اسکندری

اشاره^۱

انقلاب اسلامی به انگیزه و باهدف براندازی نظام طاغوتی حاکم بر ایران و جایگزینی نظامی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی رخ داد تا بتواند الگویی برای مردم مسلمان دیگر کشورها باشد. ازجمله اهداف این انقلاب سالم‌سازی رقابت‌های انتخاباتی بود؛ به‌نحوی که هریک از نامزدها و هواداران آن‌ها در تبلیغات تنها به ذکر محاسن و صلاحیت‌ها و توانایی‌های خود پردازند و از تعرض به دیگران و تبلیغ ضد آنان خودداری کنند؛ همچنان که خود را موظف به پرهیز از اسراف و تبذیر در تبلیغات و توسل به خدعه و نیرنگ و فریب برای جمع‌آوری رأی سازند. اما برخلاف انتظار درگذر زمان، تبلیغات انتخاباتی فاصله‌ای وسیع و عمیق با ارزش‌های اسلامی پیدا کرد و روزه‌روز رنگ‌وبوی پروپاگاندای^۲ غربی بر آن نمایان شد؛ تا جایی که بین

۱. ماهنامهٔ مبلغان، مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ، شماره ۲۶۴.

۲. پروپاگاندا در لغت به معنای تبلیغات است و در معنای اصطلاحی عبارت است از: کوشش برای ترویج نظرات خاص سیاسی از طریق بیان واقعیات با گزارش‌های غیر واقعی به قصد تأثیر گذاشتن بر ذهن مخاطب و ترغیب به رفتار خاص. این عمل بوسیله دولت‌ها و ←

این تبلیغات با آنچه در نظام‌های منحط دموکراسی غربی هست، تمایزی یافت نمی‌شود. این مقاله گذری اجمالی بر پاره‌ای از ارزش‌های اسلامی مغفول در انتخابات است. ارزش‌های گمشده در انتخابات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اول، ارزش‌هایی که مورد غفلت نامزدها و هواداران و رأی‌دهندگان قرار می‌گیرد؛ دوم، ارزش‌هایی که مورد بی‌توجهی نامزدها و کسانی که خود را در معرض انتخاب شدن قرار می‌دهند، قرار می‌گیرد؛ سوم، ارزش‌هایی که مورد غفلت هواداران و کسانی که با رأی خویش آنان را انتخاب می‌کنند، قرار می‌گیرد.

ارزش‌های مغفول مشترک بین نامزدها و هواداران

مهم‌ترین ارزش‌های مورد غفلت نامزدها و رأی‌دهندگان را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. ترجیح آخرت بر دنیا

انسان برای این دنیا آفریده نشده و این دنیا سرای موقت است و زندگی حقیقی در سرای دیگر است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ «این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. ای کاش می‌دانستند».

براین اساس اسلام درعین حال که مردم را به ترک دنیا دعوت نمی‌کند، آنان را از دل‌بستگی به دنیا منع، و آنان را به ترجیح جنبه‌ی اخروی تشویق می‌کند. شعار اسلام این است: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا

احزاب و گروه‌ها صورت می‌گیرد و هدف اصلی آن جهت‌دهی افکار عمومی و القاء اندیشه‌ها و افکار خاص و مقبولیت بخشی عملکردها در نزد توده‌های مردم و افکار جهانیان است.

۱. عنکبوت / ۶۴.

أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْتَسِ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا.^۱ خداوند متعال انسان‌ها را از هم‌نشینی با دنیاخواهانی که از خدا و آخرت روی برگردانده‌اند، منع کرده و آنان را کسانی معرفی کرده که سطح معرفتی پایینی دارند: ﴿فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ دِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾^۲؛ «پس، از هرکسی که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است». درمقابل، کسانی را ستایش می‌کند که آخرت را ترجیح می‌دهند و می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ * إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِي الدَّارِ * وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ﴾^۳؛ «و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند، به یاد آور. ما آنان را با موهبت ویژه‌ای - که یادآوری آن سرای بود - خالص گردانیدیم و آنان در پیشگاه ما همانا از برگزیدگان نیکان‌اند». بنابراین بر هر انسانی لازم است در دوران امر بین دنیا و آخرت، آخرت را ترجیح دهد.

توجه دادن انسان‌ها به مبدأ و معاد دو اصلی است که سرلوحه دعوت همه انبیای الهی است. اینکه این دنیا سرای جاودانی نیست، اصلی است که گمان نمی‌رود کسی منکر آن باشد. انکاری اگر هست، مربوط به زندگی پس از مرگ و وجود دنیای دیگر است. امری که همه ادیان آسمانی بر حقانیت و حتمیت آن تأکید می‌کنند و همین تأکید ادیان آسمانی بر حتمیت معاد، حداقل لزوم دفع ضرر محتمل را بر هر انسان عاقلی مسجل می‌کند. لذا مسلمان نمی‌تواند وجود زندگی پس از مرگ و رسیدگی به اعمال و رفتار خویش را نادیده گیرد.

معیار اسلام برای سنجش هریک از رفتارهای انسان این است که نسبت آن عمل را با خیر و سعادت آخرت بسنجد و در صورتی که آن عمل با راحت و سعادت در دنیای دیگر تنافی داشته

۱. قصص / ۷۷.

۲. نجم / ۲۹-۳۰.

۳. ص / ۴۵-۴۷.

باشد، آن را ترک کند. رسول خدا ﷺ در سفارشی خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «یا علی شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهِ وَشَرُّ مَنْ دَلَكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ»^۱ یا علی، بدترین مردم کسی است که آخرت خویش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد». این فرمایش حضرت دستورالعملی است که باید در همه جهات انتخابات، اعم از نامزد شدن و تبلیغ کردن و رأی دادن، موردتوجه هریک از نامزدها و هواداران قرار گیرد. نامزدها باید بدانند که رسیدن به یک مقام برای ایامی کوتاه در این دنیا ارزش این را ندارد که آخرتشان را به خاطر آن تباه کنند. این مسئله نسبت به هواداران بدتر است؛ زیرا این‌ها آخرت خویش را نه به دنیای خویش، بلکه به دنیای دیگری می‌فروشند.

۲. عدم تعرض به آبروی دیگران

انسان موجودی است که خداوند درباره‌اش فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۲؛ «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم». این موجود موردتکریم خداوند، کرامتش باید از ناحیه خود انسان نیز پاس داشته شود و پاس داشتن کرامتش بدون پاسداشت آبرویش معنا نخواهد داشت. پاسداشت آبروی آدمی بعد از جان، در دومین مرحله اهمیت قرار دارد. لذا توصیه شده است در صورت لزوم، مال برای حفظ آبرو هزینه شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «حَصِّنُوا الْأَعْرَاضَ بِالْأَمْوَالِ»^۳؛ آبروها را به وسیله مال‌ها حفظ کنید».

آدمی، هم در حفظ آبروی خویش باید کوشا باشد و هم آبروی دیگران را از تعرض مصون نگاه دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة‌البلاغ خطاب به مسلمانان فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقُوا رَبَّكُمْ كَحَزْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا»؛ ای

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۳.

۲. اسراء / ۷۰.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، ص ۸۵.

۴. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۷۳، ص ۳۴۸ و ج ۷۴، ص ۱۱۹ و ج ۲۱، ص ۳۸۰ و ج ۲۳، ص ۱۶۵ و ج ۳۷، ص ۱۱۳.

مردم، خون و آبروی شما بر شما حرام است - تا زمانی که [در قیامت] پروردگارتان را ملاقات کنید - همانند احترام امروز شما در این ماه شما و در این شهر شما؛ زیرا به فرموده امام صادق علیه السلام «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ؛^۱؛ مؤمن از حیث حرمت عظیم‌تر از کعبه است». ایشان عزت یک مؤمن را درگرو حفظ آبروی دیگران می‌داند و می‌فرماید: «شَرَّفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزُّ الْمُؤْمِنِ كَفُّهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ^۲؛ شرف مؤمن در خواندن نماز شب و عزت او در عدم تعرضش به آبروی مردم است». همچنان که ایشان احترام به آبروی دیگران را نشانه کمال ایمان تلقی کرده و فرموده است: «لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ نَقِي الرَّاحَةِ مِنْ دِمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمْوَالِهِمْ سَلِيمِ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ فَلْيَفْعَلْ^۳؛ ایمان هیچ بنده‌ای راست نگردد، مگر قلبش راست شود و قلبش راست نگردد، مگر اینکه زبانش راست شود. بنابراین هرکسی از شما بتواند خدای متعال را در حالی دیدار کند که دامنش از خون و اموال مسلمانان پاک باشد و زبانش از آبروی آنان سالم باشد، باید چنین کند».

در روایات معصومان علیهم السلام، عدم تعرض به آبروی دیگران سبب راحت در قیامت معرفی شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ كَفَّ نَفْسَهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَ اللَّهُ نَفْسَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۴؛ هرکسی نفس خود را از [تعرض به] آبروی مردم نگه دارد، خداوند در قیامت نفس او را می‌بخشد». تعرض به آبروی دیگران سبب گرفتاری در قیامت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلَى قَوْمٍ يَحْمِسُونَ وُجُوهُهُمْ بِأَطْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ^۵؛ شب معراج گذر کردم به

۱. همان، ج ۶۵، ص ۱۶.

۲. الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۴۸۸، ۹.

۳. نهج البلاغه، محمدبن حسین شریف رضی، خطبه ۱۷۵.

۴. الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۰۵، ۱۴.

۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محمدتقی نوری، ج ۹، ص ۱۱۹، ابواب احکام العشرة، باب ۱۳۲، ح ۲۲. مشابه آن، در:

بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۵۴.

گروهی که صورت خویش را با ناخن‌هایشان می‌خراشیدند. گفتیم: ای جرئیل، اینان چه کسانی‌اند؟ گفت: اینان کسانی‌اند که غیبت مردم را می‌کنند و متعرض آبروی آنان می‌شوند». جست‌وجوی عیوب دیگران و پرونده‌سازی برای آنان از گناهان کبیره است و هیچ عملی بدین اندازه در دور کردن انسان از خدا و سوق دادن او به‌طرف کفر تأثیر ندارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يَوَاحِي الرَّجُلَ وَهُوَ يَحْفَظُ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيَعِيرَهُ بِهَا يَوْمًا مَا؛ دورترین حالت بنده به خدا این است که کسی با دیگری برادری [دوستی] کند؛ ولی لغزش‌های او را ثبت [و حفظ] کند تا روزی به‌وسیله آن‌ها او را سرزنش کند». به تعبیر دیگری از امام باقر و امام صادق علیه السلام، «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يَوَاحِي الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَزَلَّاتِهِ لِيَعْتَفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا؛ نزدیک‌ترین حالت بنده به کفر این است که کسی با دیگری به‌عنوان برادر دینی زندگی کند؛ ولی عیوب و لغزش‌های او را گردآورد تا روزی بدان وسیله او را سرزنش کند». این گناه علاوه بر عقوبت اخروی، در همین دنیا نیز عقوبتش رسوایی در پیش مردم است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي بَيْتِهِ؛ ای گروهی که به‌زبان ایمان آورده و ایمان را در قلب خود خالص نکرده، مسلمانان را سرزنش نکنید و اسرار [و عیوب] آنان را پی‌جویی نکنید؛ زیرا کسی که اسرار [و عیوب] آنان را پی‌جویی کند، خداوند اسرار [و عیوب] او را پی‌جوید و کسی که اسرار [و عیوب] او را پی‌جوید، او را رسوا خواهد کرد، گرچه در درون خانه‌اش باشد».

حال باید دید تبلیغات انتخاباتی چه نسبتی با این آموزه‌ها دارد. عده‌ای همواره به دنبال

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۷.

۲. الکافی، ص ۳۵۴، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

جمع کردن مدرک علیه دیگران اند تا در چنین روزی از آن استفاده کنند. اگر احساس کنند کسی رقیب آنان است، از مدت‌ها قبل از انتخابات، دودمان او را به باد می‌دهند. تا کی باید در این حسرت بود که نامزدها و طرفدارانشان تنها به تبلیغ توانمندی‌ها و صلاحیت‌های خود پردازند و متعرض آبروی دیگران نباشند؟ آیا در تبلیغاتی از این دست بویی از ارزش‌های اسلامی یافت می‌شود؟ آیا مرتکبان این‌گونه اعمال می‌توانند صلاحیت تصدی پست و مقام در حکومتی دینی داشته باشند؟

ارزش‌های مغفول نامزدها

ارزش‌های زیر را می‌توان مهم‌ترین ارزش‌هایی برشمرد که نامزدها نادیده می‌گیرند:

۱. نگاه اخلاقی به مسئولیت

دین اسلام حکومت و تصدی مناصب را نه هدف یا وسیله‌ای برای رسیدن به مطامع نفسانی، بلکه امانتی به گردن متصدیان این مناصب می‌داند که در صورت کوتاهی در امانت‌داری یا خیانت در آن وزر و وبالی بسیار سخت و خردکننده در انتظار آنان است. امیر مؤمنان علی علیه السلام، خطاب به اشعث قیس، فرماندار آذربایجان، فرمودند: «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»^۱ فرمانداری برای تو وسیلهٔ آب‌ونان نیست، بلکه امانتی بر گردن توست».

۲. نگاه ابزاری به پست و مقام

بزرگان اسلام به حکومت نگاهی ابزاری داشتند و حکومت را وسیله‌ای برای احقاق حق و ابطال باطل می‌دانستند. عبدالله بن عباس می‌گوید: در منطقهٔ ذی‌قار، به امیر مؤمنان علیه السلام وارد

۱. نهج البلاغه، محمدبن حسین شریف رضی، ص ۳۶۶، خطبه ۵.

شدم؛ درحالی‌که به وصله کردن کفش خود مشغول بود. به من فرمودند: «مَا قِيَمَةٌ هَذَا النَّعْلِ فَقُلْتُ لَا قِيَمَةَ لَهَا فَقَالَ عَ وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا؛^۱ قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: به خدا سوگند، همین کفش بی‌ارزش برای من از حکومت بر شما باارزش‌تر است، مگر اینکه بتوانم [با این حکومت] حقی را به‌پا دارم یا باطلی را دفع کنم».

کسی که چنین دیدی به مسئولیت در حکومت دینی داشته باشد، هیچ‌گاه حاضر نیست برای رأی آوردن به مردم دروغ بگوید یا برای از میدان به درکردن رقیبان به غیبت، تهمت و افترا متوسل شود و یا با صرف هزینه‌های هنگفت به دنبال جلب آرای مردم باشد. مردم باید بدانند کسانی که این‌گونه رفتار می‌کنند، نه به دنبال خدمت به ایشان، بلکه تنها در پی پر کردن جیب خویش‌اند.

۳. برخورداری از صلاحیت لازم

کسی که خود را نامزد انتخابات می‌کند، نه‌تنها باید شرایط لازم را داشته باشد، بلکه باید صالح‌ترین فرد برای این کار باشد؛ در غیر این صورت قدم درراهی گذاشته که در قیامت خود را گرفتار غضب الهی خواهد کرد. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۲ ریاست جز برای اهلش شایسته نیست. پس اگر کسی مردم را به‌سوی خویش بخواند، درحالی‌که در بین آنان کسی داناتر از او [به آن امر] باشد، خداوند در روز قیامت به او نظر نخواهد کرد». چیزی که اسلام از مسلمان معتقد انتظار دارد، این است. حال اگر نامزدها به همین یک نکته توجه کنند، چند نفر حاضر به کاندیداتوری خواهند بود.

۱. همان، ص ۷۶، خطبه ۳۳.

۲. الاختصاص، محمدبن محمد مفید، ص ۲۵۱.

ارزش‌های مغفول هواداران

هواداران و کسانی که با رأی خویش نامزدها را برای تصدی پست و مناصب برمی‌گزینند نیز برخی ارزش‌های اسلامی را نادیده می‌گیرند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. جلوگیری از تأیید صلاحیت افراد ناباب

در هر نظام سیاسی، نهادی وجود دارد که وظیفه تأیید صلاحیت‌های انتخاباتی را بر عهده دارد. آن نهادها برای اطلاع از وضعیت کسانی که نام‌نویسی کرده‌اند، از برخی نهادهای قانونی استعلام می‌کنند؛ اما گاهی ممکن است فردی در آن نهادها سابقه منفی نداشته باشد یا از طریق رابطه موفق به ارائه استعلام مثبت در مورد خود شود. براین اساس بر افرادی که بین خود و خدای خود از سوء سوابق افرادی که نام‌نویسی کرده‌اند، اطلاع دارند، لازم است اطلاعات خویش را در اختیار نهاد نظارت‌کننده قرار دهند. این‌گونه موارد از مستثنیات غیبت است و هیچ مشکل شرعی ندارد. اما گاهی افراد به هر جهتی از چنین کاری سر باز می‌زنند و نتیجه کار آنان راه‌یابی افراد غیر صالح به مناصب و مسئولیت‌هاست.

۲. انتخاب اصلح

تصدی هر یک از مسئولیت‌های کلان در یک نظام سیاسی، تأثیرات فوق‌العاده‌ای در دنیا و آخرت مردم دارد. از این‌رو بر رأی‌دهندگان لازم است فردی را برای این منصب برگزینند که از صلاحیت‌های لازم برای تصدی آن پست برخوردار باشد؛ اما بسیار مشاهده شده که رأی‌دهندگان از این امر غفلت کرده و به افراد ناصالح رأی داده‌اند.

۳. توجه به نتیجه انتخاب

در تبلیغات انتخاباتی، گاهی بلوک‌بندی‌های سیاسی به حدی تأثیرگذار است که افراد بدون اینکه صلاحیت‌های افراد را مدنظر قرار دهند، به تبعیت از بلوک سیاسی خویش،

به فردی رأی می‌دهند که صلاحیت‌های لازم را ندارد یا صلاحیت‌های کم‌تر از نامزد بلوک مقابل است. در بسیاری از موارد، حتی افراد به کسانی رأی می‌دهند که در یک دوره پستی را اشغال کرده و نه تنها تأثیر مثبتی در زندگی مردم نداشته، بلکه زندگی آنان را در بسیاری از زمینه‌ها به تباهی کشانده است؛ اما درعین حال در دور بعدی نیز او را انتخاب می‌کنند.

این‌گونه عمل کردن خلاف ارزش‌های اسلامی است. در روایتی از پیامبر خدا ﷺ آمده است: «مَا وَلَّتْ أُمَّةٌ أَمْرَهَا رَجُلًا وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ يَذْهَبُ سَفَالًا حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَيَّ مَا تَرَكُوا؛ هیچ امتی حکومتش را در اختیار غیراعلم قرار نداد، مگر اینکه امر این امت دائم به سوی پستی و فرومایگی می‌رود تا اینکه به سوی آنچه ترک کردند، بازگردند. [حکومت را در اختیار اعلم قرار دهند].»

بعد از انقلاب، به مدت ۳۲ سال اداره دولت در دست کسانی قرار داشته که در دهه اول، مشی چپ‌گرایانه داشتند؛ اما از دهه دوم به بعد به سوی لیبرالیسم گرایش پیدا کردند و کشور را به لحاظ اقتصادی بر مبنای لیبرالیسم اداره کردند و پیوسته نیز مدعی بوده‌اند که فقط ماییم که زبان دنیا را می‌فهمیم و علم اداره کشور را داریم؛ اما نتیجه حکومت آنان جز ایجاد شکاف عمیق طبقاتی، دور شدن از عدالت اجتماعی و فشار بر قشر مستضعف جامعه که صاحبان و حامیان اصلی انقلاب و ولی‌نعمتان همه مسئولان‌اند، حاصل دیگری نداشته است. نمونه بارز این تفکر را در دولت غرب‌گرای تدبیر و امید همه می‌بینند؛ دولتی که نه از تدبیر بهره‌ای برده است و نه امیدی برای کسی باقی گذاشته است؛ دولتی که همه مردم در چهار سال اول دیدند که همه توان خویش را بر برج‌های بی‌فرجام نهاد و هیچ‌گاه نتوانست دل از کدخدا ببرد و به خدا متکی شود، اما بار دوم نیز از جانب همین مردم رأی گرفت و گرانی‌ها برای آنان رغم زد که عده‌ای را زیر چرخ‌های خود له کرد. حال چه زمانی بناست از این‌گونه انتخاب‌های غیرمعقول و

بخش دوم: محتوای تبلیغی در انتخابات

غیرمسئولانه دست برداریم و در مسیری قدم بگذاریم که صلاح ملت در آن است؟ این سؤالی است که پاسخ آن در انتخابات بعدی روشن خواهد شد. به امید روزی که همه ما با کسب بصیرت لازم انتخاباتی را رقم بزنیم که الگوی انتخابات سالم در جهان باشد.



۳

بخش سوم:
شبهات انتخاباتی



بخش سوم: شبهات انتخاباتی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه

۱. نظارت استصوابی

نظارت در لغت به معنای «إعمال مراقبت بر اجرای امری» بوده، ناظر کسی است که مراقب اجرای امری باشد. نظارت در فقه عمدتاً در باب وقف و وصیت آمده و در مباحث حقوق خصوصی و عمومی نیز راه یافته است. فقها و حقوقدانان غالباً نظارت را به دو قسم تقسیم کرده‌اند:

الف) نظارت استطلاعی: نظارتی که براساس آن ناظر تنها حق اطلاع‌یابی از عملکرد مجری را دارد و حق دخالت یا صدور حکم و دستور را نخواهد داشت و در صورت صدور حکم، کسی خود را ملزم به اطاعت از آن نمی‌داند؛

ب) نظارت استصوابی: اذن ناظر در صحت عمل مجری یا متولی شرط است و براساس آن، ناظر علاوه بر کسب اطلاع می‌تواند دستور یا حکم صادر کند و حکم و

دستورش نافذ است و اعمال حقوقی نیز بدون موافقت ناظر اعتبار ندارد.^۱ در موضوع حاضر، نظارت استصوابی نظارتی است که براساس آن، شرایط اشخاص برای تصدی پست‌های حکومتی و مدنی (نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان رهبری، شوراهای شهر و روستا و...) با قانون تطبیق داده شده، در صورت عدم صلاحیت، کاندیداتوری آن‌ها رد می‌گردد. همچنین نظارت و کنترل مراحل اجرایی انتخابات به وسیله نظارت استصوابی تضمین می‌شود.

پیش‌بینی نظارت استصوابی در تمام حکومت‌ها ضروری است و نهادهای ویژه در هر حکومتی به این مسئولیت می‌پردازند. در ادامه به وجوه ضرورت وجود نظارت استصوابی و نهادهای مشابه در برخی حکومت‌ها می‌پردازیم:

الف) ضرورت وجود نظارت استصوابی

جلوگیری از وارد شدن افراد فاقد صلاحیت و سهولت در امر تصمیم‌گیری در مورد صلاحیت کاندیداها: در همه کشورهای مردم‌سالار، برای تصدی پست‌های حکومتی شرایطی در نظر گرفته شده است که احراز این شرایط از مقدماتی‌ترین و ضروری‌ترین مراحل انتخاب متصدیان پست‌ها است.

بدیهی است که مردم در انتخاب‌های مختلف باید از بین نامزدهای متعدد، کسی را که صلاحیت بیش‌تری دارد، برگزینند و در صورت فقدان نهادی با اختیار نظارت استصوابی - که صلاحیت کاندیداها را مشخص و برای مردم اعلام نماید - خود مردم باید به این امر اقدام کنند؛ اما این عمل ناممکن است؛ زیرا تحقیق و جست‌وجوی خود افراد در میان تعداد زیادی داوطلب و احراز شرایط آن‌ها، نیازمند صرف وقت و نیروی

۱. ر.ک: ترمینولوژی حقوق، لنگرودی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۶۸ ش، ص ۷۰۶؛ پاسخ به شبهات نظارت استصوابی، عباس نیکزاد، دفتر نظارت و بازرسی انتخابات استان قم، ۱۳۸۰ ش، ص ۸.

فراوانی است که با وجود گرفتاری‌ها و مشغله‌های افراد، این امر بسیار مشکل و در برخی موارد غیرممکن است.

به‌عنوان نمونه، برای احراز این‌که داوطلبان سوءسابقه کیفری ندارند، نیاز به مراجعات فراوان و وجود دستگاه‌های پاسخ‌گویی بسیار فعال است که عملی شدن احراز همین یک شرط، با توجه به تعداد مراجعین، ماه‌ها طول می‌کشد. علاوه بر این، تجربه به‌خوبی نشان داده است که صاحبان پول، امکانات و تبلیغات، عملاً در چنین وضعیتی موفق‌ترند و می‌توانند با عوام‌فریبی و تبلیغات جذاب، کار را از مسیر صحیح خارج و خود یا داوطلبان موردنظر خویش را بدون داشتن صلاحیت‌های لازم، راهی مجلس یا مناصب تصمیم‌گیری و اجرایی کنند.

ب) ضرورت وجود مرجع قانونی برای کنترل اعمال مجریان انتخابات

از آنجا که در تمام کشورها قوه مجریه، مجری اصلی انتخابات است، به دلیل در دست داشتن امکانات و موقعیت‌های ویژه، زمینه اعمال نفوذ و ایجاد انحراف در مسیر انتخابات را دارد، پس بایستی نهاد ناظر و کنترل‌کننده‌ای خارج از این قوه وجود داشته باشد تا قدرت کافی برای مقابله با انحرافات و اشتباهات احتمالی این قوه را دارا باشد. نظارت استصوابی، نهاد نظارتی و کنترلی این وضعیت است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای برطرف کردن اشتباهات یا سوءاستفاده‌های احتمالی نهاد اجرایی، کنترل اعمال مجریان و نیز پاسخ‌گویی به شکایات و اعتراضات داوطلبان از مجریان انتخاباتی، نهاد ناظری به‌عنوان مرجع رسمی ناظر بر انتخابات و تشخیص صلاحیت نامزدها و عملکرد جریان انتخاباتی تعیین شده است.

ج) جلوگیری از سست شدن ارزش‌های قانون اساسی مورد پذیرش ملت

هر نظامی بسته به نوع نگرش و ایدئولوژی خود و نیز براساس قانون اساسی، به تعریف شرایط می‌پردازد. در کشور ما که نظام اسلامی حاکم است، مطابق اصل

چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین مصوب کشور باید براساس موازین شرع مقدس اسلام باشد.^۱

حذف نظارت استصوابی، موجب کم‌رنگ شدن جنبه اسلامی نظام می‌گردد؛ زیرا وجود چنین نظارتی احتمال نفوذ افراد غیرمتعهد به ارزش‌های اسلامی و قانون اساسی را کم می‌کند. به همین علت، مخالفین حاکمیت اسلام و احکام حیات‌بخش آن بر کشور، در پی آن هستند که با طرح شعار حمایت از جمهوریت نظام، به سست کردن اسلامیت آن پردازند و در همین راستا، با نظارت استصوابی مخالفت می‌کنند.

د) پاسداری از آزادی انتخاب مردم

مسئله آزادی انتخاب مردم زمانی میسر می‌گردد که حقوق آن‌ها تأمین شود. به عبارتی دیگر، مردم هر جا که بدانند حقوق‌شان راحت‌تر تأمین می‌شود، آزادی بیشتری دارند و هرگاه دچار تردید، ابهام و نگرانی بیشتری باشند، از آزادی کم‌تری برخوردار خواهند بود. بدیهی است که گزینش در میان مجموعه‌ده نفری که صلاحیت اجمالی آن‌ها تأیید شده، بسیار راحت‌تر و بهتر از گزینش در میان مجموعه‌های چندده نفری است که شناخت و تضمینی برای افراد وجود ندارد. بنابراین، وجود نظارت استصوابی در حقیقت مشاور و یاور مردم در انتخاب بهتر، آزادانه‌تر و به دور از تردیدها و نگرانی‌ها است و بی‌شک، عملکرد این نهاد نظارتی که براساس قانون است، گامی مؤثر و ضروری برای حفظ مردم‌سالاری، انتخاب آزادانه و بی‌شائبه مردم و حفظ ارزش‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی است.

نظارت عقلایی بر رأی‌گیری و تشخیص صلاحیت داوطلبان، اقتضای تأیید، رد و ابطال عملی و مؤثر را دارد و این ویژگی تنها در قالب نظارت استصوابی قابل تحقق است. در صورت

۱. اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی ویژه این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.»

حذف چنین نظارتی، راه برای اشتباهات یا سوءاستفاده‌های مجریان انتخابات و انحراف از اصول مورد پذیرش مردم در قانون اساسی باز می‌شود.

۲. نهادهای مشابه در حکومت‌های مردم‌سالار

نظارت بر انتخابات در نظام‌های متفاوت حقوقی و سیاسی دیگر کشورها، امری معقول، متداول و ضروری است؛ زیرا اجرای انتخابات با قوه مجریه است و نتیجه آن در استمرار قدرت و اختیارات قوه مجریه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به بیان روشن‌تر، قوه مجریه نسبت به انتخابات ذی‌نفع است. از این‌رو، در تمام کشورهایی که انتخابات برگزار می‌شود، نظارت و نهاد نظارتی نیز وجود دارد.

نهادهای مشابه شورای نگهبان در کشورهای مختلف، متفاوت هستند؛ زیرا شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران سه وظیفه عمده برعهده دارد؛ ولی در سایر کشورها این وظایف در یک نهاد جمع نشده است. در این نوشتار نظارت بر انتخابات و نهادهای مشابه نظارت بر انتخابات در دیگر کشورها مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی، این نظارت از سه طریق: قوه مقننه، قوه قضاییه یا نهاد مستقل اعمال می‌شود. به تعبیر دیگر، ناظر انتخابات در هر کشوری متناسب با قوانین و نظام سیاسی آن متفاوت است و تاکنون از راه‌های مختلفی این نظارت اعمال شده است:

۱. مجلس؛

۲. دادگاه قانون اساسی؛

۳. شورای قانون اساسی؛

۴. شورای نگهبان.

نهادهای مشابه نظارتی متفاوتی در دیگر کشورها تأسیس شده است که در اینجا چند نمونه به‌طور خلاصه و در حد نقل متن قوانین ذکر می‌شود:

۱. قانون اساسی فرانسه یکی از نزدیک‌ترین قوانین اساسی موجود به قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ساختاری و نهادی است. در قانون اساسی جمهوری فرانسه «شورای قانون اساسی»، مسئول نظارت بر انتخابات و رسیدگی به اعتراضات است. براساس اصل ۵۸ این قانون: «شورای قانون اساسی بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری نظارت می‌کند. این شورا به اعتراضات رسیدگی کرده و نتایج انتخابات را اعلام می‌نماید».

براساس اصل ۵۹: «شورای قانون اساسی در صورت اعتراض نسبت به حسن اجرای قانون انتخابات نمایندگان مجلس ملی و سناتورها تصمیم‌گیری می‌کند».

به‌موجب اصل ۶۲: «تصمیمات شورای قانون اساسی قابل اعتراض نیستند و اجرای آن برای قوای عمومی و مقامات اداری و قضایی لازم است».

۲. بنا بر بخش ۵ از اصل قانون اساسی آمریکا: «هر یک از مجلسین (نمایندگان و سنا)، بر انتخابات، گزارش آرای انتخابات و صلاحیت اعضای خود نظارت می‌کنند و جلسات آن‌ها با حضور اکثریت نمایندگان رسمیت می‌یابد».

۳. طبق اصل ۶۶ قانون اساسی ایتالیا: «هریک از مجلسین (نمایندگان و سنا) در خصوص صحت اعتبارنامه اعضای خود و هم در مورد علل مغایرت یا عدم صلاحیت اعضا برای احراز سمت نمایندگی، تصمیم‌گیری می‌کنند».

۴. به‌موجب اصل ۷۰ قانون اساسی اسپانیا: «قانون انتخابات، شرایط کاندیداها را معین می‌کند. اعتبارنامه‌های نمایندگان مجلسین (نمایندگان و سنا) تحت کنترل قضایی بوده، قانون انتخابات چگونگی آن را معین می‌سازد».

۵. براساس اصل ۴۱ قانون اساسی آلمان: «مجلس شورای ملی فدرال، مسئولیت رسیدگی به صحت انتخابات را برعهده خواهد داشت و تصمیم بر این‌که نماینده‌ای کرسی خود را از دست داده یا نه، با اوست. شکایت از تصمیمات مجلس شورای ملی فدرال را به دادگاه عالی قانون اساسی می‌توان عرضه داشت».

بنابراین، در کشورهای پیشرفته جهان نیز وجود ترجمان‌های مشابه شورای نگهبان،

برای نظارت و صیانت از ارزش‌های قانون اساسی و هدایت افراد متخصص و متعهد به قانون، امری ضروری است؛ اما شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به دستگاه‌های مشابه در دیگر کشورها دارای مزایای ویژه‌ای است؛ زیرا از نظر چارت سازمانی، زیرمجموعه و وامدار هیچ‌کدام از قوای سه‌گانه نبوده، عملکردی مستقل از آن‌ها دارد. از این‌رو، امکان اعمال نفوذ در این نهاد سیاسی به حداقل می‌رسد. علاوه بر این، شرایط ویژه اعضای این شورا (تعهد، تخصص، عدالت و اجتهاد)، شکل انتصاب و انتخاب و نیز نوع قوانینی که شورای نگهبان موظف به رعایت آن است، میزان انحراف در این نهاد را به حداقل می‌رساند.

امام خمینی علیه السلام با توجه به این حقایق، در مورد شورای نگهبان می‌فرماید: «اگر این طایفه (شورای نگهبان) را حفظ نکنید، سرنوشت شما مانند سرنوشت زمان مشروطه خواهد شد...^۱ اگر مؤمنین کنار بروند، انسان‌های بی‌تعهد روی کار می‌آیند و همه چیز را قبضه می‌کنند، چنانچه در زمان مشروطیت این کار را کردند».^۲

در آخر، ذکر این نکته ضروری است که زمزمه‌های حذف نظارت استصوابی، رابطه تنگاتنگی با مسائل سیاسی دارد. تمام مواردی که به‌عنوان عواقب حذف نظارت استصوابی بیان شد، در مسائل سیاسی روز تأثیر به‌سزایی دارند. به‌عنوان نمونه، کم‌رنگ و منزوی شدن اسلامیت نظام یا ورود افراد فاقد صلاحیت به مراکز مهم تصمیم‌گیری نظام و اتخاذ تصمیم‌های سیاسی و اجتماعی توسط آن‌ها که بر تمام مسائل جامعه تأثیرگذار است و به‌طور اولی مسائل سیاسی روز را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهد و بالاتر از آن، حذف نظارت استصوابی باعث تغییر سرنوشت جامعه و دگرگونی در سیاست‌های کلان کشور می‌شود و بر تمامی شئون و مسائل روز جامعه سایه می‌افکند.

۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۳.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۷.

از این‌رو، سرمایه‌گذاری دگراندیشان داخلی و استعمار خارجی بر حذف این نهاد عقلایی و حیاتی، در جهت استحاله ارزش‌های قانون اساسی و اسلامی است.

۱. آیا نظارت استصوابی مانع توسعه سیاسی و مشارکت آحاد مردم نیست؟

گاه در شرح و تفسیر اشکال فوق گفته می‌شود: اولاً مردم به دلیل این‌که واهمه و نگرانی رد صلاحیت را دارند، از کاندیدا شدن پرهیز می‌کنند. ثانیاً، به دلیل این‌که نظارت استصوابی مانع تنوع و تکثر بین کاندیداها می‌شود، بخشی از جامعه از آنجا که کاندیدای موردنظر خود را بین کاندیداها نمی‌بینند، انگیزه‌ای برای حضور در انتخابات نخواهند داشت.

در پاسخ می‌توان گفت:

اولاً اگر قرار است به بهانه توسعه سیاسی و مشارکت مردمی، بررسی صلاحیت‌ها انجام نگیرد، وضع قانون در مورد شرایط انتخاب‌شوندگان و ذکر اوصاف و شرایط خاص برای نامزدها، چه معنایی دارد؟ آیا چنین کاری لغو و بیهوده نیست؟ آیا نفس همین قانون، مانعی برای توسعه سیاسی به شمار نمی‌آید؟

می‌دانیم که اصل وجود قانون در جامعه، محدودیت‌هایی را به همراه دارد و هر جا محدودیتی در کار باشد، با منافع و مطامع عده‌ای سازگاری ندارد و قهراً مانعی برای مشارکت همان عده خواهد بود. حال نمی‌توان تحت نام زیبای توسعه سیاسی و مشارکت مردمی، از اصل قانون صرف‌نظر کرد.

ثانیاً، اگر اصل بررسی صلاحیت‌ها مانع توسعه سیاسی است، چه فرق می‌کند این کار توسط شورای نگهبان صورت بگیرد یا وزارت کشور؟ در هر دو صورت، این لوازم را به همراه خواهد داشت.

ثالثاً، اگر تعیین صلاحیت‌ها و رد برخی از کاندیداها مانع توسعه سیاسی است، تا کجا باید به آن ملتزم بود؟ آیا به همین انگیزه می‌توان از ورود هرکس با هر سابقه و روحیه‌ای به صفحه

انتخابات استقبال کرد؟ خلاصه حد و مرز این تساهل و تسامح تا کجاست؟ پس هر مرزی را در نظر بگیرید، با مبنای شما که خواهان توسعه سیاسی به نحو مطلق هستید، سازگاری ندارد. رابعاً، مفهوم توسعه سیاسی چیست؟ آیا بالا بردن تعداد آرای شرکت کنندگان با هر شگرد و هر نوع تبلیغاتی، توسعه سیاسی به حساب می‌آید؟ آیا توسعه سیاسی تنها به کمیت نظر دارد و به کیفیت نظری ندارد؟ آیا توسعه واقعی فرهنگی و سیاسی این نیست که مردم به حدی از رشد فکری و عقلانی برسند که مشارکت خود در انتخابات و صحنه‌های اجتماعی - سیاسی را منوط به امور غیرعقلانی نکنند؟!

خامساً، آیا سر باز زدن از بررسی و تعیین صلاحیت‌ها و رد برخی از کاندیداهای فاقد شرایط یا حتی نالایق، خود مانع بزرگی در راه توسعه سیاسی و مشارکت مردمی نیست؟ آیا با این نوع تساهل و تسامح بی ضابطه و غیرقانونی و راه را برای ورود افراد نااهل و احياناً نفوذی باز گذاشتن، زمینه استبداد و کنار نهادن مردم و ناامید کردن ملت از ورود افراد صالح و دل‌زدگی آنان را فراهم نکرده‌ایم؟! خلاصه این‌که نادیده گرفتن نظارت استصوابی و تساهل در تعیین صلاحیت‌ها به بهانه توسعه سیاسی، خود ضد توسعه سیاسی و به ضرر کشور است، علاوه بر این‌که دعوت به نوعی بی‌قانونی و آنارشیزم نیز محسوب می‌شود! سادساً، هیچ نظامی با آزاد گذاشتن کاندیداتوری و نمایندگی، نمی‌تواند راه ورود دشمنان خود را باز بگذارد.

۲. آیا نظارت استصوابی باعث عدم اعزام نماینده مردم به مجلس نمی‌شود؟

آیا نظارت شورایی تاکنون چگونه بوده است؟ آیا آن‌چنان که سخن فوق مدعی است، باعث عدم اعزام نماینده مردم به مجلس می‌شود؟! طبعاً چنین نیست. باید منظور گوینده این باشد که نظارت استصوابی باعث عدم اعزام فردی می‌شود که خواهان نمایندگی مجلس است و طبعاً به

۱. نظارت استصوابی، عباس نیکزاد، صص ۴۰ - ۴۲.

چنین فردی اطلاق «نماینده» نمی‌شود. هرگاه رأی‌گیری صورت پذیرد و شخص کاندیدا واجد آرای لازم گردد، بر او اطلاق «نماینده» می‌شود.

آری! می‌پذیریم که نظارت شورای نگهبان باعث عدم اعزام فرد فاقد صلاحیت به مجلس می‌شود و در واقع، نظارت شورای نگهبان به‌منظور شناسایی افراد واجد صلاحیت از افراد فاقد صلاحیت است. حال چنانچه قبل از رأی‌گیری، فرد فاقد صلاحیت از دور انتخابات خارج گردد و به اصطلاح صلاحیت او برای کاندیداتوری تأیید نگردد، آیا این امر به معنای «عدم اعزام نماینده مردم به مجلس» است؟!

از آنجایی که در عملکرد شورای نگهبان نوعی قضاوت نهفته است، خواه‌ناخواه، عده‌ای از آن ناراحت خواهند بود، همان‌گونه که هرگاه دو نفر نزد قاضی روند، بعد از صدور حکم قطعاً یکی از آن دو نفر ناراضی می‌شوند. «نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، قضاوتی است که برخی از ناراضیان آن، به انکار صلاحیت قاضی در عدم احراز شایستگی خود برای نامزدی نمایندگی مجلس روی آورده‌اند. آن‌ها ناظر تام‌الاختیار در انتخابات را تنها در يك مورد فاقد اقتدار می‌دانند و آن، وقتی است که اعمال این صلاحیت موجب محرومیت خود یا هم‌پیمانانشان از انتخاب شدن بوده باشد»^۱.

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، شرایطی را برای انتخاب‌شوندگان قائل گردیده است که فقط کسانی می‌توانند به‌عنوان نامزدهای نمایندگی به مردم معرفی شوند که دارای آن شرایط باشند. نظارت استصوابی به این معنا نیست که ناظر می‌تواند به‌دلخواه خود عمل کرده، بدون داشتن دلیل و مدرک و به‌صورت سلیقه‌ای رد صلاحیت کند.

۳. نظارت استصوابی تیغۀ بَرّانی برای حذف و اخراج مخالفین است.

گوینده سخن فوق، برای ادعای خود هیچ دلیل یا شاهی ارائه نمی‌دهد.

۱. نگاهی به سیر نظارت استصوابی، سید علی حسینی نواز، ص ۱.

پیش فرض اشکال فوق این است که شورای نگهبان وارد جناح بندی‌های سیاسی شده و این شورا درصدد حذف جناح مقابل است! از طرف دیگر، این‌گونه سخنان، نوعی توهین به شورای نگهبان است که بارها امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام همگان را از آن برحذر داشته‌اند.

در چند اصل از اصول قانون اساسی، مانند اصل ۹۹ نظارت «حق و تکلیف» شورای نگهبان است. از آنجایی که اصل ۹۸، حق تفسیر قانون اساسی را مختص این نهاد دانسته، شورای نگهبان، نظارت مندرج در این اصل را نظارت استصوابی و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات دانسته است: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود».

بنابراین، هرگاه مبنای گفتار داور، قانون، مخصوصاً قانون اساسی باشد، نظارت استصوابی شورای نگهبان، مطابق قانون اساسی بوده، هیچ خدشه و اشکالی به آن وارد نیست؛ زیرا مسئولیت نظارت، از وظایف مهم و حساس شورای نگهبان است که در سلامت و ثبات نهادها و استحکام نظام نقش مؤثر و فوق‌العاده‌ای برعهده دارد. شورای نگهبان در راستای تحقق وظایف خود به مقتضای اصل ۹۹ نظارت‌های گوناگونی را برعهده دارد که تحقق این نظارت‌ها تضمینی برای اجرای صحیح قانون اساسی و حاکمیت اسلام خواهد بود.

خلاصه آن که اصل «وجود نظارت» امری ضروری و بدیهی بوده، در همه جای دنیا مرسوم است، حتی شما هم نمی‌پذیرید که صلاحیت افراد ناصالح، نابلد، بی‌سواد... تأیید گردد. علاوه بر این، چنین نظارتی براساس قانون انجام شده است و راه اعتراض نیز وجود دارد. بنابراین، نظارت استصوابی دارای فواید است، نه برای حذف یا اخراج مخالفین. ضمن آن‌که این شبهه درباره هر نهاد نظارتی و اجرایی وجود دارد و به شورای نگهبان اختصاص ندارد.

۴. نظارت استصوابی باعث به وجود آمدن دور باطل در انتخابات خبرگان رهبری

است.

چون اعضای شورای نگهبان از طرف رهبر تعیین می‌شوند و آن‌ها صلاحیت کاندیداهای خبرگان رهبری را تأیید می‌کنند. بنابراین، تعیین رهبر از سوی وی - با واسطه - انجام می‌شود و این یک نوع «دور» است!

این اشکال به گونه‌ای به تمام نظام‌های دنیا وارد است و فیلسوفان سیاست به نظام‌های دموکراتیک نیز چنین ایرادی گرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند: اگر بخواهید نظامی دموکراتیک به وجود بیاورید، تحقق نظام مذکور مستلزم آن است که براساس مقرراتی رأی‌گیری انجام شود؛ یعنی راهی جز فراندم (همه‌پرسی) نیست. حال اگر بخواهید انتخابات با اصول دموکراسی انجام گیرد، باید کسانی این انتخابات را طبق آن مقررات برگزار کنند، در حالی که هنوز هیچ نهاد و دولتی اعتبار پیدا نکرده است! پس هر مقامی عهده‌دار این کار شود، معتبر نیست و طبق هر مقرراتی این انتخابات انجام گیرد، اعتبار ندارد؛ زیرا طبق اصول دموکراسی، مشروعیت دولت و حکومت از رأی مردم به دست می‌آید.

جالب است بدانید که کشور سوئیس که باصطلاح مهد دموکراسی است و به‌صورت کنفدراسیون اداره می‌شود و از ۲۴ کانتون تشکیل شده است، تا این اواخر در برخی کانتون‌هایش زنان حق رأی نداشتند. اخیراً قرار بود که از مردان برای شرکت زنان در انتخابات رأی‌گیری شود که آیا زن‌ها حق رأی داشته باشند یا خیر؟ سؤال این است که مردها از کجا این حق را پیدا کرده‌اند که درباره حق رأی زن‌ها اظهار نظر کنند؟

طراحان نظام دموکراتیک این‌گونه اشکالات را منطقاً وارد می‌دانند؛ ولی می‌گویند: چاره‌ای نداریم و راه بهتری را نمی‌شناسیم. بنابراین، اشکال دور در نظام‌های دموکراسی، راه‌حلی ندارد؛ زیرا تا مردم رأی ندهند، هیچ مقامی حق برگزاری انتخابات را ندارد و تا انتخابات صورت نگیرد، هیچ مقامی مشروعیت نمی‌یابد! اکنون این اشکال را درباره انتخابات مجلس خبرگان رهبری مطرح می‌کنند و می‌گویند: صلاحیت کاندیداهای خبرگان توسط شورای نگهبان تأیید

می‌شود و اعضای شورای نگهبان توسط رهبر تعیین می‌شوند، پس اگر تعیین رهبر به نظر خبرگان باشد، دوری با واسطه لازم می‌آید.

اما این اشکال به نظام اسلامی وارد نیست؛ زیرا امام راحل علیه السلام به سبب حق شرعی، دولت موقت را منصوب کردند تا انتخابات را انجام دهد. در نظام سیاسی اسلام، حجیت کلام رهبر به رأی مردم نیست و اعتبار و مشروعیت نظام و رهبر برگرفته و ناشی از رأی خبرگان نمی‌باشد؛ زیرا خبرگان مقام ولایت را به رهبر اعطا نمی‌کنند؛ بلکه وظیفه خبرگان فقط تشخیص مصداق رهبری است که شرایط آن را ائمه اطهار علیهم السلام بیان کرده‌اند.

خبرگان موظف‌اند کسی را که امام معصوم برای ولایت و رهبری شایسته می‌دانند، به مردم معرفی کنند. همانند تشخیص مرجع تقلید که دو نفر خبره بر اعلمیت کسی شهادت می‌دهند. روشن است شهود خبره، به مرجع تقلید اعلمیت نمی‌بخشند؛ بلکه اعلمیت واقعی است که حجیت آن از سوی خداست و شهود فقط آن را تشخیص می‌دهند و معرفی می‌کنند.

در تشخیص صلاحیت خبرگان نیز شورای نگهبان خبره بودن را به کاندیداها نمی‌دهد، همچنان که خبرگان، مقام ولایت را به ولی فقیه اعطا نمی‌کنند؛ بلکه آن‌ها تنها شایستگی فرد را تشخیص می‌دهند. بنابراین، اعتبار رهبری به سبب صلاحیت‌های او و نصب الهی است. باید افزود: دیگر امور و مناصب، با واسطه حجیت رهبر اعتبار پیدا می‌کنند، پس در نظام اسلامی این اشکال پیش نمی‌آید؛ زیرا اعتبار مقام ولایت، از سوی خداوند است.^۱

۵. آیا در کشورهای دیگر نیز نهادی همچون شورای نگهبان متکفل انجام وظایف

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، محمدتقی مصباح یزدی، ج ۱، صص ۸۷-۸۸.

مشابه این شورا هست؟ این نهادها چه جایگاهی در حقوق اساسی این کشورها دارند؟

تا وقتی که اشخاص خود شخصاً به تدبیر معیشت خود پرداخته و ادارهٔ منافع و امور خود را به دیگری نسپردند «نهاد نظارت» امری بی‌معنا و بی‌فایده و دارای تالی فاسد است؛ ولی هم‌زمان با ورود نهادهای وکالت، تولیت، ولایت و امثال آن که ادارهٔ امور در آن به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود و نیز وقتی که انسان با نهاد حکومت برای تنظیم روابط اجتماعی خود آشنا گردیده، نظارت پا به عرصهٔ حقوق گذاشته است و هرروز با پیچیده‌تر شدن روابط انسانی، جای خود را در کنار تأسیس دیگر نهادهای حقوقی بازتر کرده است، به طوری که در تمامی نظام‌های حقوقی جهان «نهاد نظارت» وجود دارد و در قوانین اساسی بسیاری از کشورها، برای جلوگیری از سوءاستفادهٔ قوای حاکمه، به آن اشاره شده است.^۱

از آنجا که غالب کشورها در خصوص مسئلهٔ تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی خود دچار مشکل بوده‌اند، برای کنترل و انطباق قوانین عادی و مصوبات مجالس مقننه با اصول قانون اساسی و معیارهای ارزشی حاکم بر جوامع خود، تعیین مرجع یا مراجعی ذی‌صلاح را که ضمناً دارای جایگاه ارزشی مهم‌تری باشند، ضروری دانسته و اغلب وجود چنین نهادها و مراجعی را در قوانین اساسی خود تصریح کرده‌اند.^۲

همواره رعایت قانون اساسی در مصوبات مجلس، این نگرانی را به دنبال دارد که مجلس در مصوبات خود از چارچوب قانون اساسی خارج نشود. علاوه بر این، برخی از کشورها به یک سلسله قواعد بنیادی اعتقاد دارند که قوانین اساسی به آن قواعد پایبند است. برای مثال، در قانون اساسی فرانسه جز قوانین بنیادی که پیش‌بینی شده و تصویب آن با دوسوم آرای نمایندگان

۱. ر.ک: نگاهی به سیر نظارت استصوابی، ص ۳.

۲. ر.ک: حقوق اساسی، دکتر قاسم شعبی، ص ۱۷۱.

است، يك سرى قوانين بنيادى ديگر، مثل «اعلاميه جهانى حقوق بشر» در بست پذيرفته شده است. يا در كشورهايى مثل ايتاليا، سوئيس و آمريكا «ميثاق هاى بين المللى» به عنوان قوانين پذيرفته شده اند و احتياجى به تايد مجلس ها ندارند.

در تركيه، قانون اساسى يك مقدمه دارد كه شامل ۷ بند بنيادى است كه به «اصول آتاتورك» معروف گشته و ميراث اوست. اين اصول هفت گانه كه در مقدمه قانون اساسى آمده، بر تمام اصول قانون اساسى تركيه حاكم است و هيچ اصلى از قانون اساسى آنان نبايد به نحوى تفسير شود كه اصول آتاتورك را زير سؤال ببرد يا مخالف آن ها باشد.

بنابراين، در ساير كشورها نيز نوعى نظارت در دو مرحله پيش بينى شده است كه قوانين عادى، علاوه بر عدم منافات با قانون اساسى، بايد با اين قواعد بنيادى نيز منافات نداشته باشند.^۱ حال شناسايى قوانين و نظام هاى انتخاباتى كشور هاى مختلف، اين امكان را براى محققين و مسئولان فراهم مى آورد تا با كسب تجربه از روش هاى آزموده شده، از اشتباهات احتمالى پرهيزند.

از جمله:

۱. براساس ماده ۵۶ قانون اساسى فرانسه، شوراي قانون اساسى مركب از ۹ عضو است كه براى مدت ۹ سال به عضويت اين شورا منصوب مى شوند. انتخاب اين اعضا به اين گونه است كه هر كدام از مقامات رياست جمهورى، رياست مجلس سنا و رياست مجلس ملى، سه نفر را براى اين كار نصب مى كنند. رؤساي جمهورى سابق فرانسه به لحاظ سمت نيز به طور مادام العمر عضو اين شورا خواهند بود. رياست اين شورا با حكم رئيس جمهور تعيين مى شود و جلسات اين شورا با هفت نفر رسميت پيدا مى كند. آراى اكثريت مطلق در تصميم گيرى ها ملاك است و در صورت تساوى آرا، رأى رئيس شورا قاطع خواهد بود.

۱. مجله ناظر امين، نظارت استصوابى در قانون اساسى، عباسعلى عميد زنجانى، ش ۱۲، صص ۹-۱۰.

بنا بر ماده ۵۷ قانون اساسی فرانسه، عضویت در این شورا با عضویت در پارلمان و وزارت قابل جمع نیست و براساس ماده ۵۸ و ۶۰ قانون، این شورا وظیفه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و مراجعه به آرای عمومی را برعهده دارد. علاوه بر این، بنا بر ماده ۵۹، شورای قانون اساسی به‌عنوان مرجع حل اختلاف، به اختلافات ناشی از اجرای مقررات مربوط به انتخاب نمایندگان و سناتورها و انتخابات مجلسین حکم خواهد کرد.

براساس ماده ۴۱ قانون، قوانین سازمان دهنده و ارگانیک باید پیش از توضیح و انتشار و نیز آیین‌نامه‌های داخلی مجلس ملی و سنا پیش از اجرا، بایست به این شورا سپرده شوند تا شورا بر مطابقت آن با قانون اساسی حکم کند. بند دوم ماده ۳۷ قانون اساسی، بررسی و بازبینی پس از تصویب قانون را نیز پیش‌بینی کرده است. قانونی که قبلاً تصویب شده، به توضیح رسیده و به‌طور کلی متنی که صورت و عنوان قانون دارد، ممکن است از طرف نخست‌وزیر به شورای قانون اساسی فرستاده شود تا شورا معین کند که آیا ضوابط مندرج در متن ارسالی جنبه تقنینی دارد یا آیین‌نامه‌ای؟! این بررسی يك بازبینی توصیفی است که گاه به تغییر عنوان یا خارج کردن آن از موقعیت قانونی منجر می‌شود.

علاوه بر این‌ها، ماده ۵۴ قانون اساسی، شیوه بررسی در مطابقت عهدنامه‌های بین‌المللی را که هنوز به امضا نرسیده‌اند نیز معین می‌کند؛ به این ترتیب که اگر شورای قانون اساسی عدم مطابقت شرایط مندرج در عهدنامه را با قانون اساسی احراز کند، قوه مجریه موظف است یکی از اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) پیشنهاد تجدیدنظر در قانون اساسی را بنا بر ماده ۸۹ بدهد که در نتیجه قانون اساسی مطابق با عهدنامه می‌شود؛

ب) از عهدنامه صرف‌نظر کند و آن را به تصویب نرساند.^۱

۱. ر.ک: بررسی فقهی حقوقی شورای نگهبان، فرج‌الله هدایت نیا و محمدهادی کاویانی، صص ۶۲-۶۵؛ مجله ناظر امین، ش ۲،

صص ۱۰-۱۱ و ش ۱۲، صص ۱۲-۱۴.

۲. آلمان فدرال دارای «دادگاه قانون اساسی» است که نهادی شبیه «شورای نگهبان» می‌باشد. صلاحیت این دادگاه در قانون اساسی مشخص شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از تغییر قانون اساسی و حل اختلاف نظر یا تردید در این‌که آیا قانون ایالات با این قانون از حیث صوری یا ماهوی و نیز با سایر قوانین فدرال منطبق است یا مغایرت دارد؟! حل اختلاف نظر حقوقی وظایف اتحادیه و فدرال، رسیدگی به شکایات ناشی از تخلف از قانون اساسی که هر شخص می‌تواند آن را طرح و ادعا کند، هم‌چنین از آنجا که براساس بند یکم ماده ۴۱ قانون، رسیدگی به صحت انتخابات در مسئولیت مجلس فدرال است، در مورد عزل و نصب نمایندگان عضو مجلس فدرال و شکایات مربوط به تصمیمات مجلس فدرال، دادگاه قانون اساسی صلاحیت دارد.^۱

۳. در قانون اساسی کشور ایتالیا، به استناد اصول ۱۳۴ تا ۱۳۷ نهادی به نام «دیوان قانون اساسی» وجود دارد که بر مصوبات مجلس ملی و سنای ایتالیا نظارت کند. چنانچه این دیوان مصوبات آن‌ها را رد کند، بی‌اثر و ملغی می‌شوند.^۲

۴. در قانون اساسی هند، علاوه بر مواد مختلف که ناظر بر امر انتخابات است، قوانین عادی دیگری نیز در این ارتباط وضع گردیده است. مانند قانون نمایندگی مردم، مصوب ۱۹۵۰م و ۱۹۵۱م. کشور هند در یکی از آرای خود این‌گونه نظر داده است که چنانچه ابهام یا سکوتی در قوانین موجود وجود داشته باشد، کمیسیون انتخابات می‌تواند براساس تشخیص خود عمل نماید. به عبارت دیگر، در مواقع سکوت قانون و بروز ابهام یا اشکال در امر انتخابات، نظر گروه انتخاباتی صائب خواهد بود.

امر نظارت بر انتخابات در هند بر عهده کمیسیون انتخابات است که تعداد زیادی از

۱. همان، صص ۶۵-۶۶؛ حقوق اساسی، دکتر قاسم شعبی، ص ۱۷۱.

۲. نظارت استصوابی، عباس نیکزاد، ص ۷۵.

ناظرین را جهت اجرای این وظیفه و حصول اطمینان از حسن اجرای آن به کار می‌گیرد. علاوه بر نظارت اداری، ناظرین مالی نیز بر امر هزینه‌های انتخاباتی توسط نامزدان نظارت دارند. «گروه مستقل انتخابات» براساس قانون اساسی مصوب ۱۹۵۰م تأسیس شده و مسئول اجرای انتخابات پارلمان و مجالس قانون‌گذاری محلی و ریاست جمهوری است که علاوه بر وظایف انتخاباتی، وظایف شبه قضایی دیگری نیز دارد. این مرجع نظر مشورتی خود را برای عدم صلاحیت نمایندگان پس از انتخابات ارائه می‌کند. به‌علاوه در رسیدگی به جرایم نمایندگان در دادگاه عالی و دیوان عالی کشور نیز این مراجع نظر کمیسیون را اخذ می‌نمایند که در این‌گونه موارد، رعایت و اجرای نظر کمیسیون الزامی است.

هم‌چنین، در صورت عدم ارائه صورت‌هزینه‌های انتخاباتی، کمیسیون می‌تواند صلاحیت یک نماینده را رد کند. البته این نظرات کمیسیون می‌تواند در دیوان عالی کشور یا دادگاه‌های عالی آن مورد تجدیدنظر واقع شوند. قابل ذکر است که صلاحیت گروه در رسیدگی به شکایات، تنها در خصوص شکایات واصله پیرامون انتخابات مجالس است و شکایت مربوط به انتخابات ریاست جمهوری صرفاً در دیوان عالی کشور هند مطرح می‌گردد.^۱

۵. براساس قانون اساسی مصر «دیوان عالی قانون اساسی»^۲ نهاد و مرجع پاسدار قانون اساسی کشور است. قلمرو صلاحیت دیوان عالی قانون اساسی مصر از قرار ذیل است:

الف) نظارت بر قوانین: صلاحیت اصلی این دیوان ناظر بر تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی است. به‌علاوه، نظارت بر پرداخت‌ها را نیز از لحاظ مطابقت با قانون اساسی برعهده دارد. معاهدات نیز در زمره قوانین به شمار می‌روند؛ چراکه پس از تصویب، به‌عنوان قانون تلقی شده، از این جهت نیز مشمول صلاحیت آن قرار دارند؛

ب) تفسیر قوانین: دیوان عالی صلاحیت تفسیر قوانین را نیز برعهده دارد و مرجع تفسیر

۱. مجله ناظر، «نظام انتخاباتی در کشور هند»، دکتر عباسعلی کدخدایی، پیش‌شماره چهارم، صص ۱۸-۲۱.

۲. المحكمة الدستورية العليا (Supreme Constitutional Couru).

قوانین و تصمیمات شورای دولتی نیز هست؛

ج) بررسی تصمیمات اداری: در خصوص استخدام یا پرداخت به کارکنان، این مرجع بررسی می‌کند؛

د) مرجع نهایی پاسخ به استعلامات دادگاه‌ها در خصوص قانون اساسی: اگر دادگاه‌ها یا حتی یکی از طرفین دعوا در هر مرحله از رسیدگی سؤالی در خصوص قانون اساسی داشته باشند، می‌توانند از این دیوان استعلام کنند که پاسخ آن نهایی و قاطع دعواست.

می‌توان گفت که نظارت بر تطبیق قوانین با قانون اساسی در این کشور از شیوه و روش قضایی بهره می‌برد که البته این شیوه در نوع خود با شیوه و روش کشوری مانند آمریکا متفاوت است؛ چراکه در آن کشور، دیوان عالی آمریکا بخشی از قوه قضاییه محسوب می‌گردد و در ضمن رسیدگی به دیگر امور قضایی، وظیفه تطبیق قوانین با قانون اساسی را نیز برعهده دارد، در حالی که در مصر، مرجع و نهادی خاص برای انجام دادن این مهم شکل گرفته است.^۱ با توجه به آنچه که گذشت، معلوم می‌شود در غالب کشورها، وجود نهادی شبیه شورای نگهبان که متکفل وظایف مشابه این شورا است، از جمله: نظارت بر انتخابات، تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی و بررسی صلاحیت‌ها. البته در اغلب موارد، کشورها از یک روش یا سیستم واحدی استفاده نمی‌کنند؛ بلکه متناسب با وضعیت کشور خویش، از روش‌های متفاوت بهره می‌برند. علاوه بر این، مسئله «تفسیر قوانین» نیز مورد توجه است.

۶. چرا بر عملکرد شورای نگهبان نظارت نمی‌شود و این نهاد در برابر هیچ مرجع قانونی پاسخگو نیست؟

در هر نظامی، قانون‌گذار برای مراحل مختلف اجرا و نظارت بر امور، خط پایانی در نظر

۱. مجله ناظر امین، «دیوان عالی قانون اساسی مصر»، دکتر عباسعلی کدخدایی، ش ۶، مرداد ۸۲، صص ۱۰-۱۱.

می‌گیرد تا در آنجا مسئله به انجام برسد و تصمیم‌گیری نهایی اتخاذ شود؛ چه آن‌که در غیر این صورت، تسلسل پیش خواهد آمد و مسئله لاینحل باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر، اگر فرض کنیم نهادی به‌عنوان ناظر بر عملکرد شورای نگهبان معرفی شود، آن نهاد نیز با ایراد پاسخ‌گو نبودن روبه‌رو می‌شود که باید نهادی دیگر به کارش نظارت کند و همین اشکال درباره ناظر دوم نیز مطرح می‌گردد و این مشکل با پیش‌بینی کردن نهادهای نظارتی دیگر پایان نمی‌پذیرد؛ زیرا این نظارت و پاسخ‌گویی سرانجام باید در جایی تمام شود.

در دیگر کشورها این نظارت در نهایت به دادگاه قانون اساسی (در آلمان و روسیه) یا شورای قانون اساسی (فرانسه) و یا دیوان عالی کشور (ژاپن) یا نهاد مشابه دیگری که حرف آخر را می‌زند و به کسی یا نهادی دیگر پاسخ‌گو نیست، ختم می‌شود. در ایران نیز مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی، این نظارت نهایتاً به شورای نگهبان منتهی می‌شود.^۱

با این بیان، واضح است که این اشکال اختصاصی به قانون جمهوری اسلامی ندارد و نسبت به قوانین تمام کشورهای دنیا نیز وجود دارد و چون وجود خط پایان در قانون ضروری است، بنابراین چاره‌ای جز چنین مکانیزمی در قانون نداریم. صرف‌نظر از این اشکال عام، با نگاهی دقیق به قانون اساسی جمهوری اسلامی، درمی‌یابیم که راه‌های متعددی برای نظارت بر عملکرد شورای نگهبان و محدود ساختن آن در نظر گرفته شده است و این‌طور نیست که هیچ نظارتی بر علم کرد شورای نگهبان وجود نداشته باشد.

مکانیزم‌های نظارت بر شورای نگهبان

۱. مقام معظم رهبری علیه‌السلام با تعیین فقهای شورای نگهبان و مجلس و قوه قضائیه، با تعیین شش عضو حقوق‌دان، به‌طور مستقیم و مستمر بر ترکیب شورای نگهبان و عملکرد آن نظارت

۱. نظارت استصوابی و شبهه دور، محمدرضا مرندي، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ ۷۹، ص ۳۵.

می‌کنند و این همان چیزی است که از آن به نظارت تأسیسی تعبیر می‌شود؛^۱

۲. مقام معظم رهبری علیه السلام با استفاده از اختیاری که قانون اساسی به وی بخشیده است،^۲ در موارد خاص و به منظور رفع معضلات نظام، می‌تواند از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، عملکرد شورای نگهبان را با محدودیت‌ها و نظارت‌هایی روبه‌رو سازد. به‌عنوان نمونه، در انتخابات مجلس ششم در شهر تهران مشاهده شد شورای نگهبان به دلیل تخلفات و تقلباتی که معتقد بود در انتخابات تهران صورت پذیرفته، این انتخابات را مخدوش و باطل می‌دانست؛ ولی مقام معظم رهبری علیه السلام به منظور رفع معضل پیش آمده برای نظام و با استفاده از اختیارات خود، حکم شورای نگهبان را نقض و صحت انتخابات تهران را اعلام کردند؛

۳. وجود مجمع تشخیص مصلحت نظام که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است،^۳ سبب محدودیت عملکرد شورای نگهبان می‌شود، به‌گونه‌ای که از چارچوب مصلحت نظام و جامعه خارج نشود و این یک نحوه از نظارت بر شورای نگهبان است؛

۴. از آنجا که مطابق اصل ۹۱ قانون اساسی، شرط فقهای شورای نگهبان، عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز است، این شرط مصونیت اعضای شورای نگهبان را از انحراف تضمین خواهد کرد^۴ و به‌عنوان نظارت درونی در کنار نظارت‌های بیرونی، عاملی جهت کنترل عملکرد اعضای شورای نگهبان است.

از امتیازات قانون اساسی جمهوری اسلامی، به پیروی از نظام سیاسی اسلام، تکیه بر عدالت و تقوا در حاکم اسلامی به‌عنوان نظارت درونی است، چنان‌که برای سایر مسئولان بلندپایه نظام، هم‌چون رئیس قوه قضاییه و فقهای شورای نگهبان نیز عدالت و تقوا لازم است. بنابراین، کسانی که تلاش می‌کنند تا در نظام اسلامی دقیقاً همان اهرم‌های نظارتی بیرونی

۱. قانون اساسی، اصل ۹۱.

۲. قانون اساسی، اصل ۱۱۰، بند ۸.

۳. قانون اساسی، اصل ۱۱۲.

۴. فقه سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، ج ۱، ص ۳۹۸.

به‌کار گرفته در سایر نظام‌های جهان را اعمال کنند، از این نکته اساسی غافل‌اند که در آن نظام‌های سیاسی، نظارت درونی جایگاهی ندارد و تنها کفه نظارت‌های بیرونی را سنگین کرده‌اند؛ اما در نظام اسلامی، کنترل و نظارت درونی يك اصل بنیادی است. علاوه بر این که طبق قانون اساسی^۱ «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام، با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی برعهده اکثریت اعضای شورای نگهبان است» و وقتی ملاک، اکثریت این مجموعه باشد، احتمال خطا یا سوءاستفاده تا حد بسیار زیادی کاهش پیدا می‌کند یا قابل اعتنا و توجه نیست.

۱. قانون اساسی، اصل ۹۶.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر تر:

۱. شورای نگهبان و نظارت بر انتخابات (حکومت اسلامی ۳۰)، عباسعلی عمید زنجانی، زمستان ۱۳۸۲، صص ۶۳-۶۸.
۲. شورای نگهبان از منظر فلسفه سیاسی (برائت یا احراز صلاحیت نامزدها)، صادق لاریجانی، کیهان، ش ۱۷۷۹۷، چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۸۲ ش.
۳. تأملی در مبانی و ادله نظارت استصوابی، محمدرضا مرنودی، انتشارات افکار، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴. پاسخ به شبهات نظارت استصوابی، عباس نیکزاد، دفتر نظارت و بازرسی انتخابات استان، قم، ۱۳۸۰ ش.
۵. مجله معرفت، ش ۱۳۴، ویژه‌نامه حقوق: پیشینه و ادله نظارت استصوابی شورای نگهبان، سید احمد مرتضایی.



۴

بخش چهارم: احکام انتخاباتی



بخش چهارم: احکام انتخاباتی

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

اشاره

از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی _ اجتماعی تمام کشورها «انتخابات» و «تعیین فرد اصلح» برای تصدی جایگاه «ریاست جمهوری»، «نماینده‌گی مجلس» و... است. انتخابات در هر کشوری متناسب با قوانین همان کشور برگزار می‌شود. در ایران، علاوه بر رعایت قوانین موجود درباره انتخابات، مسائل شرعی مربوطه نیز باید مورد توجه قرار گیرد و مسئولین، نامزدها و مردم، از ابتدا تا پایان رأی‌گیری، خود را ملزم به رعایت آن‌ها بدانند. از این روی، در این مقاله برخی مسائل شرعی درباره انتخابات جمع‌آوری شده است که امیدواریم مورد استفاده همگان قرار گیرد.

وظیفه شخص در صورت نشناختن نامزد اصلح

س: اگر اصلح را شناسیم، وظیفه چیست؟ اگر تحقیق کنیم و به شخص اصلح نرسیم، می‌توانیم در انتخابات شرکت نکنیم؟

ج: در تشخیص فرد اصلح می‌توانید از کسانی که به لحاظ تعهد دینی و بصیرت انقلابی مورد اعتمادند، کمک بگیرید و در هر صورت شرکت در

انتخابات نظام جمهوری اسلامی برای افراد واجد شرایط، یک وظیفه شرعی است.^۱

حکم شرکت در انتخابات

س: آیا شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، واجب است؟

امام خمینی علیه السلام: یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آن‌ها احتیاج دارد، هست.^۲

مقام معظم رهبری علیه السلام: شرکت در انتخابات نظام جمهوری اسلامی برای افراد واجد شرایط، یک وظیفه شرعی، اسلامی و الهی است.^۳

آیت‌الله مکارم شیرازی علیه السلام: شرکت در انتخابات بر همگان واجب است و ترک آن بدون عذر شرعی، جایز نیست و شخص مرتکب معصیت شده است.^۴

مسئله: شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، واجب عینی است.^۵

وجوب شرکت در انتخابات

س: آیا شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، واجب عینی است یا کفایی؟

ج: واجب عینی است.^۶ شرکت در انتخابات برای همگان لازم و واجب است و واجب عینی هست.^۷

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام: <https://www.leader.ir>.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر امام خمینی علیه السلام: www.imam-khomeini.ir. انتخابات و رأی‌گیری‌ها.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام: farsi.khamenei.ir. احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: makarem.ir. احکام شرعی، استفتانات. انتخابات.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام: farsi.khamenei.ir. احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵.

۶. همان.

۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی: <http://www.makarem.ir>.

معیارهای نامزد اصلح

س: به نظر معظم‌له، معیارهای نامزد اصلح چیست؟
ج: با وجود شرایط قانونی، اهم معیارهای اصلح به شرح زیر است:
تدین؛ تعهد و خوش‌نامی؛ وفاداری به انقلاب و ایستادگی در راه آن؛ عزم، اراده و نفوذناپذیری در مقابل دشمن و افراد ناصالح؛ دارای برنامه و کفایت لازم؛ مرعوب نشدن در مقابل دشمنان؛ ساده‌زیستی و دوری خود و بستگان از اشرافی‌گری؛ مردمی و آشنا به درد مردم؛ خدمت‌گذاری؛ اعتقاد واقعی به راه امام راحل علیه‌السلام؛ تقید به مسائل اخلاقی نظیر پرهیز از معامله‌گری، رشوه و توصیه‌پذیری؛ توجه به منافع طبقات محروم جامعه؛ تثبیت مواضع عزت‌آفرین، صحیح، عاقلانه و حکیمانه انقلاب و نظام؛ پرهیز از اسراف یا هزینه از بیت‌المال یا اموال شبه‌ناک در تبلیغات و غیر آن؛ پرهیز از طرح اموری که در اختیار آن‌ها نیست؛ شناخت اولویت‌ها و فوریت‌های نظام و مردم و پرداختن به آن‌ها.^۱

س: آیا انتخاب کاندیدای اصلح، غیر از شرایط قانونی، شرایط و ویژگی خاص شرعی و دینی هم باید داشته باشد؟

ج: بله، ویژگی‌های دینی دارد؛ باید باتقوا باشد، امین باشد، پاک‌دامن باشد، مدیر و مدبر باشد، آگاه باشد و خلاصه کسی باشد که هم دنیای مردم را حفظ کند، هم دین مردم را حفظ کند، هم کشور را حفظ کند، هم مکتب را حفظ کند.^۲

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: <http://www.makarem.ir/>

دعوت از نامزدها برای تبیین مواضع در مسجد

س: با توجه به نزدیکی زمان انتخابات، آیا دعوت بسیج از نامزدها برای تبیین مواضع خود در مسجد، اشکال دارد؟
ج: باید طبق قوانین و مقررات نظام اسلامی عمل شود.^۱

خرید و فروش رأی

س: برخی از کاندیداهای انتخاباتی جهت پیروزی در میدان انتخابات، با توزیع گوشی تلفن همراه و سیم‌کارت، پرداخت وجه نقد، توزیع غذای گرم، وعده امتیازات دولتی و غیر آن، اقدام به خرید آرای مردم می‌کنند. حکم این عمل چیست؟
ج: خرید رأی مردم مطلقاً جایز نیست^۲ و باید جداً از آن پرهیز کرد و کسانی که از این‌گونه طرق کسب آرا کنند، مشروعیت آن‌ها زیر سؤال است. برادران و خواهران عزیز مراقب باشند، سرنوشت نظام و کشورشان را با هیچ‌چیز مبادله نکنند و حتی در تبلیغات انتخاباتی خود از روش‌های غربی استفاده نکنند.^۳
س: تعدادی از نامزدهای انتخاباتی و طرفداران‌شان با این توجیه که اگر ما اقدام به خرید رأی نکنیم، افراد بی‌صلاحیت و ناشایست به مجلس شورای اسلامی راه خواهند یافت، اقدام به خرید رأی می‌کنند؛ آیا خرید رأی در این صورت جایز است؟
ج: جایز نیست.^۴

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام.

۲. همان، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

س: بعضی از کاندیداهای انتخاباتی برای خرید رأی مردم، به آن‌ها هدیه‌هایی می‌دهند. آیا دریافت این هدیه‌ها توسط مردم جایز است؟
مقام معظم رهبری علیه السلام: دریافت این امتیازات یا هدیه‌ها حرام است و باید به صاحبش برگرداند.^۱

آیت‌الله مکارم شیرازی علیه السلام: رأی‌دهندگانی که با قبول هدیه به افرادی که صلاحیت ندارند، رأی می‌دهند، مرتکب خلاف شرع شده‌اند.^۲
مسئله: اگر کسی از کاندیدایی هدیه دریافت کند تا به او رأی بدهد؛ ولی به نامزد دیگری رأی دهد، مرتکب حرام شده است.^۳

دادن رأی سفید در انتخابات

س: حکم رأی سفید و بی‌نام دادن، چیست؟ در صورت عدم شناخت و تحقیق یا تحقیق کافی و عدم وصول به نتیجه و تحیر در انتخاب اصلح چطور؟

ج: شما می‌توانید از اشخاص آگاه، متدین و دل‌سوز کمک بگیرید. همچنین مطالعه سوابق ایشان می‌تواند به شما کمک کند و اگر به شخص خاصی اعتماد نکردید، می‌توانید رأی سفید بدهید؛ ولی تا جایی که ممکن است، رأی سفید ندهید. در امور مربوط به انتخابات در حد مشاوره، اشکال ندارد.^۴

مسئله: در هر صورت، اگر رأی سفید دادن موجب تضعیف نظام اسلامی باشد، حرام است.^۵

۱. استفتاء پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۴۰۰/۲/۱.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: [makarem.ir](http://www.makarem.ir). احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

۳. استفتاء پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۴۰۰/۲/۱.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: <http://www.makarem.ir>.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام.

شرکت زن در انتخابات، بدون اذن شوهر

س: با توجه به این‌که زن جهت شرکت در انتخابات می‌بایست از منزل خارج شود؛ آیا واجب است از شوهر اجازه بگیرد؟ و اگر شوهر به همسرش اجازه شرکت در انتخابات را ندهد یا رضایت نداشته باشد، تکلیف زن چیست؟

ج: شرکت در انتخابات منوط به اذن شوهر نیست.^۱ زنان در چند مورد بدون اجازه شوهر می‌توانند از منزل خارج شوند، از جمله برای رأی دادن در انتخابات یا شرکت در راهپیمایی‌های ضروری.^۲

رأی دادن به لیست انتخاباتی

س: آیا رأی دادن به فهرست‌هایی که از طرف احزاب و گروه‌های سیاسی داده و توسط افراد مشهور و غیرمتخصص تشویق و تبلیغ می‌شود، بدون تحقیق در مورد افراد آن، جایز است؟ اگر این لیست یا برخی از افراد آن در انتخابات رأی بیاورند و صلاحیت آن منصب را نداشته باشند، ما در پیشگاه خدا مسئول خواهیم بود؟

ج: به فهرست و افرادی رأی دهید که معرفی‌کنندگان آن‌ها افرادی متعهد، مؤمن، بصیر، انقلابی و قابل اعتماد باشند، مگر آن‌که حجت شرعی برخلاف داشته باشید.^۳

استفاده از بیت‌المال برای تبلیغات

س: آیا استفاده از بیت‌المال جهت تبلیغات انتخابات اشکال دارد؟

ج: استفاده از اموال بیت‌المال بدون مجوز شرعی و قانونی، جایز نیست و

۱. همان.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم:

makarem.ir. احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

موجب ضمان است.^۱

انتخاب نکردن اصلح در انتخابات

س: اگر کسی در رأی‌گیری جهت انتخاب فردی برای سمتی خاص، به فرد شایسته‌تر رأی ندهد و به فرد دیگری رأی بدهد، از نظر شرع حکم این کار او چیست؟

ج: مرتکب کار خلافی شده و نباید در آینده تکرار کند.^۲

وعده‌های کاندیداها در رقابت انتخاباتی

س: در رقابت بین کاندیداها وعده‌هایی داده می‌شود، تا چه اندازه کاندیداها

مجازند وعده بدهند؟ آیا مجازند وعده‌ای فراتر از اختیارات‌شان بدهند؟

ج: قطعاً جایز نیست وعده‌های فراتر از اختیار بدهند یا دروغ بگویند یا کاری که می‌دانند نمی‌شود، آن را مطرح کنند. ما اسم این را «تدلیس» می‌گوییم؛ نوعی تدلیس است؛ یعنی خلاف‌گویی و کار را بر مردم مشتبه ساختن؛ این کار جایز نیست. کاندیداها باید وعده‌هایی بدهند که می‌توانند انجام دهند یا در توان آن‌ها هست که انجام بدهند. گاه می‌توانند بگویند: امیدوارم بتوانم فلان کار را بکنم؛ البته در صورتی که واقعاً امیدوار باشد، وگرنه اگر بگوید امیدواریم؛ آن هم دروغ و تدلیس است. بنابراین، باید وعده‌هایی بدهند که امکان انجام آن را داشته باشند.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

مجلس انقلابی

{ پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR به مناسبت فرارسیدن ایام انتخابات برخی بایدها و نبایدهای مجلس شورای اسلامی را براساس بیانات رهبر انقلاب اسلامی در این اینفوگرافیک مرور کرده است. }

وظایف اصلی مجلس شورای اسلامی

نظارت درست بر دولت در اجرای قوانین



موضوع‌گیری و فعالیت در مسائل داخلی و بین‌المللی



قانونگذاری به‌وقت به‌هنگام و درست



نبایدهای مجلس

- ۱ مرعوب غرب و آمریکا
- ۲ وجود گرایش‌های منافی با اصول انقلاب
- ۳ منشأ تشنج بودن برای جامعه
- ۴ سوء ظن نسبت به دولت
- ۵ تکرار حرف دشمن در مسائل هسته‌ای و ...
- ۶ دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری

نبایدهای رفتاری نماینده

- ۷ غفلت از انجام وظیفه در مجلس
- ۸ هیاهو هنگام صحبت مسئولان در مجلس
- ۹ اتهام زنی و به‌کار بردن تعبیرات ناپسند
- ۱۰ غیبت بالاتر از حد نصاب
- ۱۱ اهانت به وزرا در کمیسیون‌ها
- ۱۲ بی‌مبالاتی در مسائل مالی
- ۱۳ شرکت نکردن در رأی‌گیری
- ۱۴ گداه گرفتن در انتهای مجلس

بیانات بر اساس تاریخ‌های

- ۱ ۹۴/۱/۲۸
- ۲ ۹۱/۳/۳۴
- ۳ ۸۴/۳/۸
- ۴ ۹۴/۳/۶
- ۵ ۹۴/۱۰/۱۹
- ۶ ۹۴/۱/۲۸
- ۷ ۹۱/۳/۲۴
- ۸ ۹۱/۳/۲۴
- ۹ ۹۲/۳/۸
- ۱۰ ۹۲/۳/۸
- ۱۱ ۹۴/۳/۶
- ۱۲ ۹۱/۳/۲۴
- ۱۳ ۹۲/۳/۸
- ۱۴ ۹۲/۳/۸

بایدهای مجلس

- ۱ مواضع اصولی بر مبنای فرمایشات امام
- ۲ استقلال و شجاعت
- ۳ مبارزه با مفساد اقتصادی
- ۴ پیگیری در جهت رفاه مردم و عدالت اجتماعی
- ۵ مطالعه و تحقیق درباره لوایح
- ۶ حرمت نهادن به آرامش فضای سیاسی
- ۷ حفظ اتحاد در درون مجلس و با قوای دیگر
- ۸ پیگیری در جهت پیشرفت علم و فناوری

بایدهای رفتاری نماینده

- ۹ گفتگوی حکیمانه و خردمندانه
- ۱۰ حضور مفید در محیط کار
- ۱۱ کاهش هزینه‌ها مانند سفرهای بی‌مورد
- ۱۲ سرعت در رسیدگی به کارها

بیانات بر اساس تاریخ‌های

- ۱ ۹۴/۳/۴
- ۲ ۹۴/۱۰/۱۹
- ۳ ۸۲/۴/۱۵
- ۴ ۹۴/۱/۲۸
- ۵ ۹۲/۳/۸
- ۶ ۸۷/۳/۷
- ۷ ۹۱/۳/۲۴
- ۸ ۹۴/۱/۲۸
- ۹ ۹۱/۳/۲۴
- ۱۰ ۹۱/۳/۲۴
- ۱۱ ۹۱/۳/۲۴
- ۱۲ ۹۱/۳/۲۴

مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى

همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعات، جوانان، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد.